



# فهرست

تست	درس نامه	
• بخش اول آشنایی با اقتصاد		
۱۱۳	۸	فصل اول اقتصاد چیست؟
۱۲۱	۱۵	فصل دوم تولید
۱۳۰	۲۶	فصل سوم بازار
۱۴۱	۳۹	فصل چهارم آشنایی با شاخص‌های اقتصادی
• بخش دوم نهادهای پولی و مالی		
۱۶۴	۵۵	فصل اول پول
۱۷۱	۶۰	فصل دوم بانک
۱۸۰	۶۸	فصل سوم بازار سرمایه
• بخش سوم توسعه اقتصادی		
۱۸۵	۷۱	فصل اول رشد، توسعه و پیشرفت
۱۹۱	۷۵	فصل دوم فقر و توزیع درآمد
• بخش چهارم مدیریت کلان اقتصادی		
۲۰۳	۸۰	فصل اول دولت و اقتصاد
۲۱۱	۸۴	فصل دوم بودجه و امور مالی دولت
• بخش پنجم اقتصاد جهان و ایران		
۲۲۴	۹۵	فصل اول اقتصاد بین‌الملل
۲۳۳	۱۰۲	فصل دوم اقتصاد ایران
۲۴۰	۱۰۷	فصل سوم اقتصاد ایران در مسیر پیشرفت
۲۴۶		پاسخ‌نامه تشریحی
۳۱۸		پاسخ‌نامه کلیدی

# فصل ۱

## آشنایی با شاخص‌های اقتصادی

توی درس‌های قبلی با تعریف علم اقتصاد و موضوعات اون آشنا شدیم و انواع فعالیت‌های اقتصادی (مثل تولید، توزیع و مصرف) رو شناختیم؛ حالا توی این درس قراره بریم ببینیم چه‌جوری می‌تونیم همه فعالیت اقتصادی رو که هر روزه توی جامعه انجام می‌شه، اندازه بگیریم؟! البته واضحه که واسه این اندازه‌گیری تماماً به شاخص نیاز داریم و باید این شاخص‌ها رو هم بشناسیم. حالا که با موضوع درس آشنا شدی بریم سراغ اصل مطلب!

### چگونه می‌تونیم میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

بیا فرض کنیم اقتصاد به انسانه که می‌تونه سالم یا بیمار باشه! بعرض بیا فرض کنیم که اقتصاددان هم قراره نقش پزشک رو بازی کنه! نتیجه چی می‌شه؟! این‌که: همون‌طور که به پزشک برای تشخیص بیماری به آدم و درمان اون، به معاینات پزشکی و اندازه‌گیری شاخص‌های حیاتی (مثل نبض، فشار خون، تنفس و ...) نیازمنده، اقتصاددان هم برای بررسی وضعیت اقتصاد جامعه به شاخص‌هایی واسه ارزیابی و اندازه‌گیری نیاز داره! به همین سادگی!

اقتصاددانان برای بررسی وضعیت موجود، اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی، نیازمند استفاده از آمار و شاخص‌های اقتصادی هستند.

سنجش‌ها و شاخص‌های اقتصادی بسیار مهم هستند؛ زیرا هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی و یا روند بهبود می‌شود. نکته...

آمارهای اقتصادی در چهار سطح ارائه می‌شوند:
۱) خرد (خانوارها یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی)
۲) شهری
۳) منطقه‌ای
۴) کلان (ملی و بین‌المللی)

### حسابداری ملی

**تعریف:** شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. حسابداری ملی به بررسی موارد زیر در سطح ملی می‌پردازد:

۱) میزان تولید کالا و خدمات

۲) میزان، صادرات و واردات

۳) میزان مصرف و پس‌انداز کل کشور

۴) حجم نقدینگی (که در درس پول می‌گیم به چه؟)

۵) سطح عمومی قیمت‌ها

۶) سایر متغیرهای کلان

**اهمیت حسابداری ملی:** بررسی و اندازه‌گیری‌های «مرکز آمار»، «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» و یا «بانک مرکزی»، می‌تواند تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه کند.<sup>۱</sup>

## تولید کل و اندازه‌گیری آن

«تولید کل» یعنی هر چی (از شیر مرغ گرفته تا چون آدمیزاد) که در مدت یه سال در سرتاسر کشور تولید شده!

تولید کل یا «میزان کل تولید کالا و خدمات» در جامعه، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که حسابداری ملی به مطالعه آن می‌پردازد.

**اهمیت تولید کل:** این که یک جامعه، ظرف یک سال، چه میزان کالا و خدمات تولید کرده، اهمیت فراوان دارد؛

۱) قدرت و توان اقتصادی جامعه

۲) سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه

۳) میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

۴) امکان پیشرفت جامعه در آینده

زیرا تولید کل نشان‌دهنده این موارد است:

۱- شناخت اقتصاد و ارائه آمارهای درست و واقعی، نقش خیلی مهمی در مدیریت وضعیت اقتصادی جامعه داره؛ این موضوع وقتی اهمیت خودش رو بیشتر نشون می‌ده که بدونیم بعضی وقتاً مثلاً در زمان درگیری جامعه با جنگ اقتصادی، ارائه آمارهای غلط، می‌تونه واسه مردم ذهنیت غلط ایجاد کنه یا موجب اشتباه‌های استراتژی‌های بین مسئولان و نمایندگان کشور بشه!

# شرایط محاسبه یک فعالیت در تولید کل

باید توجه داشت که در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) که شرایط زیر را داشته باشد، در محاسبه «تولید کل» منظور می‌شود:

- ۱) از بازار عبور کند.
  - ۲) به تولید کالا و خدمات نهایی منتهی شود.
  - ۳) قانونی و مجاز باشد.
- اینک به شرح و بسط هر یک از موارد فوق می‌پردازیم:

## ۱) از بازار عبور کند

یعنی تولیدکننده کالا یا ارائه‌دهنده خدمات در قبال آن، از دیگری پول دریافت کند. (از قریم گفتن: هیچ‌گونه ای معض رضای خدا موش نمی‌گیره!)  
**مثال:** کشاورزی که سبزی می‌کارد و آن را می‌فروشد یا تعمیر کاری که تلویزیون تعمیر می‌کند و دستمزد می‌گیرد، هر دو تولیدکننده محسوب می‌شوند و فعالیت تولیدی آن‌ها جزء تولید کل محاسبه می‌شود.

این با «پول» فیزی مهمه! یعنی آگه پولی ردوبدل نشه، فعالیت تولیدی هم در حسابداری ملی و محاسبه تولید کل لحاظ نمی‌شه!

نکته...

زنی که به عنوان خدمتکار در منزل دیگری کار می‌کند (اعم از آشپزی و شست‌وشو و ...) و در قبال آن مزد می‌گیرد، یک تولیدکننده است، اما فعالیت همین زن هنگام انجام امور مربوط به خانداری در منزل خود (چون پولی بابت آن دریافت نمی‌کند)، در محاسبه تولید کل منظور نمی‌شود.

به مثال دیگه: آگه به زن روستایی به شوهرش بگه به پای این که کارگر بگیرم، من فودم همپای تو تو می‌زرعه کار می‌کنم و به پاش آفر هر ماه، فلان مقدار دستمزد به من بده، فعالیت این زن در تولید کل محاسبه می‌شه، اما آگه همین زن به خاطر عشق و این که بیشتر کنار شوهرش باشه، بره تو می‌زرعه کار کنه و به ریال هم مزد بگیره، فعالیتش در تولید کل حساب نمی‌شه! کار همون کاره‌ها! اما این پول که تعیین می‌کنه به کار در تولید کل محاسبه بشه یا نه! هالا هی بگن پول مهم نیست!

## ۲) به تولید کالا یا خدمات «نهایی» منجر شود

به عنوان مقدمه لازم است نوعی از طبقه‌بندی کالاها را یادآور شویم:

نوع کالا	توضیحات	مثال
نهایی	کالایی که تولیدکنندگان به بازار عرضه می‌کنند و مصرف‌کنندگان آن‌ها خریداری کرده را مصرف می‌کنند.	دستمال کاغذی
واسطه‌ای	کالایی که تولیدکنندگان به بازار عرضه می‌کنند و تولیدکنندگان دیگر (نه مصرف‌کنندگان) آن‌ها را می‌خرند تا از آن‌ها در ساخت کالاهای دیگری استفاده کنند.	موتور خودرو

نکته...

در حسابداری ملی و محاسبه تولید کل، فقط ارزش کالاهای نهایی محاسبه می‌شود؛ زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی منظور شده است و اگر بخواهیم ارزش آن‌ها را نیز محاسبه کنیم، گویی دو بار محاسبه شده‌اند؛ یک بار به عنوان کالای نهایی و مستقل و بار دیگر به صورت کالای واسطه‌ای و بخشی از کالای نهایی.

**مثال:** زنی برای ساخت گل‌های مصنوعی، ۱۰۰۰ تومان پارچه، رنگ، چسب و ... می‌خرد و پس از ساخت گل‌ها، آن‌ها را ۲۵۰۰ تومان می‌فروشد؛ بنابراین:

ارزش کار و فعالیت تولیدکننده = ارزش کالاهای واسطه‌ای + ارزش کالای نهایی  
 پارچه، رنگ، چسب و ...

۱۵۰۰ تومان + ۱۰۰۰ تومان = ۲۵۰۰ تومان

مشاهده می‌شود که قیمت کالاهای واسطه‌ای در قیمت کالای نهایی منظور شده است و برای محاسبه تولید کل نمی‌توان بار دیگر ارزش کالاهای واسطه‌ای (پارچه، رنگ، چسب، و ...) را لحاظ نمود.

پس فقط «قیمت نهایی» کالا و خدمات رو در «تولید کل» منظور می‌کنیم؛ مثلاً در مثال بالا در محاسبه تولید کل نمایم به بار ۲۵۰۰ تومن رو که قیمت نهایی کلاست محاسبه کنیم و به بار هم ۱۰۰۰ تومن رو که پول مواد اولیه است؛ چون پول مواد اولیه به بار توی همون قیمت نهایی محاسبه شده و آگه دوباره حسابش کنیم، حساب کتابمون غلط از آب در میار!

## ۳) قانونی و مجاز باشد

فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی (مانند قاچاق) که به آن‌ها تجارت و اقتصاد زیرزمینی هم گفته می‌شود، در تولید کل کشور محاسبه نمی‌شوند؛ از این فعالیت‌ها آمار دقیقی در دست نیست.

زیرا

۱) نوعی مشروعیت‌دادن و مجازشمردن آن‌هاست که تالی فاسد دارد.

یعنی فعالیت افرادی رو که کلای قاپاق به کشور وارد می‌کنن نباید در تولید کل محاسبه کنیم؛ منظورمون همون آدم‌هایی هست که آگه کلای قاپاق رو از راه فکشی بیارن، بهشون می‌گن «کولبر» و آگه از راه دریا بیارن، بهشون می‌گن «پترباز»؛ و البته رئیس و رؤسای اون‌اگر همشون قاپاق و قلافه!

## تولید ملی و داخلی

در اندازه‌گیری تولید هر کشور، براساس این که ← ملاک اصلی، محل تولید باشد یا ملت تولیدکننده، شاخص تولید به دو دسته داخلی و ملی تقسیم می‌شود؛ به این شرح که:

تولید داخلی	تولید کل
اگر تولید داخل مرزهای یک کشور گرفته باشد - اعم از این که تولیدکنندگان از اتباع آن کشور باشند یا خارجیان مقیم در کشور - به آن «تولید داخلی» می‌گویند. (از اسمش پیداست دریگه! تولید داخلی، یعنی تولید داخل مرزهای یک کشور! عیب راهنمایی‌ای کردم من!!)	اگر تولید توسط اتباع (ملت) یک کشور انجام شده باشد - اعم از این که تولید داخل مرزهای یک کشور صورت گرفته باشد یا خارج از کشور - به آن «تولید ملی» می‌گویند. (اینم از اسمش پیداست دریگه! ملت و تولید ملی!)

پس هواسمون باشه؛

- تولید «داخلی» ایران، یعنی هرچی داخل مرزهای ایران تولید شده؛ چه اتباع ایرانی اونا رو تولید کرده باشن و چه خارجی‌هایی که مقیم ایران هستن! پس اون چیزی که اهمیت داره «مکان» تولیدره که باید ایران باشه!
- تولید «ملی» ایران، یعنی هرچی فقط ایرانی‌ها تولید کردن؛ حالا هرکهای دنیا که بوده باشن! از ایرانی‌های مقیم ایران گرفته تا ایرانی‌های مقیم نیویورک! پس اون چیزی که اهمیت داره «ملیت» افراد تولیدکننده است که باید ایرانی و از اتباع ایران باشن!

## تولید «ناخالص» ملی و داخلی

در بخش قبلی با اصطلاح «تولید کل» آشنا شدیم و اونو به دو بخش «تولید ملی» و «تولید داخلی» تقسیم کردیم! حالا می‌فوایم هر کدوم از این دو بخش رو نیز به دو دسته «خالص» و «ناخالص» تقسیم کنیم؛ مبنامون واسه این تقسیم‌بندی چیه؟! «استهلاک»! یعنی اگه از تولید «ناخالص»، هزینه استهلاک رو کم کنیم، به تولید «خالص» می‌رسیم! تا این‌جا رو داشته باش تا بعداً مفصل درباره استهلاک بفونیم! با این تقسیم‌بندی‌ها به جدول زیر می‌رسیم:

تولید داخلی کل	ناخالص	خالص
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در یک سال بدون کسر هزینه‌های استهلاک	ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در یک سال پس از کسر هزینه‌های استهلاک	
تولید ملی کل <th>ناخالص</th> <th>خالص</th>	ناخالص	خالص
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده توسط افراد یک ملت در یک سال بدون کسر هزینه‌های استهلاک	ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده توسط افراد یک ملت در یک سال پس از کسر هزینه‌های استهلاک	

حالا «خالص»‌ها رو به گوشه ذهنِت نگه‌دار؛ چون الان باهاشون کاری نداریم! اول می‌فوایم بریم با «ناخالص» آشنا بشیم، بعرض می‌ریم سراغ «خالص»‌ها! باشه؟!

### الف) تولید ناخالص داخلی

دربارۀ تولید ناخالص داخلی باید دانست:

- تولید ناخالص داخلی عبارت است از: ارزش پولی<sup>۱</sup> تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود.
- این نوع از تولید کل با علامت اختصاری GDP شناخته می‌شود که مخفف عبارت انگلیسی Gross Domestic Product می‌باشد.
- از نامش پیداست! تولید داخلی، یعنی ارزش پولی تمام کالاها و خدماتی که ظرف یک سال در داخل کشور تولید شده؛ چه توسط ایرانیان مقیم در کشور و چه توسط خارجیان مقیم در کشور. به بیان بهتر در این نوع از تولید، «مکان تولید» مهم است (نه ملیت تولیدکنندگان).
- در محاسبۀ تولید داخلی، تولیدات اتباع کشور (مثلاً ایرانیانی) که در خارج از کشور اقامت دارند، محاسبه نمی‌شود.
- در محاسبۀ تولید داخلی، تولیدات بیگانگان و خارجیانی که در کشور مقیم هستند، منظور می‌گردد.

### ب) تولید ناخالص ملی

دربارۀ تولید ناخالص ملی لازم است بدانیم:

- تولید ناخالص ملی عبارت است از: ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال توسط یک ملت تولید شده است.
- این نوع از تولید کل با علامت اختصاری GNP شناخته می‌شود که مخفف عبارت انگلیسی Gross National Product می‌باشد.
- از نامش پیداست! تولید ملی، یعنی ارزش پولی تمام کالاها و خدماتی که ظرف یک سال توسط ملت و اتباع یک کشور تولید شده؛ چه در داخل و چه در خارج از کشور. به بیان دیگر، در تولید ملی، «تابعیت و ملیت تولیدکنندگان مهم است» (نه مکان تولید).
- در محاسبۀ تولید ملی، تولیدات خارجیان مقیم در کشور محاسبه نمی‌شود.

۱- به کم‌بالاتر توضیح می‌دم! فعلاً بی‌خیالش شو!

۵ در محاسبه تولید ملی، تولیدات اتباع کشور (مثلاً ایرانیانی) که در خارج از کشور سکونت دارند، منظور می‌گردد.

(الوعده وفاق گفته بودیم مفهوم ارزش پولی، رو بعین توضیح می‌دیم که الان همون بعینه!)

در محاسبه تولید کل (چه ملی و چه داخلی) تمام تولیدات اعم از سبزی خوردن، ساختمان، ماشین‌آلات و ... لحاظ می‌شوند و بدیهی است که نمی‌توان ارزش تمام این موارد را با هم مقایسه نمود؛ یعنی نمی‌توان گفت: دو کیلو سبزی خوردن + یک برج ۱۰۰ طبقه + ۳ تراکتور = تولید کل!!

از آن‌جا که این تولیدات هم‌نوع نیستند، نمی‌توان آن‌ها را به همین شکل با هم جمع نمود تا به تولید کل رسید؛ بنابراین اقتصاددانان ارزش پولی این محصولات را با هم جمع می‌کنند؛ یعنی ابتدا قیمت آن‌ها را محاسبه می‌کنند و سپس این قیمت‌ها را با هم جمع می‌کنند تا میزان تولید کل به دست آید؛ مثلاً:

(ارزش پولی یک برج) یک میلیارد تومان + (ارزش پولی ۳ تراکتور) ۳ میلیون تومان = تولید کل

تومان ۱,۰۰۳,۰۰۲,۰۰۰ = (ارزش پولی ۲ کیلو سبزی) ۲۰۰۰ تومان +

جدول زیر در یک نگاه کلی، تفاوت تولید ناخالص داخلی و ملی را به نمایش می‌گذارد:

نوع تولید ناخالص	علامت اختصاری	معیار محاسبه	محاسبه تولیدات خارجی‌های مقیم در کشور	محاسبه تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج
داخلی	GDP	مکان تولید (داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور)	✓	×
ملی	GNP	ملیت تولیدکنندگان (اتباع یک کشور)	×	✓

**اهمیت تولید ناخالص داخلی یا ملی:** تولید ناخالص داخلی (GDP) و تولید ناخالص داخلی (GNP)، هر دو از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی به شمار می‌روند که میزان زیاد آن‌ها، بیانگر موارد زیر است:

- ۱) قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر
- ۲) استفاده بهینه از همه عوامل تولید
- ۳) بهره‌وری بالاتر کشور
- ۴) درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن

نکته...

اگرچه تعریف تولید داخلی و تولید ملی با هم تفاوت دارد، اما در غالب کشورهای جهان معمولاً مقدار این دو شاخص به هم نزدیک است، مگر در کشورهایی که:

- ۱) نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند. (مانند لبنان که تولید ملی آن بیشتر از تولید داخلی است.)
- ۲) مهاجرپذیر هستند و سرمایه‌های زیادی را در قالب تولیدکنندگان چندملیتی به کشور خود وارد می‌کنند. (مانند هنگ‌کنگ که تولید داخلی آن بیشتر است.)

نتیجه...

در اغلب کشورهای جهان (مانند ایران) می‌توان این دو شاخص را به جای هم به کار برد؛ زیرا جز در موارد استثنایی فوق، در سایر کشورها، میزان این دو شاخص به هم نزدیک است و تفاوت فاحشی میان آن‌ها وجود ندارد.

هالا وقتشه یه مسئله حل کنیم و ببینیم از مطالبی که تا این‌جا یاد گرفتیم، طراح مترم چه پوری می‌تونه سوال طراحی کنه! موافقی؟!

**مسئله:** در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها؛ مطلوب است:

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص ملی

۱	ارزش ماشین‌آلات تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	۷,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	ارزش پوشاک تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳	ارزش مواد غذایی تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	$\frac{1}{5}$ مجموع ردیف‌های ۱ و ۲
۴	ارزش خدمات ارائه‌شده توسط اتباع مقیم در کشور	$\frac{1}{10}$ ارزش مواد غذایی
۵	ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور	$\frac{1}{4}$ ردیف ۶
۶	ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط خارجی‌ان مقیم در داخل کشور	۲,۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۷	هزینه استهلاک	$\frac{1}{3}$ ارزش ماشین‌آلات

(۲) الف) ۱۱,۴۲۱ میلیون ریال - ب) ۱۲,۶۵۱ میلیون ریال

(۴) الف) ۱۲,۶۵۱ میلیون ریال - ب) ۱۱,۴۲۱ میلیون ریال

(۱) الف) ۱۳,۸۷۱ میلیون ریال - ب) ۱۴,۱۰۱ میلیون ریال

(۳) الف) ۱۴,۱۰۱ میلیون ریال - ب) ۱۳,۸۷۱ میلیون ریال

**پاسخ:** گزینه «۱» اول بیا مواردی رو که توی جدول به صورت کسری و نامشخص نوشته شدن، مناسبه کنیم:

میلیون ریال  $1,910 = \frac{1}{5} \times (9,550) = \frac{1}{5} \times (7,350 + 2,200) = \frac{1}{5} \times 9,550$  = مجموع ردیف‌های ۱ و ۲  $\times \frac{1}{5}$  = ارزش مواد غذایی تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور داری می‌پرسی بقیه صفرهای این اعداد کجا رفتن؟! نترس! پایی نرفتن! من موقتی اونا رو گذاشتم توی پیجم تا اعداد کوتاه تر بشن و راحت تر محاسبات رو انجام بدم؛ یعنی من با برداشتن ۶ تا صفر از همه اعدادی که به ریال بودن، اونا رو تبدیل به «میلیون ریال» کردم! به همین سادگی! تو هم توی حل مسائل از این روش استفاده کن! باور کن ضرر نمی‌کنی!

میلیون ریال  $1910 = \frac{1}{10} \times (1,910) = \frac{1}{10} \times$  ارزش مواد غذایی = ارزش خدمات ارائه شده توسط اتباع مقیم در کشور

میلیون ریال  $1,110,000 = \frac{1}{4} \times 2,220 = \frac{1}{4} \times 6$  ردیف = ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور

میلیون ریال  $2,450 = \frac{1}{3} \times 7,350 = \frac{1}{3} \times$  ارزش ماشین‌آلات = هزینه استهلاک

هالا اعدادی رو که به دست آوردیم توی جدول یابگیزیم می‌کنیم تا داده مجهولی نداشته باشیم و می‌ریم سراغ باقی محاسبات:

مجموع ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولیدشده در داخل کشور (توسط اتباع کشور یا خارجیان مقیم در کشور) = تولید ناخالص داخلی

$\Rightarrow$  (۱۹۱۰) ارزش خدمات + (۱,۹۱۰) ارزش مواد غذایی + (۲,۲۰۰) ارزش پوشاک + (۷,۳۵۰) ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی  $\Rightarrow$

میلیون ریال  $13,871 = (2,220)$  ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده توسط خارجیان مقیم در کشور +

مجموع ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولیدشده توسط اتباع کشور (در داخل یا خارج از کشور) = تولید ناخالص ملی

$\Rightarrow$  (۱۹۱۰) ارزش خدمات + (۱,۹۱۰) ارزش مواد غذایی + (۲,۲۰۰) ارزش پوشاک + (۷,۳۵۰) ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص ملی  $\Rightarrow$

میلیون ریال  $12,761 = (1,110,000)$  ارزش کل کالاها و خدمات تولیدشده توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور +

آگه خوب دقت کنی، می‌بینی که تفاوت تولید داخلی و تولید ملی فقط در مورد آفر محاسبات بالاست؛ یعنی «تولیدات اتباع کشور در خارج کشور» و «تولیدات فارغیان مقیم در کشور»؛ هالا دو زاریت کامل افتاد!

**نکته...**

همتا داری می‌پرسی چرا از عدد مربوط به «استهلاک» که در سطر آفر جدول اومده بود، هیچ استفاده‌ای نکردیم؟! جوابش اینه که سؤال از ما فقط تولیدات «ناخالص» (اعم از داخلی یا ملی) رو خواسته بود و تولید «خالص» رو نخواست بود! باید هواسمون باشه که در محاسبه تولیدات «ناخالص»، به هزینه استهلاک هیچ کاری نداریم و توی محاسباتمون منظور ش نمی‌کنیم! شاید برای گمراه کردن ما به استهلاک اشاره شده باشه! اما ما که هواسمون جمع تر از این حرف‌هاست! مگه نه؟!

در مباحث قبلی، در خصوص «تولید ناخالص داخلی» و «تولید ناخالص ملی» بیشتر توضیح داریم، چون کتاب درسی هم بیشتر توضیح داده بود! هالا یاد می‌گیریم که وقتی از هر کدام از اونا «هزینه‌های استهلاک» رو کم کنیم به تولید «خالص» می‌رسیم! به همین راحتی! اما لازمه به کم بیشتر در مورد استهلاک بدونیم:

## استهلاک

گفتیم که از مفهوم «استهلاک» برای توضیح تفاوت میان تولید ناخالص (ملی یا داخلی) و تولید خالص (ملی یا داخلی) استفاده می‌کنیم.

یعنی برای محاسبه تولیدات خالص (داخلی / ملی) باید هزینه‌های استهلاک را از میزان تولیدات ناخالص (داخلی / ملی) کسر کنیم.

هالا استهلاک چیه؟ گوش کن تا بگم!

استهلاک یعنی فرسوده شدن، خراب شدن و کاهش کارایی؛ یعنی بخشی از سرمایه‌های یک کشور (مانند ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، ابزارها و وسایل و ...)

به مرور زمان و در اثر استفاده مداوم از آنها فرسوده و مستهلک می‌شوند و یا حتی از بین می‌روند، بنابراین لازم است سالیانه هزینه‌هایی صرف تعمیر

یا جایگزینی آنها شود. بنابراین:

$$\text{هزینه استهلاک} = \frac{\text{قیمت کالای سرمایه‌ای}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالای سرمایه‌ای}}$$

**مثال:** یک دستگاه چاپ ممکن است فقط ده سال عمر مفید داشته باشد و پس از گذشت ده سال، دیگر قابل استفاده نباشد و لازم باشد دستگاه جدیدی

خریداری و جایگزینی آن شود. مقدار پولی که خرج این جایگزینی می‌شود؛ «هزینه استهلاک» نام دارد.

**نکته...**

هزینه استهلاک = میزان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز (برای کالای موردنظر)

## مسائل مربوط به «استهلاک»

**تیب اول:** محاسبه میزان استهلاک و درصد آن

**مسئله ۱:** اگر یک کالا ۲۰ سال عمر مفید داشته باشد و به قیمت ده میلیون تومان خریداری شده باشد، هزینه استهلاک سالیانه آن چه قدر است؟

(۱) ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲) ۵۰۰,۰۰۰ تومان (۳) ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۴) ۱۰۰,۰۰۰ تومان

**پاسخ:** گزینه «۲» برای محاسبه میزان استهلاک یک کالا در سال باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{هزینه استهلاک سالیانه} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}} = \frac{10,000,000}{20} = 500,000 \text{ تومان}$$

**مسئله ۲:** اگر تراکتوری به مبلغ ۳۰ میلیون تومان خریداری شده باشد و ۱۰ سال عمر مفید داشته باشد، هر سال چند درصد آن مستهلک می‌شود؟

- (۱) ۱ درصد (۲) ۳ درصد (۳) ۵ درصد (۴) ۱۰ درصد

**پاسخ:** گزینه «۴» برای محاسبه درصد استهلاک، ابتدا باید میزان استهلاک را به دست آوریم و سپس از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{درصد استهلاک} = \frac{\text{میزان استهلاک}}{\text{قیمت کالا}} \times ۱۰۰$$

بنابراین ابتدا داریم:

$$\text{تومان} = \frac{۳۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰} = \text{هزینه استهلاک در هر سال}$$

$$\text{درصد} = ۱۰ = \frac{۳,۰۰۰,۰۰۰}{۳۰,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \text{درصد استهلاک}$$

### تیپ دوم: محاسبه عمر مفید کالا یا قیمت اولیه آن

**مسئله ۱:** اگر یک کالا به قیمت ۲۰ میلیون تومان خریداری شده باشد و هزینه استهلاک آن در هر سال ۵۰۰,۰۰۰ تومان باشد، عمر مفید این کالا

چند سال است؟

- (۱) ۴۰ سال (۲) ۵۰ سال (۳) ۱۰ سال (۴) ۲۰ سال

**پاسخ:** گزینه «۱» برای محاسبه تعداد سال‌های عمر مفید یک کالا، باید فرمول قبلی را اندکی تغییر دهیم و از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{عمر مفید کالا} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{میزان استهلاک سالانه}} = \frac{۲۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰۰,۰۰۰} = ۴۰ \text{ سال}$$

**مسئله ۲:** اگر هزینه استهلاک یک کالا در سال ۲۰۰ هزار تومان و عمر مفید این کالا ۱۰۰ سال باشد، قیمت اولیه کالا چه قدر بوده است؟

- (۱) ۲۰ میلیون ریال (۲) ۱۰ میلیون ریال (۳) ۲۰۰ میلیون ریال (۴) ۱۰۰ میلیون ریال

**پاسخ:** گزینه «۳» برای محاسبه قیمت اولیه کالا با توجه به میزان استهلاک و عمر مفید آن، باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{تومان} = ۲۰۰,۰۰۰ \times ۱۰۰ = ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت اولیه کالا}$$

دلیل استفاده از این فرمول هم که روشه دیگه! هزینه استهلاک، یعنی هر سال چه قدر از کالا، فرسوده و مستهلک می‌شه؛ حالا آنگه این میزان فرسودگی رو در تعداد سال‌های عمر مفید به کلا ضرب کنیم، می‌رسیم به همون قیمت اولیه‌ای که کالا رو باهاش خریدیم! حالا واسه این که جوابی رو که به دست آوردیم امانت‌کنیم و ببینیم درسته یا نه، می‌تونیم جواب رو بنذاریم توی همون فرمول اولیه‌ای که از استهلاک یاد گرفته بودیم:

$$\text{تومان} = ۲۰۰,۰۰۰ = \frac{۲۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = \text{هزینه استهلاک در هر سال}$$

دری در دست بود؟! توی هر مسئله آنگه به جوابی که به دست آورده بودی شک کردی؛ سریع با فرمول اولیه امانت‌کن! به همین سادگی!

در ضمن هواسه که هسته پرگزینده «ا» در دست نیست؟! چون صورت سؤال به تومانه و گزینه‌ها به ریال! جوابی که به دست آوردیم ۲۰ میلیون تومان بود که می‌شه ۲۰۰ میلیون ریال؛ یعنی گزینه «۳»!

### تیپ سوم: محاسبه قیمت جدید کالا

**مسئله:** یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۳۰ میلیون تومان خریداری کرده‌ایم؛ با فرض این که عمر مفید این کالا ۱۰۰ سال است، به

پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

(الف) هر سال چه مقدار به عنوان هزینه استهلاکی باید کنار گذاشته شود؟

(ب) اگر در دو سال آخر عمر مفید این کالا، قیمت آن ۲۰٪ افزایش داشته باشد، مجموع هزینه استهلاک دو سال آخر چه میزان خواهد بود؟

(پ) قیمت جدید این کالا کدام است؟

(۱) ۶۰۰ هزار تومان - ۷۲۰ هزار تومان - ۷۲ میلیون تومان

(۲) ۳۰۰ هزار تومان - ۳۶۰,۰۰۰ هزار تومان - ۷۲ میلیون تومان

(۳) ۶۰۰ هزار تومان - ۳۶۰,۰۰۰ هزار تومان - ۳۶ میلیون تومان

(۴) ۳۰۰ هزار تومان - ۷۲۰ هزار تومان - ۳۶ میلیون تومان

**پاسخ:** گزینه «۴» برای پاسخ به این مسئله، باید مراحل زیر را گام به گام طی کنیم:

(الف) محاسبه میزان استهلاک سالانه

$$\text{تومان} = ۳۰۰,۰۰۰ = \frac{۳۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = \text{هزینه استهلاک سالانه}$$

(پ) باید ۲۰٪ افزایش قیمت را محاسبه کنیم و سپس آن را به قیمت اولیه کالا اضافه کنیم:

$$\text{تومان} = ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲۰\%$$

$$\text{تومان} = ۳۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۶,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت جدید کالا}$$

(ب) حال با توجه به قیمت جدید کالا، هزینه استهلاک سالیانه را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{هزینه استهلاک سالیانه با توجه به قیمت جدید کالا} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}}$$

$$\text{هزینه استهلاک سالیانه با توجه به قیمت جدید کالا} = \frac{۳۶,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = ۳۶۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

چون صورت مسئله، مجموع استهلاک دو سال آخر را خواسته است، میزان استهلاک در یک سال را باید در عدد ۲ ضرب کنیم تا مجموع استهلاک دو سال را به دست آوریم:

$$\text{تومان } ۷۲۰,۰۰۰ = ۳۶۰,۰۰۰ \times ۲ = \text{مجموع هزینه استهلاک دو سال آخر}$$

**نکته:** ممکن است طراح محترم سؤال کنکور، به جای افزایش قیمت، «کاهش قیمت» کالا را مورد توجه قرار دهد، مثلاً در قسمت (ب) مسئله چنین بگوید: «اگر در دو سال آخر عمر مفید این کالا، قیمت آن ۲۰٪ کاهش داشته باشد، ...»

در این مورد نیز ابتدا میزان کاهش را محاسبه می‌کنیم ( $۳۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۰.۲ = ۶,۰۰۰,۰۰۰$ )، اما در ادامه، عدد به دست آمده را به جای آن که به قیمت اولیه کالا اضافه کنیم، از قیمت اولیه، کم می‌کنیم ( $۳۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۴,۰۰۰,۰۰۰$ ) که در این صورت قیمت جدید از قیمت اولیه کم‌تر می‌شود و سپس مجموع استهلاک دو سال آخر را با توجه به این قیمت محاسبه می‌کنیم.

آه توبه کرده باشی، ما اول پاسخ قسمت (پ) رو به دست آوردیم و بعد پاسخ قسمت (ب) رو آگاهی وقتا نمی‌شه پاسخ قسمت‌های مختلف به سؤال رو به ترتیب به دست آورد؛ بلکه باید ببینیم از چه طریقی سریع‌تر و آسون‌تر به جواب می‌رسیم و همون راهو دنبال کنیم!

## تولید «خالص» ملی و داخلی

در بخش‌های قبلی با روش محاسبه «تولید ناخالص (اعم از داخلی یا ملی)» و نیز با روش محاسبه «هزینه استهلاک» آشنا شدیم.

حال اگر از تولید ناخالص، هزینه‌های استهلاک را کسر کنیم، به تولید «خالص» می‌رسیم؛ بنابراین:

$$\text{هزینه‌های استهلاک} - \text{تولید ناخالص ملی} = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{هزینه‌های استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

آه چندتا مسئله رو با هم حل کنیم، بهتر و دقیق‌تر مطلب رو متوجه می‌شی؛ مگه نه؟!

**مسئله ۱:** با توجه به اطلاعات زیر که مربوط به یک جامعه فرضی است، هزینه‌های استهلاک چند واحد پولی بوده است؟

- تولید خالص داخلی: ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

- تولید خالص ملی: ۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

- تولید ناخالص داخلی: ۱۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۴)

۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۳)

۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۲)

۸۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۱)

**پاسخ:** گزینه «۳» همه اعداد داده‌شده در صورت سؤال، در داشتن ۹ صفر، مشترک هستند، پس ابتدا برای سهولت محاسبه، این صفرها را کنار می‌گذاریم و به اعداد، ۹۰، ۱۲۰ و ۱۷۵ می‌رسیم.

می‌دانیم که:

$$\text{هزینه‌های استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد واحد پولی } ۵۵ = ۱۷۵ - ۱۲۰ = \text{هزینه استهلاک} \rightarrow \text{هزینه‌های استهلاک} - ۱۲۰ = ۱۷۵$$

حالا تا ۹ صفر رو به عدد به دست آمده اضافه می‌کنیم و به سراغ گزینه‌ها می‌رویم! گزینه «۳» پاسخ درسته!

**نکته:** به یاد داشته باشیم که برای محاسبه تولید خالص داخلی باید هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص داخلی و برای محاسبه تولید خالص ملی باید هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص ملی کسر کنیم؛ پس یعنی توی این سؤال نمی‌تونیم تولید قالم ملی (۹۰) رو از تولید ناخالص داخلی (۱۷۵) کسر کنیم و بگیریم هزینه استهلاک می‌شه ۸۵؛ چون یکیش ملی و یکیش داخلیه و از به پیش نیستن! این‌جاست که می‌گیم توی این سؤال تولید قالم ملی فقط واسه مردم‌آزاری درج شده و نباید هواس تو رو پرت کنه!

**مسئله ۲:** در کشوری، کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است؛ مطلوب است:

الف) تولید ناخالص داخلی

مواد غذایی	تولید خالص داخلی
۴۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال	(۱) الف) ۸۴۸ میلیون ریال - ب) ۸۳۴ میلیون ریال
۳۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	(۲) الف) ۸۳۴ میلیون ریال - ب) ۸۴۸ میلیون ریال
۵۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۲۰,۰۰۰ ریال	(۳) الف) ۸۴۳ میلیون ریال - ب) ۸۴۸ میلیون ریال
۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	(۴) الف) ۸۴۸ میلیون ریال - ب) ۸۴۳ میلیون ریال
۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال	
خدمات ارائه‌شده	
استهلاک در هر سال	



**پاسخ: گزینه «۴»**

اول باید ارزش کالاها رو مناسبه کنیم و بعد بریم سراغ مناسبه تولید فالص و ناقص دلفی، یعنی جمع زدن اعداد و یافتن برتقال فروش!!

میلیون ریال ۸ = ریال ۸,۰۰۰,۰۰۰ =  $۴۰ \times ۲۰۰,۰۰۰$  = ارزش مواد غذایی

میلیون ریال ۷۰۰ =  $۳۵۰ \times ۲,۰۰۰,۰۰۰$  = ارزش ماشین آلات

میلیون ریال ۱۰۰ = ریال ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ =  $۵۰۰ \times ۲۰,۰۰۰$  = ارزش پوشاک

میلیون ریال ۸۴۸ =  $۸ + ۷۰۰ + ۱۰۰ + ۴۰$  = تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال ۸۴۳ =  $۸۴۸ - ۵$  = هزینه‌های استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

**مسئله ۳:** در یک جامعه فرضی در مدت یک سال کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها:

A	ارزش ماشین آلات	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ارزش پوشاک	۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	ارزش مواد غذایی	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{9}$ ارزش پوشاک
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{18}$ ارزش ماشین آلات

(کنکور سراسری خارج از کشور ۹۰)

الف) تولید خالص داخلی  
 ب) تولید ناخالص داخلی در کشور به ترتیب از راست به چپ چند میلیون ریال است؟

۱) ۳,۶۷۰ - ۳,۸۷۰  
 ۲) ۳,۷۶۰ - ۳,۸۷۰  
 ۳) ۳,۶۷۰ - ۳,۷۸۰  
 ۴) ۳,۷۶۰ - ۳,۷۸۰

**پاسخ: گزینه «۱»** برای حل این مسئله مراحل زیر را طی می‌کنیم:

۱) با توجه به این که پاسخ سؤال به میلیون ریال خواسته شده است، در گام اول اعداد را به میلیون ریال تبدیل می‌کنیم؛ یعنی ۶ صفر آن‌ها را برمی‌داریم.

۲) باید با توجه به اطلاعات داده شده، ارزش خدمات و هزینه استهلاک را محاسبه کنیم؛ این گونه:

$$\text{میلیون ریال } ۹ = ۸۱ \times \frac{1}{9} = \text{ارزش پوشاک} = \frac{1}{9} \times \text{خدمات ارائه شده}$$

$$\text{میلیون ریال } ۲۰۰ = ۳۶۰ \times \frac{1}{18} = \text{ارزش ماشین آلات} = \frac{1}{18} \times \text{هزینه استهلاک}$$

۳) حال به سراغ محاسبه تولید ناخالص داخلی می‌رویم؛ برای این کار ارزش تمام تولیدات (تولید کالا + خدمات) را با هم جمع می‌کنیم، بدون این که به هزینه استهلاک توجهی داشته باشیم:

$$\text{میلیون ریال } ۳,۸۷۰ = ۳,۶۰۰ + ۸۱ + ۱۸۰ + ۹ = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

۴) برای محاسبه تولید خالص داخلی، کار ساده‌ای پیش رو داریم، کافی است هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنیم:

$$\text{میلیون ریال } ۳,۶۷۰ = ۳,۸۷۰ - ۲۰۰ = \text{تولید خالص داخلی} = \text{هزینه‌های استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی}$$

**مسئله ۴:** در یک کشور فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها: (سراسری ۹۱)

الف) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟

ب) چنان چه جمعیت کل این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد، «تولید خالص سرانه» آن کدام است؟

A	مواد غذایی	۵۰۰ تن از قرار هر تن	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ماشین آلات	۵,۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	پوشاک	۱۵,۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۵۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{25}$ ارزش ماشین آلات	

۱) الف) ۲۶۷۵۰۰ - ۲۷۵۵۹۹ (ب) ۵۲۰  
 ۲) الف) ۲۷۶۵۰۰ - ۲۷۵۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰  
 ۳) الف) ۲۲۷۵۰۰ - ۲۷۶۵۰۰ (ب) ۵۲۵۰  
 ۴) الف) ۲۶۷۵۰۰ - ۲۷۷۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰

**پاسخ: گزینه «۴»**

تولید خالص داخلی = تولید ناخالص داخلی پس از کسر هزینه‌های استهلاک (الف)

$$\text{ارزش کل مواد غذایی} = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۳۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{ارزش کل ماشین آلات} = ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۵۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{ارزش کل پوشاک} = ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰$$

$$\text{ارزش خدمات} = ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{2}{3} \times ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

فالا از اعدادی که داریم، ۶ تا صفر کم می‌کنیم (همون صورت سؤال گفته: میلیون ریال) و عمل جمع زدن رو انجام می‌دیم:

میلیون ریال  $277,500 = 15,000 + 25,000 + 7,500 + 5,000$  = تولید ناخالص داخلی

ریال  $1,000,000,000 = \frac{1}{25} \times 25,000,000,000$  = هزینه استهلاک

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی  
ریال  $267,500,000,000 = 277,500,000,000 - 1,000,000,000$

میلیون ریال  $267,500$  = تولید خالص داخلی

در صورت سؤال با توجه به حذف گزینه‌ها، دیگر نیازی به ادامه پاسخویی نیست و گزینه (۴) را انتخاب می‌کنیم.

ریال  $5350 = \frac{267,500,000,000}{5,000,000}$  = تولید خالص داخلی سرانه  
تولید خالص داخلی / جمعیت = تولید خالص داخلی سرانه (ب)

نکته...

برای محاسبه «تولید ناخالص داخلی سرانه» باید میزان تولید ناخالص داخلی را بر جمعیت کل کشور تقسیم نمود؛ یعنی:

تولید ناخالص داخلی / جمعیت کل کشور = تولید ناخالص داخلی «سرانه»

البته این فرمول فقط اقتضای به تولید ناخالص داخلی ندارد! این، به قاعده کلی هست که هر بار واژه «سرانه» رو دیدی، باید عددی که به دست آوردی رو بر جمعیت کل کشور تقسیم کنی! پس آگه مثلاً توی به سؤال ازت پرسیدن تولید ناخالص «ملی» سرانه چه قدره؟ برو ببین تولید ناخالص ملی چه قدره، همون عدد رو بر تعداد کل جمعیت تقسیم کن!

البته مسائل مربوط به سرانه رو می‌شه به صورت‌های دیگه‌ای هم مطرح کرد؛ مثلاً:

**مثال ۱:** اگر تولید ناخالص داخلی کشوری ۸۰۰ میلیارد واحد پولی و تولید ناخالص داخلی سرانه همان کشور ۲۰۰ هزار واحد پولی باشد، این کشور چند نفر جمعیت دارد؟

**پاسخ:** برای پاسخ به چنین پرسشی تنها لازم است از فرمول زیر استفاده کنیم:

نفر  $4,000,000 = \frac{800,000,000,000}{200,000}$  = تعداد جمعیت  
تولید ناخالص داخلی / تولید ناخالص داخلی سرانه = تعداد جمعیت

**مثال ۲:** اگر تولید ناخالص داخلی سرانه کشوری در سال گذشته ۲ میلیون واحد پولی بوده باشد و کشور مذکور ۳ میلیون نفر جمعیت داشته باشد، تولید ناخالص داخلی این کشور در سال گذشته چه قدر بوده است؟

**پاسخ:** از آنجا که تولید ناخالص داخلی سرانه عبارت است از حاصل تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت کشور، پس برای پاسخ به این پرسش باید تعداد جمعیت را در رقم تولید ناخالص داخلی سرانه ضرب کنیم:  
تولید ناخالص داخلی سرانه × تعداد جمعیت = تولید ناخالص داخلی  
واحد پولی  $6,000,000,000,000 = 3,000,000 \times 2,000,000$  = تولید ناخالص داخلی

مسئله ترکیبی

توی مسئله بعد فراره هرچی تا این با فونریم رو به با ببینیم! آگه آمادهای که بریم سراغ مسئله، آگه فکر می‌کنی هنوز آماده نیستی، برو به نگاه ریگه به مطالب قبلی بنماز و برگرد! آهباریکلا!

**مسئله:** جدول زیر درباره تولیدات یک کشور عربی

مفروض است؛ به ترتیب مطلوب است:

(الف) GDP؟

(ب) تولید ناخالص ملی؟

(پ) تولید ناخالص داخلی سرانه؟

- (۱)  $37,000,000$  دینار -  $34,100,000$  دینار -  $5/5$  دینار  
(۲)  $37,000,000$  دینار -  $25,100,000$  دینار -  $10$  دینار  
(۳)  $26,000,000$  دینار -  $34,100,000$  دینار -  $5/5$  دینار  
(۴)  $26,000,000$  دینار -  $25,100,000$  دینار -  $10$  دینار

مواد غذایی	۳۰۰ تن از قرار هر تن $20,000$ دینار
پوشاک	۴۰۰ عدد از قرار هر عدد $10,000$ دینار
ماشین‌آلات	۱۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه $60,000$ دینار
تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج	$5,000,000$ دینار
تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور	$16,000,000$ دینار
هزینه استهلاک	$10\%$ ارزش ماشین‌آلات
ارزش خدمات ارائه شده	یک سوم ارزش مواد غذایی
جمعیت کل	۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر

**پاسخ:** گزینه «۲» ابتدا باید اعداد مجهول در جدول را معلوم سازیم:

دینار  $6,000,000 = 300 \times 20,000$  = ارزش مواد غذایی

دینار  $4,000,000 = 400 \times 10,000$  = ارزش پوشاک

دینار  $9,000,000 = 150 \times 60,000$  = ارزش ماشین‌آلات

دینار  $900,000 = 9,000,000 \times 10\%$  = هزینه استهلاک

$10\%$  یعنی یک دهم؛ پس برای محاسبه هزینه استهلاک به پای ضرب کردن ارزش ماشین‌آلات در  $10\%$  می‌شه این عدد رو بر ۱۰ تقسیم کرد:

دینار  $900,000 = 9,000,000 \div 10$  = هزینه استهلاک

دینار  $2,000,000 = \frac{6,000,000}{3}$  = ارزش خدمات

حالا ارزش مواد غذایی، پوشاک، ماشین‌آلات و خدمات را با هم جمع می‌کنیم:

$21,000,000 = 6,000,000 + 4,000,000 + 9,000,000 + 2,000,000$  = مجموع ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات

الف) حالا آنگه بتوانیم تولید ناخالص داخلی رو حساب کنیم باید به این رقم، ارزش تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور رو اضافه کنیم و آنگه بتوانیم تولید ناخالص ملی رو حساب کنیم، باید به این رقم، ارزش تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج رو اضافه کنیم؛ پس داریم:

$$\text{دینار } 37,000,000 = 16,000,000 + (\text{تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور}) + 21,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی (GDP)}$$

$$\text{دینار } 26,000,000 = 5,000,000 + (\text{تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج}) + 21,000,000 = \text{تولید ناخالص ملی (GNP)}$$

ب) سؤال از ما رقم «تولید خالص ملی» را خواسته است، بنابراین هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص ملی کسر می‌کنیم:

$$\text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص ملی} = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{دینار } 25,100,000 = 26,000,000 - 900,000 = \text{تولید خالص ملی}$$

پ) سؤال از ما رقم «تولید ناخالص داخلی سرانه» را خواسته است، بنابراین باید رقم تولید ناخالص داخلی را بر جمعیت کشور تقسیم کنیم:

$$\text{دینار } 10 = \frac{37,000,000}{3,700,000} = \text{تولید ناخالص داخلی سرانه}$$

$$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{تولید ناخالص داخلی سرانه}$$

نکته...

دقت کنیم که با جابه‌جا کردن متغیرهای فرمول اصلی، می‌توان فرمول‌های جدیدی ساخت:

$$\text{استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی (ملی)} = \text{تولید خالص داخلی (ملی)} \Rightarrow \text{فرمول اصلی}$$

$$\text{تولید خالص داخلی (ملی)} - \text{تولید ناخالص داخلی (ملی)} = \text{استهلاک}$$

$$\text{تولید خالص داخلی (ملی)} + \text{استهلاک} = \text{تولید ناخالص داخلی (ملی)}$$

## درآمد ملی

گفتیم که تولیدات خالص و ناخالص (اعم از ملی یا داخلی)، از جمله شاخص‌های مهم اقتصادی هستند و بدیهی است که هر تولیدی - اعم از ملی یا داخلی - درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد می‌کند، بنابراین می‌توان درآمد (ملی / داخلی) را نیز که دقیقاً معادل تولید است، از شاخص‌های کلان و مهم اقتصادی دانست. درآمد ملی، مجموع درآمدهایی است که در طول یک سال نصیب یک ملت می‌شود.

۱ درآمد حقوق‌بگیران یا دستمزدها

۲ درآمد صاحبان سرمایه که به آن قیمت خدمات سرمایه یا سود سرمایه می‌گویند.

۳ درآمد صاحبان املاک و مستغلات که به آن اجاره گفته می‌شود.

۴ درآمد صاحبان مشاغل آزاد

۵ سود شرکت‌ها و مؤسسه‌ها

این درآمدها عبارت‌اند از:

برای محاسبه درآمد، بر مبنای این‌که چه اطلاعاتی در اختیار ما قرار گرفته باشد، حسب مورد از یکی از فرمول‌های زیر استفاده می‌کنیم:

$$\text{درآمد ملی} = \text{سود} + \text{مزد}$$

$$\text{درآمد ملی} = \text{درآمد کالاها} + \text{درآمد خدمات}$$

$$\text{درآمد ملی} = \text{درآمد صناعت} + \text{درآمد کشاورزی}$$

$$\text{درآمد ملی} = \text{سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود} + \text{درآمد صاحبان املاک} + \text{درآمد صاحبان سرمایه} + \text{حقوق (دستمزد)}$$

$$\text{درآمد ملی} = \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} + \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

نکته...

درآمد ملی (و همین‌طور تولید ملی) اصولاً سالانه محاسبه می‌شوند؛ پس دقت کنیم اگر در صورت سؤال، هر یک از متغیرها به صورت ماهانه مطرح شده باشند باید عدد مورد نظر را در ۱۲ ضرب کنیم (یک سال = ۱۲ ماه).

**مسئله:** با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر در خصوص یک جامعه فرضی؛ مطلوب است:

الف) درآمد ملی؟	دستمزدها	دو برابر سود شرکت‌ها و مؤسسات
ب) درآمد سرانه؟	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۲۰۰ میلیارد واحد پولی
۱) الف) ۱۰۰۰ میلیارد - ب) ۲۰۰,۰۰۰	درآمد صاحبان سرمایه	مجموع دستمزدها و درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۲) الف) ۲۰۰۰ میلیارد - ب) ۲۰۰,۰۰۰	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	یک سوم درآمد صاحبان مشاغل آزاد
۳) الف) ۱۰۰۰ میلیارد - ب) ۱۰۰,۰۰۰	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۶۰۰ میلیارد واحد پولی
۴) الف) ۲۰۰۰ میلیارد - ب) ۱۰۰,۰۰۰	جمعیت کل	۲۰ میلیون نفر

### پاسخ: گزینه ۴»

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید عدد دقیق همه ستون‌های درآمدی جدول را به دست بیاوریم؛ یعنی:

میلیارد واحد پولی  $400 = 200 \times 2 =$  دستمزدها  $\rightarrow 2 \times$  سود شرکت‌ها و مؤسسات = دستمزدها

میلیارد واحد پولی  $200 = 600 \div 3 =$  درآمد صاحبان املاک و مستغلات  $\rightarrow$  یک سوم درآمد صاحبان مشاغل آزاد = درآمد صاحبان املاک و مستغلات

میلیارد واحد پولی  $600 = 400 + 200 =$  مجموع دستمزدها و درآمد صاحبان املاک و مستغلات = درآمد صاحبان سرمایه

برای محاسبه درآمد ملی باید همه ارقام درآمدی را با هم جمع بزنیم:

درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان املاک و مستغلات + درآمد صاحبان سرمایه + سود شرکت‌ها و مؤسسات + دستمزدها = درآمد ملی

میلیارد واحد پولی  $2000 = 400 + 200 + 600 + 200 + 600 =$  درآمد ملی

قبل از محاسبه درآمد سرانه، ابتدا باید همه صفرهای «میلیارد» را به واحد پولی برگردانیم و سپس محاسبه را انجام دهیم:

$$\text{واحد پولی } 100,000 = \frac{2,000,000,000,000}{20,000,000} = \text{درآمد سرانه}$$
$$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} = \text{درآمد سرانه}$$

## محاسبه تولید کل جامعه

با توجه به این که کجا و در چه موقعیتی تولیدات یک کشور را اندازه‌گیری کنیم، روش‌های مختلفی برای محاسبه تولید کل کشور وجود دارد؛ این روش‌ها عبارت‌اند از:

### ۱) روش هزینه‌ای

از اسمش پیداست درگاه؛ یعنی هر پولی رو که کل خانواده‌های جامعه برای تأمین کالاهای مصرفی فودشون هزینه کردن، با هم جمع می‌زنیم و به عدد حاصل می‌گیم «تولید کل»؛ پس:

مجموع ارزش پولی تولیدات نهایی که به خانوارها فروخته می‌شود = تولید کل به روش «هزینه‌ای»

همان‌گونه که از نام این روش پیداست، معیار محاسبه، هزینه‌ای است که برای خرید کالا و خدمات پرداخت می‌شود؛ یعنی در این روش، ارزش پولی

(قیمت) تولیدات نهایی که به خانوارها فروخته می‌شود را جمع می‌زنیم و تولید کل را محاسبه می‌کنیم؛ بنابراین در روش هزینه‌ای:

۱) فرقی ندارد به دست فروشنده نگاه کنیم یا به دست مصرف‌کننده، زیرا ارزش پولی (قیمت) کالا و خدمات مشخص است و آن چه مصرف‌کننده برای

خرید کالا و خدمات پرداخت می‌کند؛ دقیقاً معادل همان مبلغی است که فروشنده از فروش آن کالاها و خدمات به دست می‌آورد.

۲) نگران محاسبه تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم، زیرا همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، هزینه کالاهای واسطه‌ای در بطن قیمت نهایی کالا

یا خدمات منظور شده است؛ یعنی ارزش پولی تمام کالاهای واسطه‌ای را در محاسبه ارزش و قیمت کالاها و خدمات نهایی اندازه‌گیری کرده‌ایم.

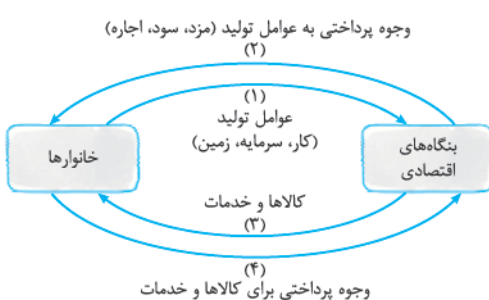
### ۲) روش درآمدی

گفتیم که انجام هر فعالیت تولیدی برای تولیدکنندگان آن با ایجاد درآمد همراه است. بنابراین چون هر تولیدی که در کشور صورت می‌گیرد، درآمدی در

پی دارد که بین عوامل تولید تقسیم شده است، با جمع‌زدن همه این درآمدها (مزدها / سودها / اجاره‌ها)، می‌توان درآمد همه بازیگران و فعالان اقتصادی

داخلی یا ملی، یعنی همان تولید کل را محاسبه نمود.

مجموع درآمدها (مزد، اجاره، سود) در میان تمام خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی فعال در جامعه = تولید کل به روش «درآمدی»



روش‌های «هزینه‌ای» و «درآمدی» رو می‌شه در قالب نمودار مقابل هم نشون داد، این نمودار توی

کتاب‌های درسی قدیمی اقتصاد بود و از کتاب درسی هیدرئف شده اما حالا تو به نگاهی بهش بندازی بد

نیست! مطالبش همونایی هست که فوندی و بلدی!

آگه یادت باشه گفتیم روش «هزینه‌ای» یعنی محاسبه پولی که خانوارها برای تهیه کالا و خدمات موردنیاز

فودشون پرداخت می‌کنن! خانوارها این پول‌ها رو به بنگاه‌های اقتصادی می‌دن و در ازاش، از اون‌کالا و

خدمات دریافت می‌کنن! پس مسیر شماره (۴) که جریان وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات رو از سوی

خانوارها به سمت بنگاه‌های اقتصادی نشون می‌ده، بیاتر روش هزینه‌ای است!

حالا تو بگو روش «درآمدی» رو کدوم مسیر نشون می‌ده! آباریکلا! مسیر شماره (۲)؛ چون آگه یادت باشه گفتیم در روش درآمدی، درآمدهای کسب‌شده از فعالیت‌های تولیدی رو با هم

جمع می‌زنیم و گفتیم که این درآمد هم به صورت‌های «مزد، اجاره و سود» به افراد یعنی همون خانوارها پرداخت می‌شه! دیدی چه قدر مطالب این نمودار ساده بود؟!

### ۳) روش ارزش افزوده (= روش تولید)

در این روش تمام ارزش افزوده‌هایی که در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد می‌شوند، با هم جمع شده و تولید کل محاسبه

می‌شود. (با مفهوم ارزش افزوده در درس‌های قبلی آشنا شده بودیم! یارته؟!)

مجموع ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه = تولید کل به روش «ارزش افزوده»

محاسبه تولید کل از هر کدام از روش‌های فوق، به جواب یکسانی خواهد رسید؛ بنابراین ← برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری کشور، تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

**مسئله:** با فرض این که: کشاورزان هر کیلو گندم خود را به قیمت ۱۰۰۰ تومان به کارخانه‌های تولید آرد می‌فروشند. کارخانه‌های تولید آرد، گندم را به آرد تبدیل کرده و با قیمت هر کیلو ۱۵۰۰ تومان به فروشگاه‌های بسته‌بندی کننده آرد می‌فروشند. فروشگاه‌ها نیز پس از بسته‌بندی آرد در کیسه‌های یک کیلوگرمی و با احتساب هزینه‌های این کار، هر بسته آرد را به قیمت ۲۰۰۰ تومان به فنادی‌ها می‌فروشند. فنادی‌ها نیز پس از تبدیل هر کیلو آرد به شیرینی، آن را به قیمت ۳۵۰۰ تومان به خانوارها می‌فروشند: (شیرینی رو ارزون حساب کردیم مشتری بشی!)

(الف) در چند مرحله به ارزش کالا افزوده شده است؟ (ب) ارزش افزوده در کدام مرحله بیشتر بوده است؟

(پ) مجموع ارزش افزوده دو مرحله آخر چه قدر بوده است؟ (ت) ارزش افزوده مرحله چهارم چند برابر مرحله دوم است؟

(۱) الف) سه مرحله - ب) مرحله سوم - پ) ۲۰۰۰ تومان - ۱/۵ برابر

(۳) الف) چهار مرحله - ب) مرحله چهارم - پ) ۲۰۰۰ تومان - ۳ برابر

**پاسخ:** گزینه «۳» الف) به تعداد دفعاتی که بر روی یک کالا قیمت‌گذاری می‌شود و به ارزش آن کالا افزوده می‌گردد، یک مرحله به حساب می‌آید؛ بنابراین در این مسئله چون با ۴ قیمت مواجه هستیم، ۴ مرحله ارزش افزوده مشاهده می‌شود. یادمون نره که قیمت کالای اولیه (در این مسئله ۱۰۰۰ تومان) هم فروشیه مرحله از ارزش افزوده به حساب میاد و توی شمارش مراحل باید اون رو هم منظور کنیم!

(ب) برای پاسخ به این قسمت از سؤال، باید ارزش افزوده همه مراحل را جداگانه حساب کنیم و بعد ببینیم ارزش افزوده کدام مرحله از بقیه بیشتر بوده است:

قیمت کالای اولیه = ارزش افزوده مرحله اول

تومان ۱,۰۰۰ = ارزش افزوده مرحله اول

قیمت کالا در مرحله اول - قیمت کالا در مرحله دوم = ارزش افزوده مرحله دوم

تومان ۵۰۰ = ۱,۵۰۰ - ۱,۰۰۰ = ارزش افزوده مرحله دوم

قیمت کالا در مرحله دوم - قیمت کالا در مرحله سوم = ارزش افزوده مرحله سوم

تومان ۵۰۰ = ۲,۰۰۰ - ۱,۵۰۰ = ارزش افزوده مرحله سوم

قیمت کالا در مرحله سوم - قیمت کالا در مرحله چهارم = ارزش افزوده مرحله چهارم

تومان ۱,۵۰۰ = ۳,۵۰۰ - ۲,۰۰۰ = ارزش افزوده مرحله چهارم

پس ارزش افزوده مرحله آخر (مرحله چهارم) از سایر مراحل بیشتر بوده است.

(پ) برای محاسبه پاسخ این قسمت از سؤال باید ارزش افزوده مراحل سوم و چهارم را با هم جمع کنیم:

تومان ۲,۰۰۰ = ۵۰۰ + ۱,۵۰۰

(ت) برای محاسبه این قسمت باید ارزش افزوده مرحله چهارم را بر ارزش افزوده مرحله دوم تقسیم کنیم:

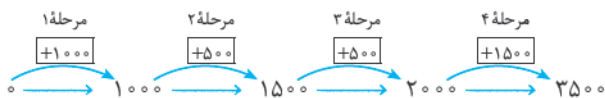
$$\frac{۱۵۰۰}{۵۰۰} = ۳$$

ارزش افزوده مرحله ۴، سه برابر ارزش افزوده مرحله ۲ است.

### نکات و پیشنهادهایی برای حل سریع‌تر و راحت‌تر مسائل ارزش افزوده:

۱) قبل از مرحله اول یک صفر اضافه کنیم که حواسمون باشد اولین باری که روی کالا قیمت‌گذاری می‌شود نیز یک مرحله به حساب می‌آید.

۲) اگر قیمت‌های کالا را در هر مرحله، به صورت افقی بنویسیم احتمال اشتباه محاسباتی بسیار کم‌تر خواهد شد و محاسبات سریع‌تر انجام می‌شود.



۳) می‌دانیم که مجموع ارزش افزوده‌های مراحل مختلف تولید کالا با قیمت نهایی کالا برابر است.

$$۱۰۰۰ + ۵۰۰ + ۵۰۰ + ۱۵۰۰ = ۳۵۰۰$$

↓ ↓ ↓ ↓ ↓  
 قیمت نهایی مرحله ۴ مرحله ۳ مرحله ۲ مرحله ۱  
 ارزش افزوده ارزش افزوده ارزش افزوده ارزش افزوده

پس می‌بینیم که نیازی به خواندن کامل صورت سؤال طولانی و وقت‌گیر نداریم؛ کافیه اعداد را پشت سر هم افقی بنویسیم و با رعایت ۴ نکته بالا سریع‌تر به سؤالات ارزش افزوده جواب بدیم.

**GDP سبز:** با توجه به این که رشد تولید از طریق افزایش تولیدات صنعتی موجب تخریب محیط زیست می‌شود، اقتصاددانان با کسر تخریب‌های زیست‌محیطی از کل تولیدات، GDP سبز را محاسبه می‌کنند.

(یه چیزی توی همون ماه‌های تولید فالسه که با کسر هزینه‌های استهلاک به دست می‌اومد! یعنی GDP سبز هم با کسر هزینه‌های تخریب محیط زیست از تولید کل مناسبه می‌شه!)

## شاخص‌های نسبی

کتاب درسی مثال فوبی زده که ما هم از همون استفاده می‌کنیم!

اگر صرفاً به عدد مطلق وزندای که هر کدام بلند می‌کنند، توجه شود، همیشه فیل برنده است! در یک مسابقه وزنه‌برداری بین فیل و مورچه: اما اگر رکورد هر کدام را با توجه به وزن آن مقایسه کنیم (تقسیم وزنه بر وزن آن‌ها)، چه بسا که مورچه برنده شود!

با استفاده از تمثیل قبل می‌توان گفت: گاهی شاخص‌های مطلق اقتصادی، تصویر خوب و درستی از واقعیت نشان نمی‌دهند و برای رفع نقص آن‌ها باید از شاخص‌های نسبی استفاده کرد. دو نمونه از شاخص‌های نسبی را به شرح زیر می‌توان معرفی کرد:

### الف) تقسیم متغیرهای مورد مقایسه بر تولید ملی

چون تولید ملی، حجم و بزرگی اقتصاد را نشان می‌دهد، معمولاً برای مقایسه میان عملکرد دو کشور (مثلاً میزان صادرات آن‌ها)، متغیرهای موردنظر را بر تولید ملی تقسیم می‌کنند تا شاخص نسبی به دست آید؛ یعنی:

$$\text{شاخص نسبی} = \frac{\text{شاخص موردنظر}}{\text{حجم کل اقتصاد (تولید ملی)}}$$

صادرات نسبی: صادرات نسبی یک شاخص نسبی محسوب می‌شود که از تقسیم میزان صادرات به تولید ملی به دست می‌آید.

$$\text{میزان صادرات کشور} = \frac{\text{تولید ملی}}{\text{صادرات نسبی}}$$

مثال: اگر میزان صادرات کشور مالزی ۵۰ میلیارد دلار و صادرات کشور جیبوتی ۵ میلیارد دلار باشد، به طور قطع نمی‌توان گفت که صادرات مالزی ۱۰ برابر صادرات جیبوتی است! <sup>زیرا</sup> با تقسیم اندازه صادرات بر حجم کل اقتصاد (تولید ملی) هر یک از این دو کشور، چه بسا به صورت نسبی، صادرات جیبوتی بیشتر باشد. در مثال بالا اگر فرض کنیم تولید ملی مالزی برابر با ۵۰۰ میلیارد دلار و تولید ملی جیبوتی برابر با ۱۰ میلیارد دلار باشد، «شاخص نسبی» دو کشور به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{شاخص نسبی جیبوتی} = \frac{5}{100} = 0.05 \quad \text{شاخص نسبی مالزی} = \frac{50}{1000} = 0.05$$

ملاحظه می‌شود که از حیث وضعیت «شاخص نسبی»، جیبوتی در وضعیت بهتری نسبت به مالزی قرار دارد، چون عددش بزرگ‌تره درگه!

### ب) شاخص‌های سرانه

گاهی عامل مورد توجه در حجم اقتصاد، جمعیت است؛ یعنی برای مقایسه بهتر و دقیق‌تر بین دو کشور (یا یک کشور در طول زمان)، درآمد یا تولید ملی را بر جمعیت کشور تقسیم می‌کنند و شاخص نسبی با نام «درآمد سرانه» می‌سازند؛ یعنی:

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد (یا تولید) کل}}{\text{جمعیت کشور}}$$

قبلاً گفته بودیم، این‌ها با ۳ یادآوری می‌کنیم که شاخص «سرانه»، از تقسیم شاخص‌های ریگه اقتصادی بر جمعیت کل کشور به دست می‌آید!

نکته...

با توجه به تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف، محاسبه شاخص‌ها به صورت «سرانه» می‌تواند معیار بهتری برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد در جوامع مختلف باشد؛ <sup>زیرا</sup> شاخص سرانه بیانگر سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

نتیجه...

دقت کنیم که هر کدام از متغیرها در فرمول‌های بالا می‌توانند در صورت سؤال، به عنوان متغیری مجهول مورد سؤال قرار بگیرند و با جابه‌جا کردن اجزای فرمول اصلی و ساختن فرمول‌های جدید می‌توان پاسخ آن‌ها را به دست آورد:

$$\text{میزان صادرات کشور} = \text{صادرات نسبی} \times \text{فرمول اصلی تولید ملی}$$

ممکن است در داده‌های مسئله، «صادرات نسبی» و «تولید ملی» ذکر شده باشد و «میزان صادرات کل کشور» مجهول باشد، در این صورت با جابه‌جایی (طرفین وسطین) این فرمول را خواهیم داشت:

$$\text{تولید ملی} \times \text{صادرات نسبی} = \text{میزان صادرات کشور}$$

حالت دیگر این است که داده‌های معلوم مسئله «صادرات نسبی» و «میزان صادرات کشور» باشد و «تولید ملی» مورد سؤال قرار گرفته باشد، در این صورت:

$$\text{میزان صادرات کشور} = \text{صادرات نسبی} \times \text{تولید ملی}$$

$$\text{درآمد کل (ملی)} = \text{درآمد سرانه} \times \text{فرمول اصلی جمعیت کشور}$$

در مورد فرمول «درآمد سرانه» نیز مراحل بالا صدق می‌کند:

$$\text{جمعیت} \times \text{درآمد سرانه} = \text{درآمد کل}$$

$$\text{درآمد ملی} = \text{جمعیت} \times \text{درآمد سرانه}$$

## محاسبه تولید کل به قیمت جاری و قیمت ثابت

گفتیم که تولید کل جامعه (اعم از داخلی و ملی و اعم از خالص یا ناخالص) عبارت است از مجموع کالاهای تولیدشده و خدمات ارائهشده در یک سال؛ اما بدیهی است که نمی‌توان بیست تن سیب را با هزار جلد کتاب و تعمیرات ده یخچال و نظایر آن‌ها جمع کرد، ولی می‌توان ارزش پولی هر کدام را محاسبه و سپس ارزش‌های پولی آن‌ها را با هم جمع کنیم.

**مثال:** قیمت بیست تن سیب = ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال / قیمت هزار جلد کتاب = ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال / قیمت تعمیر ده یخچال = ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال  
بنابراین تولید کل براساس ارزش پولی کالاها و خدمات برابر می‌شود با:

$$\text{ریال } ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۳,۵۰۰,۰۰۰ + ۱,۷۰۰,۰۰۰ = \text{تولید کل}$$

**مسئله:** اگر ارزش پولی تولید کل جامعه‌ای در سه سال متوالی به ترتیب ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ و ۱۲۵۰ میلیارد ریال باشد، آیا می‌توان گفت تولید کل این جامعه هر سال نسبت به سال قبل رشد داشته است؟

**پاسخ:** خیر؛ به مثال زیر توجه کنید:

اگر پایه قیمت را ۵۰۰ ریال و پایه تعداد کالا را ۱۰۰۰ عدد فرض کنیم:

قیمت هر کالا به ریال  $\times$  تعداد کالاهای تولیدشده = تولید کل هر سال (به روش درآمدی)

$$\text{ریال } ۵۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times \text{تولید کل}$$

افزایش رقم تولید کل در یک سال نسبت به سال گذشته می‌تواند ناشی از یکی از عوامل زیر باشد:

**الف** افزایش تعداد کالاهای تولیدشده؛ مثلاً به جای ۱۰۰۰ واحد، ۱۵۰۰ واحد کالا تولید شده باشد:  $\text{ریال } ۷۵۰,۰۰۰ = ۱۵۰۰ \times ۵۰۰ = \text{تولید کل}$

**ب** افزایش قیمت هر واحد کالا؛ مثلاً قیمت هر واحد کالا، به جای ۵۰۰ ریال، ۷۰۰ ریال بوده باشد:  $\text{ریال } ۷۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۷۰۰ = \text{تولید کل}$

**پ** افزایش قیمت هر واحد کالا در کنار افزایش تعداد کالاهای تولیدشده؛ مثلاً در سال دوم هم تعداد بیشتری کالا تولید شده باشد و هم قیمت کالا گران‌تر شده باشد:  $\text{ریال } ۹۰۰,۰۰۰ = ۱۲۰۰ \times ۷۵۰ = \text{تولید کل}$

پس افزایش رقم تولید کل همیشه به معنای افزایش تولید ( = تولید شدن کالاهای بیشتر) نیست؛ گاهی ناشی از افزایش تولید (یعنی تعداد بیشتری کالا تولید کردیم)؛ گاهی ناشی از افزایش قیمت (یعنی کالای بیشتری تولید نکردیم بلکه همون اندازه کالا رو گرون‌تر فروختیم) و گاهی هم ناشی از افزایش توانان تولید و قیمت (یعنی هم تعداد بیشتری کالا تولید کردیم و هم اونا رو گرون‌تر فروختیم)؛ بالا موضوع برات روشن شد؟!

**نکته...**

اگر جامعه دچار تورم باشد، مقدار تولید کل محاسبه‌شده در هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد که البته این رقم بزرگ لزوماً نشان‌دهنده افزایش تولید نیست. (بلکه ناشی از تورم و افزایش سطح قیمت‌ها است.)

به جدول زیر توجه کنید:

کالا	مقدار تولید در سال ۱۳۹۴	قیمت در سال ۱۳۹۴	مقدار تولید در سال ۱۳۹۵	قیمت در سال ۱۳۹۵	مقدار تولید در سال ۱۳۹۶	قیمت در سال ۱۳۹۶
سیب	۳۰۰۰ کیلو	۱۰	۳۰۰۰	۱۵	۳۲۰۰	۱۲
لوح فشرده	۲۰۰۰ عدد	۲۰	۱۵۰۰	۲۲	۲۵۰۰	۱۵

فرض کنید ایران فقط دو کالا (سیب و لوح فشرده) تولید می‌کند. برای محاسبه تولید کل (داخلی یا ملی) در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، باید مقدار تولید هر سال را در قیمت کالا در همان سال، ضرب و مجموع ارزش پولی آن را محاسبه کنیم:

$$\text{واحد پولی } ۷۰,۰۰۰ = (۲۰ \times ۲۰۰۰) + (۱۰ \times ۳۰۰۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۴$$

$$\text{واحد پولی } ۷۸,۰۰۰ = (۲۲ \times ۱۵۰۰) + (۱۵ \times ۳۰۰۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۵$$

به ظاهر تولید کل در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴، ۸۰۰۰ واحد پولی افزایش یافته است (۷۸,۰۰۰ - ۷۰,۰۰۰ = ۸,۰۰۰)؛ اما نگاهی به ارقام نشان می‌دهد تولید سیب نسبت به سال قبل ثابت مانده و تولید لوح فشرده کم‌تر شده است. در نتیجه انتظار می‌رفت که بگوییم تولید کل در مجموع کاهش یافته است؛ اما محاسبه این گونه نشان نداد؛ علت چیست؟

چون در محاسبه تولید ملی، ارزش پولی کالاها و خدمات را با هم جمع می‌زنیم، به دلیل افزایش قیمتی که در هر دو محصول پدید آمده بود، خروجی محاسبه، افزایش تولید کل را نشان داد، در حالی که اقتصاد طی یک سال گذشته در حقیقت تولید کم‌تری داشته است.

مشاهده کردیم که افزایش رقم تولید کل، همیشه نشان‌دهنده افزایش مقدار تولید نیست، **بنابراین** رقم تولید یک سال را نمی‌توان به صورت مستقیم با سال‌های قبل یا بعد از آن مقایسه کرد؛ **زیرا** مشخص نیست که افزایش یا کاهش تولید کل ناشی از تغییر در کدام عامل بوده است. مقدار یا قیمت یا هر دو؟

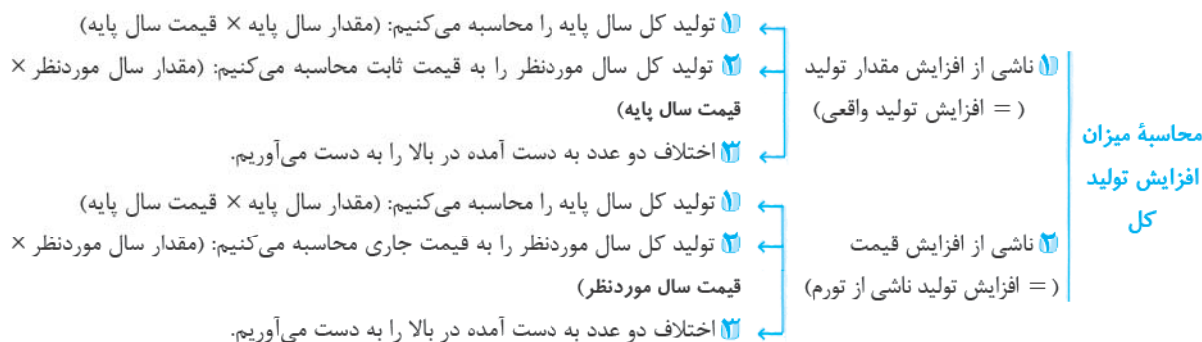
### راه حل چیست و چگونه می توان تولید کل سال های مختلف را به طریقی صحیح با هم مقایسه نمود؟

باید قیمت کالاها و خدمات یک سال را به عنوان پایه قرار دهیم و تولید کل سال های دیگر را براساس قیمت کالاها و خدمات در سال پایه محاسبه کنیم؛ زیرا در این صورت اثر تغییرات قیمت در محاسبه تولید کل خنثی می شود و تغییرات در رقم تولید کل فقط حکایت از تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد داشت. در این مثال، اگر سال ۱۳۹۴ را سال پایه در نظر بگیریم، تولیدات سال ۱۳۹۵ را می باید براساس قیمت های سال ۱۳۹۴ ارزش گذاری کنیم. در این صورت تولید کل معادل می شود با:

$$\text{واحد پولی } ۶۰,۰۰۰ = (۲۰ \times ۱۵۰۰) + (۱۰ \times ۳۰۰۰)$$

بر این اساس، تولید کل در سال دوم به قیمت جاری برابر با ۷۸,۰۰۰ ریال و به قیمت ثابت (با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه)، برابر با ۶۰,۰۰۰ ریال است که به درستی کاهش تولید کل کشور را نشان می دهد.

از مباحث پیش گفته می توان به صورت زیر نتیجه گیری نمود:



نکته...

با توجه به تقسیم بندی بالا، تفاوت محاسبات فقط در استفاده از «قیمت سال پایه» و «قیمت سال موردنظر» است.

هالا قبل از این که بریم مسئله حل کنیم، پندتا فرمول رو با هم مرور کنیم:

قیمت همان سال × مقدار تولید هر سال = درآمد جاری

قیمت سال پایه × مقدار تولید هر سال = درآمد ثابت

درآمد سال پایه - درآمد ثابت سال موردنظر = رشد درآمد حاصل از افزایش تولید

درآمد ثابت سال موردنظر - درآمد جاری سال موردنظر = رشد درآمد حاصل از افزایش قیمت ها (تورم)

درآمد سال پایه - درآمد جاری سال موردنظر = رشد درآمد

$۱۰۰ \times \frac{\text{تولید کل به قیمت ثابت در سال پایه} - \text{تولید کل به قیمت ثابت در سال جاری}}{\text{تولید کل به قیمت ثابت در سال پایه}} = \text{درصد رشد تولید کل به قیمت ثابت در هر سال}$

هالا به مسئله حل می کنیم ببینیم مطلب رو گرفتیم یا نه؟!

**مسئله:** تولید کل کشوری در سه سال متوالی، به ترتیب سال اول ۱,۵۰۰، سال دوم ۱,۷۰۰ و سال سوم ۱,۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان «سال پایه» تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت های «سال پایه» به ترتیب به ۱۶۵۰، ۱۷۱۰ و ۱۶۵۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از (راست به چپ):

الف) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم کدام است؟

- ۱) الف) ۵۰، ۱۶۵ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰
- ۲) الف) ۱۶۵، ۵۰ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰
- ۳) الف) ۵۰، ۱۶۵ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰
- ۴) الف) ۱۶۵، ۵۰ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰

**پاسخ:** گزینه «۱» تورم یعنی افزایش قیمت؛ پس برای به دست آوردن عدد تورم (قسمت الف در پرسش فوق) باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

تولید در سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری = تورم در سال دوم (افزایش قیمت ها در سال دوم)

هزار میلیارد ریال  $۱۷۰۰ - ۱۶۵۰ = ۵۰$

تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری = تورم در سال سوم (افزایش قیمت ها در سال سوم)

هزار میلیارد ریال  $۱۸۷۵ - ۱۷۱۰ = ۱۶۵$

تولید در سال پایه - تولید در سال دوم به قیمت پایه = افزایش مقدار تولید در سال دوم

هزار میلیارد ریال  $۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ = ۱۵۰$

تولید در سال پایه - تولید در سال سوم به قیمت پایه = افزایش مقدار تولید در سال سوم

هزار میلیارد ریال  $۱۷۱۰ - ۱۵۰۰ = ۲۱۰$

افزایش قیمت ها در سال دوم و سوم همان اعداد مربوط به پدیده تورم در این سال هاست که در قسمت اول محاسبه شدند.



پیشنهاد یک شیوه ساده برای حل مسائل محاسبه تولید کل به قیمت جاری و ثابت:

۱) اعداد مربوط به ارزش تولیدات کل به قیمت جاری و به قیمت ثابت در سه سال مختلف را در دو ردیف جداگانه، زیر هم می‌نویسیم:

سال سوم	سال دوم	سال اول
۱۸۷۵	۱۷۰۰	۱۵۰۰
۱۷۱۰	۱۶۵۰	۱۵۰۰

۲) برای محاسبه افزایش ناشی از تولید در هر سال، اعداد ردیف دوم را از عدد سال پایه افقی تفریق می‌کنیم.

سال سوم	سال دوم	سال اول
۱۸۷۵	۱۷۰۰	۱۵۰۰
۱۷۱۰	۱۶۵۰	۱۵۰۰

$۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ = ۱۵۰$   
 $۱۷۱۰ - ۱۵۰۰ = ۲۱۰$

۳) برای محاسبه افزایش ناشی از قیمت (= پدیده تورم) در هر سال، اعداد ردیف دوم را عمودی از اعداد ردیف اول تفریق می‌کنیم.

سال سوم	سال دوم	سال اول
۱۸۷۵	۱۷۰۰	۱۵۰۰
۱۷۱۰	۱۶۵۰	۱۵۰۰

$۱۷۰۰ - ۱۶۵۰ = ۵۰$   
 $۱۸۷۵ - ۱۷۱۰ = ۱۶۵$

نکته...

دقت کنیم مقدار عددی تولیدات کل در سال اول، هم به قیمت جاری و هم به قیمت ثابت یکسان هستند (عدد ۱۵۰۰ در مثال بالا).

## متغیرهای اسمی و متغیرهای واقعی

البته باید توجه داشت که این دقت و ظرافت فقط در محاسبه تولید جامعه مورد توجه اقتصاددانان نیست، بلکه آن‌ها در محاسبه سایر شاخص‌های اقتصادی نیز (مانند میزان مصرف، صادرات، واردات و ...) به جای متغیرهای یا قیمت‌های جاری (= متغیرهای اسمی)، از متغیرهای یا قیمت ثابت (= متغیرهای حقیقی یا واقعی) استفاده می‌کنند.

اقتصاددانان به همه سیاست‌گذاران، اهالی رسانه و مردم توصیه می‌کنند که در تحلیل‌های خود (به ویژه وقتی پای مقایسه در میان است)، متغیرهای اقتصادی را به قیمت‌های ثابت محاسبه کنند، زیرا استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای حقیقی، بسیار غلط‌انداز است.

**مثال:** اگر در رسانه‌ای اعلام شود که صادرات کشور ۲۰٪ افزایش داشته است، این اعلام چندان معنادار نیست، چرا که معلوم نیست افزایش در وزن و حجم بوده است و یا افزایش به قیمت‌های جاری یا به قیمت‌های ثابت سال پایه. چه بسا اگر مثلاً تورم جهانی ۳۰ درصد بوده و صادرات اسمی ۲۰ درصد افزایش یافته باشد، در حقیقت صادرات واقعی ۱۰ درصد هم کاهش یافته است. ( $۲۰\% - ۳۰\% = ۱۰\%$ )

هم‌چنین است حقوق و دستمزها و میزان سود بانکی یا سودهای سهام در بازار سرمایه که باید آن‌ها را به قیمت‌های ثابت (تورم در رفته = واقعی) مورد توجه قرار داد.

**مثال:** اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۰٪ افزایش یابد و در همان زمان تورم ۱۰٪ باشد، در واقع قدرت خرید واقعی آنان تغییری نکرده است و یا اگر در همان حالت بانک‌ها به سپرده‌های مردم ۱۲٪ سود اسمی بپردازند، در واقع بعد از کسر تورم فقط ۲٪ سود واقعی داشته‌ایم. ( $۱۲\% - ۱۰\% = ۲\%$ ) پس اگر از هر یک از متغیرهای اسمی اقتصادی، نرخ تورم را کسر کنیم به متغیر واقعی می‌رسیم. این متغیر واقعی می‌تواند تولید کل، سود بانکی، سود سهام، درآمد، حقوق، صادرات، واردات و یا ... باشد.

نرخ تورم - تولید اسمی = تولید واقعی

نرخ تورم - صادرات اسمی = صادرات واقعی

نرخ تورم - درآمد اسمی = درآمد واقعی

و  
⋮

## بخش اول

### پرسش‌های چهارگزینه‌ای فصل چهارم

۱۹۵- کدام گزینه کامل‌ترین و بهترین تعریف از «حسابداری ملی» را ارائه می‌کند؟

- (۱) شاخه‌ای از علم اقتصاد که به اندازه‌گیری پارامترهای مهم اقتصادی در سطح جهانی و سطح داخلی می‌پردازد.
- (۲) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.
- (۳) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون، تولید خالص داخلی و تولید ناخالص ملی را اندازه‌گیری می‌کند.
- (۴) شاخه‌ای از علم اقتصاد که میزان صادرات و واردات و حجم نقدینگی، سطح عمومی قیمت‌ها و میزان مصرف و پس‌انداز خانوارها را محاسبه می‌کند.

۱۹۶- کدام مورد زیر کمک می‌کند تا تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ببینیم؟

- (۱) سطح رفاه ظاهری جامعه و میزان درآمد سرانه مردم
- (۲) بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی
- (۳) محاسبه تولید خالص ملی و تولید ناخالص داخلی
- (۴) محاسبه درآمد ملی و سطح فعالیت‌های تولیدی

۱۹۷- آمارهای اقتصادی در چند سطح ارائه می‌شوند؟

- (۱) در سه سطح: تولید خالص ملی - تولید خالص داخلی - درآمد ملی
- (۲) در سطوح چهارگانه: دولت - مصرف‌کنندگان - تولیدکنندگان - سازمان‌های ملی و بین‌المللی
- (۳) در چهار سطح: خرد - شهری - منطقه‌ای - کلان
- (۴) سطوح سه‌گانه: خانوار - شهری - ملی و بین‌المللی

۱۹۸- اقتصاددانان در چه مواردی نیازمند استفاده از آمارها و شاخص‌های اقتصادی هستند؟

- ۱) محاسبه تولید خالص و ناخالص ملی و داخلی و درآمد ملی برای تقسیم عادلانه یارانه‌ها
- ۲) بررسی وضعیت موجود و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی
- ۳) مطالعه روند صعودی یا نزولی سیاست‌های اقتصادی یک کشور و نوع دریافت مالیات و پرداخت یارانه
- ۴) بررسی وضعیت کنونی کشور و اعمال سیاست‌های انقباضی و انبساطی در صورت لزوم

۱۹۹- «این‌که جامعه‌ای در طول یک سال چه تعداد کالا و خدمت تولید می‌کند، اهمیت زیادی دارد»، عبارت کدام گزینه مصداق این اهمیت نمی‌باشد؟

- ۱) قدرت و توان اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد.
- ۲) نشان‌دهنده سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه می‌باشد.
- ۳) میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و امکان پیشرفت آتی جامعه را نشان می‌دهد.
- ۴) قانونی و مجاز بودن فعالیت‌های تولیدی و در نهایت، میزان واقعی GDP و GNP را مشخص می‌کند.

۲۰۰- «در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) در محاسبه و سنجش منظور می‌شود که شرایط خاصی داشته باشد»، کدام گزینه بیان‌کننده این شرایط نمی‌باشد؟

- ۱) از بازار عبور کند.
- ۲) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شود.
- ۳) قانونی و مجاز باشد.
- ۴) در محدوده زمانی و مکانی معینی انجام شده باشند.

۲۰۱- کدام یک از فعالیت‌های زیر در حسابداری ملی مورد محاسبه و سنجش قرار نمی‌گیرد؟

- الف) فعالیت تولیدی زنان در مزرعه‌ها
  - ب) تعمیر جاروبرقی منزل توسط تعمیرکار
  - پ) فعالیت زنان خانه‌دار در خانه
  - ت) فروش سی‌دی‌های غیرمجاز در چهارراه‌ها توسط دست‌فروشان
- ۱) پ، ب و ت      ۲) الف، ت و ث      ۳) پ، ت و ث      ۴) الف، ب و ت

۲۰۲- خانم جمالیان تمام زمان خود را به ارائه خدمات در منزل به همسر و فرزندان خود اختصاص می‌دهد و حتی در منزل به تولید و بافت فرش ابریشم برای استفاده در منزل مشغول است؛ آیا ارزش ریالی کالاها و خدمات تولیدی او در حسابداری ملی محاسبه می‌شود؟ چرا؟

- ۱) بله، زیرا شوهر ایشان به او نفقه می‌پردازد.
- ۲) بله، زیرا فعالیت‌های او قانونی و مجاز است.
- ۳) خیر، زیرا فعالیت‌های وی از بازار عبور نمی‌کند.
- ۴) خیر، زیرا کالا و خدمات نهایی تولید می‌کند.

۲۰۳- هر یک از موارد زیر به ترتیب فاقد کدام ویژگی برای محاسبه شدن در تولید کل جامعه است؟

- الف) چرمی که توسط یک کارگاه تولید کیف و کفش برای تولید محصولات چرمی خریداری می‌شود.
- ب) فردی برای مهمانی که در منزل خود برگزار می‌کند به پخت ۴۰۰ سیخ کباب اقدام می‌کند.
- پ) تلویزیون و یخچال‌هایی که توسط کولبران وارد کشور می‌شود.
- ت) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) از بازار عبور کردن - پ) قانونی و مجاز بودن
- الف) از بازار عبور کردن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) از بازار عبور کردن
- الف) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) قانونی و مجاز بودن
- الف) از بازار عبور کردن - ب) قانونی و مجاز بودن - پ) از بازار عبور کردن

۲۰۴- کدام یک از فعالیت‌های زیر در حسابداری ملی، محاسبه و در تولید کل کشور، منظور می‌گردد؟

- ۱) آقای کربلایی جعفر بسیار فنی هستند و لوازم برقی منزل اقوام را مجانی تعمیر می‌کنند.
- ۲) خانم نیک‌رویان فوق‌لیسانس زبان انگلیسی دارند و به فرزندان خود زبان درس می‌دهند.
- ۳) آقای میرزاجانی به تولید شماره‌گیر تلفن در بخشی از کارخانه تلفن‌سازی مشغول است و شماره‌گیرهایی به ارزش ۱۰۰۰ تومان تولید می‌کند.
- ۴) در روستایی در شمال کشور، زنان در شالیزارهای برنج برای تولید برنج ایرانی و اصیل برای هم‌نوعان خود فعالیت می‌کنند.

۲۰۵- چند مورد از موارد زیر، هم‌زمان در حسابداری ملی و تولید ناخالص داخلی ایران محاسبه می‌شوند؟

- «فروش رادیوی ماشین سرفتی به مال‌خر، تولید یک دوچرخه توسط دو فرد چینی در ایران، تعمیر کولر همسایه در ازای دریافت پول، فروش لاسپ تصویر به کارخانه تولید تلویزیون و تولید پوشاک توسط یک ایرانی در هند»
- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۲۰۶- چرا ارزش کالاها یا خدمات واسطه‌ای در تولید کل جامعه محاسبه نمی‌شود؟

- ۱) عمدتاً قانونی و مجاز نیستند.
- ۲) نهایتاً در بطن کالاهای نهایی محاسبه می‌شوند.
- ۳) مبلغ آن‌ها آن‌چنان زیاد نیست که ارزش محاسبه را داشته باشند.
- ۴) کالاها یا خدمات واسطه‌ای در محدوده مکانی معینی تولید نمی‌شوند تا قابل محاسبه باشند.

۲۰۷- عده‌ای از کشاورزان در یکی از استان‌های شمالی ایران، ۲۰۰ کیلو برنج تولید کرده‌اند که از این مقدار، ۵۰ کیلو توسط خانوارهایشان به مصرف رسیده است و ۵۰ کیلو دیگر در بازار توسط خود کشاورزان مستقیماً به مردم برای مصارف خانگی فروخته شده است و ۱۰۰ کیلو دیگر توسط تولیدکنندگان شیرینی خریداری شده و برای تهیه ۱۰۰ کیلو شیرینی برنجی مورد استفاده قرار گرفت. اگر قیمت برنج کیلویی ۲۵۰۰ تومان و قیمت شیرینی برنجی کیلویی ۴۰۰۰ تومان باشد؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(الف) با توجه به فعالیت‌های ذکرشده چه میزان به عنوان تولید کل جامعه، در نظر گرفته می‌شود؟

(ب) ارزش کلای واسطه‌ای تولیدشده در این جامعه چه قدر است؟

(۱) الف) ۶۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۲۵۰,۰۰۰ تومان

(۲) الف) ۵۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۲۵۰,۰۰۰ تومان

(۳) الف) ۶۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۱۲۵,۰۰۰ تومان

(۴) الف) ۵۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۱۲۵,۰۰۰ تومان

۲۰۸- شکل روبه‌رو به چه مسئله‌ای اشاره دارد؟



(۱) تولید، گونه‌های مختلفی دارد و در حسابداری ملی، همه این گونه‌ها با یک ترازو و معیار، یعنی پول سنجیده می‌شود.

(۲) تولیدات داخلی (داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور) به واحد پولی همان کشور و تولیدات خارجی به دلار آمریکا محاسبه می‌شود.

(۳) در حسابداری ملی، فقط تولیداتی محاسبه می‌شوند که از بازار عبور کنند؛ این فعالیت‌ها چه در محاسبه داخلی، چه ملی لحاظ می‌گردد.

(۴) ارزش کالاهای واسطه‌ای را یک بار در بطن کالاهای نهایی و یک بار به طور مستقل محاسبه می‌کنیم که نشانگر اهمیت آن‌هاست.

۲۰۹- هر یک از موارد زیر، تعریف کدام نوع از تولید است؟

(الف) ارزش کلیه تولیدات سالانه یک کشور با در نظر گرفتن تولید خارجیان مقیم آن کشور منهای هزینه استهلاک

(ب) جمع تولیدات کل سالانه یک کشور را به اضافه تولیدات کل آن ملت در هر کجای دنیا منهای کلیه تجهیزات و هر آن چه مستهلک شده

(۱) الف) تولید ناخالص ملی - ب) تولید ناخالص داخلی

(۲) الف) تولید ناخالص داخلی - ب) تولید ناخالص ملی

(۳) الف) تولید خالص ملی - ب) تولید ناخالص داخلی

(۴) الف) تولید خالص داخلی - ب) تولید ناخالص ملی

۲۱۰- خالص یا ناخالص بودن تولید ملی و داخلی، ناشی از چیست؟

(۱) کسر هزینه‌های جایگزینی سرمایه‌های فرسوده شده

(۲) تقسیم تولیدات ملی یا داخلی به جمعیت مقیم یا اتباع خارج از کشور

(۳) محاسبه کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی یا محاسبه مستقل آن‌ها

(۴) کسر هزینه فعالیت‌های اقتصادی اشخاص بدون دریافت پول

۲۱۱- نقاط اشتراک GDP و GNP در کدام گزینه آمده است؟

(۱) هر دو بیانگر بالابودن نیروی کار و سرمایه‌های داخلی در برخی کشورها و ازدیاد منابع طبیعی و معادن در برخی دیگر از کشورها است.

(۲) میزان زیاد آن‌ها بیانگر قدرت تولیدی و اقتصادی بیشتر و بهره‌وری بالاتر و استفاده بهینه از همه عوامل تولید است.

(۳) ازدیاد آن‌ها بیانگر اشتغال کامل و حل مشکل بیکاری در کشورهای در حال توسعه و حرکت به سمت رشد اقتصادی است.

(۴) حضور چشمگیر تولیدکنندگان چندملیتی موجب اختلاف در سطح تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی می‌شود.

۲۱۲- در برخی موارد از این دو شاخص به عنوان درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود. منظور از این دو شاخص در کدام گزینه آمده؟

(۱) تولید خالص ملی و تولیدات خالص داخلی

(۲) تولید خالص داخلی و درآمد سرانه

(۳) تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی

(۴) تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه

۲۱۳- چه رابطه‌ای بین تولید ناخالص ملی و داخلی وجود دارد؟

(۱) هم در تعریف، با هم تفاوت دارند و هم در عمل، خصوصاً در مواردی همچون کشور هنگ‌کنگ یا لبنان.

(۲) در تعریف، با هم تفاوت دارند، اما در عمل همواره به جای هم به کار می‌روند، زیرا همواره عدد یکسان یا مشابهی را نشان می‌دهند.

(۳) در تعریف، با هم تفاوت ندارند، ولی در عمل جز در مواردی استثناً، به جای هم به کار می‌روند.

(۴) در تعریف، با هم تفاوت دارند، اما در عمل جز در مواردی استثناً، تفاوت فاحشی با هم ندارند و به جای یکدیگر به کار می‌روند.

۲۱۴- «کشوری، تولید ناخالص ملی‌اش بیشتر از تولید داخلی‌اش است.» کدام کشور نمونه‌ای از این شرایط است؟ چرا؟

(۱) هنگ‌کنگ، زیرا نیروی کار در این کشور بسیار ارزان است و صادرات نیروی انسانی به خارج از کشور بالاست.

(۲) لبنان، زیرا نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن در خارج از مرزها کار می‌کنند.

(۳) هنگ‌کنگ، زیرا در این کشور، حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی وجود دارد.

(۴) لبنان، زیرا این کشور دچار جنگ بوده و بهره‌وری نیروی کار آن به طور کلی پایین آمده است.

۲۱۵- چرا در کشوری همچون هنگ‌کنگ تفاوت فاحشی بین مقدار GDP و GNP وجود دارد؟

(۱) زیرا در کشور هنگ‌کنگ حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی وجود دارد.

(۲) برای این که این کشور به میزان بالایی، صادرات نیروی کار و سرمایه دارد.

(۳) زیرا این کشور در حال طی مسیر توسعه‌یافتگی است، اما با فزونی جمعیت مواجه است.

(۴) چون ارزش دلار در این کشور بسیار بالاست و در مقابل، پول خودش به دلیل بی‌درایتی اقتصادی کم‌ارزش گشته است.

۲۱۶- در کشوری فرضی، عده زیادی از جوانان به علت پایین بودن دستمزدها به کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند. هم‌چنین بسیاری از ثروتمندان این کشور به علت شرایط بد اقتصادی، سرمایه‌های خود را از کشور خارج کرده و از طریق ویزای سرمایه‌گذاری به کانادا مهاجرت کرده‌اند. کدام گزینه در مورد توضیح بالا صحیح‌تر می‌باشد؟

(۱) تولید ناخالص داخلی دو برابر میزان تولید ناخالص ملی است.

(۲) تولید خالص ملی و داخلی نابرابر اما تولید ناخالص داخلی و ملی با هم برابر است.

(۳) تولید ناخالص ملی این کشور به مراتب بیشتر از تولید ناخالص داخلی است.

(۴) تولید خالص و ناخالص ملی با تولید خالص و ناخالص داخلی کاملاً برابر است.

۲۱۷- در جامعه‌ای فرضی، میزان تولید خالص ملی ۹۸۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. اگر ارزش کلی ماشین‌آلات، معادل ۵۰ میلیون تومان و عمر مفید آن‌ها ۵۰ سال باشد.

(الف) درصد استهلاک سالیانه کدام است؟

(ب) تولید ناخالص چه قدر است؟

(۲) الف) ۲٪ - ب) ۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

(۴) الف) ۲٪ - ب) ۹۷۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان

(۱) الف) ۲۰٪ - ب) ۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

(۳) الف) ۲۰٪ - ب) ۹۷۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان

۲۱۸- با توجه به جدول مقابل تولید ناخالص داخلی کدام است؟

(۱) ۱,۶۲۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۲) ۲۴,۲۲۰,۰۰۰ ریال

(۳) ۱,۶۶۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۴) ۱,۶۴۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال

مواد غذایی ۳۰ تن از قرار هر تن	۲۰۰,۰۰۰ ریال
پوشاک ۲۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۲۰,۰۰۰ ریال
ماشین‌آلات ۴۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
خدمات ارائه‌شده سالیانه	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۲۱۹- در کشوری فرضی، کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات، تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور (به ترتیب) کدام‌اند؟

پوشاک ۳۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۳۰,۰۰۰ ریال

خدمات ارائه‌شده سالیانه ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

مواد غذایی ۵۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال

ماشین‌آلات ۶۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال

استهلاک در هر سال ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۲) ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰

(۴) ۹۴,۷۷۰,۰۰۰ - ۵۵,۲۳۰,۰۰۰

(۱) ۲۰۵,۲۳۰,۰۰۰ - ۵۵,۲۳۰,۰۰۰

(۳) ۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰

۲۲۰- در جامعه‌ای فرضی، میزان تولید ناخالص ملی معادل ۴۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. اگر هزینه استهلاک ۱۰٪ GNP باشد. آن‌گاه تولید خالص ملی این جامعه چه قدر است؟

(۴) ۴۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۳) ۴,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۲) ۵۰,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۱) ۴۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۲۲۱- یک پیمانکار ساختمانی، برای یکی از دستگاه‌های بالابر خود، سالانه ۵ میلیون ریال، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری جدید می‌کند. اگر هزینه استهلاک این دستگاه،  $\frac{1}{۲۵}$  قیمت اولیه آن باشد.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(الف) قیمت اولیه دستگاه چه مبلغی است؟

(ب) عمر مفید آن، چند سال است؟

(پ) هزینه استهلاک سالیانه دستگاه، چه میزان است؟

(ت) اگر در دو سال آخر عمر دستگاه، ۵۰ میلیون ریال به قیمت آن افزوده شده باشد، هزینه استهلاک دو سال آخرش چه قدر است؟

(۱) الف) ۲۳۰ میلیون ریال - ب) ۲۵ سال - پ) ۵ میلیون ریال - ت) ۱۴ میلیون ریال

(۲) الف) ۱۲۵ میلیون ریال - ب) ۲۵ سال - پ) ۵ میلیون ریال - ت) ۱۴ میلیون ریال

(۳) الف) ۲۳۰ میلیون ریال - ب) ۲۰ سال - پ) ۱۰ میلیون ریال - ت) ۳ میلیون ریال

(۴) الف) ۱۲۵ میلیون ریال - ب) ۲۰ سال - پ) ۱۰ میلیون ریال - ت) ۳ میلیون ریال

۲۲۲- در کشوری فرضی، سالانه معادل ۵۰۰ تن مواد غذایی از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال و ۳۱۰ دستگاه ماشین از قرار هر یک ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال تولید می‌گردد. هم‌چنین در این کشور در هر سال ۵۰۰۰ پوشاک از قرار هر عدد ۲۰,۰۰۰ ریال تولید می‌گردد. هم‌چنین اگر خدمات ارائه‌شده در هر سال معادل ۵,۰۰۰,۰۰۰ و استهلاک سالیانه نیز معادل ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد، مقدار GDP و تولید خالص داخلی کدام است؟ (در حالی که تولیدات ایرانیان مقیم کانادا معادل ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار باشد.)

(۲) ۱,۱۵۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱۱۵۵ میلیارد ریال

(۴) ۱,۱۵۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۱۵۶,۰۰۰,۰۰۰

(۱) ۱,۱۳۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱۱۳۴ میلیارد ریال

(۳) ۱,۱۳۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۱۳۶,۰۰۰,۰۰۰

۲۲۳- در کشور هنگ کنگ جدول روبه‌رو مفروض است. تولید خالص ملی و تولید ناخالص داخلی در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

- (۱) ۳,۷۸۱,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۷۷۸,۰۰۰,۰۰۰  
 (۲) ۳,۷۸۱,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۹۰۳,۰۰۰,۰۰۰  
 (۳) ۳,۹۰۶,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۷۷۸,۰۰۰,۰۰۰  
 (۴) ۳,۹۰۳,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۷۸۱,۰۰۰,۰۰۰

۲۲۴- در صورتی که:

درآمد حقوق بگیران ۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان  
 عایدی صاحبان املاک و مستغلات ۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان  
 سود دریافتی شرکت‌ها و مؤسسات ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

درآمد ملی و درآمد سرانه این کشور با جمعیت ۱۰۰ میلیون نفر به ترتیب کدام است؟

- (۱) ۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان - ۱۲۹,۹۰۰ تومان  
 (۲) ۱۰۴,۹۰۰ تومان - ۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان  
 (۳) ۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان - ۱,۳۰۰ تومان  
 (۴) ۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان - ۱,۰۵۰ تومان

۲۲۵- در کشور A واقع در جنوب شرقی آسیا، درآمدهای زیر در طول یک سال به صاحبان عوامل تولید رسیده است و کل صادرات این کشور در همان سال ۲۸۶۰ میلیارد واحد پولی بوده است؛ اگر جمعیت این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد، در این صورت:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ به میلیارد واحد پولی
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۶۴۰۰
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۱۸۰۰
۳	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۲۴۵۰
۴	دستمزدها	۳۲۰۰
۵	درآمد کارمندان	$\frac{1}{4}$ درآمد صاحبان سرمایه
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۸۵۰

(الف) درآمد ملی کشور چه قدر است؟  
 (ب) اگر تولید کل این کشور را از روش «هزینه‌ای» محاسبه کنیم، مقدار آن چه تغییری خواهد کرد؟  
 (پ) اگر کشور B در همسایگی این کشور، دارای صادراتی برابر با ۷۷۲۰ میلیارد واحد پولی و تولید کل ۱۵,۴۴۰ میلیارد واحد پولی باشد، کدام کشور در صادرات، موفق‌تر بوده است؟  
 (ت) درآمد سرانه کشور A چه میزان است؟  
 (ث) به ترتیب کدام ردیف از درآمدها، «قیمت خدمات سرمایه» و «اجاره» است؟

تذکر: درآمد کارکنان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۴ و ۵ به تفکیک محاسبه شده‌اند.

- (۱) الف) ۱۹,۳۰۰ (ب) مقدار آن کم‌تر خواهد شد. (پ) کشور B - ت) ۳۸۶,۰۰۰ واحد پولی - ث) ۱ و ۶  
 (۲) الف) ۳۹,۱۰۰ (ب) برابر با ۳۹,۱۰۰ (پ) کشور A - ت) ۷۸۲,۰۰۰ واحد پولی - ث) ۶ و ۱  
 (۳) الف) ۱۹,۳۰۰ (ب) برابر با ۱۹,۳۰۰ (پ) کشور B - ت) ۳۸۶,۰۰۰ واحد پولی - ث) ۱ و ۶  
 (۴) الف) ۱۹,۳۰۰ (ب) مقدار آن کم‌تر خواهد شد. (پ) کشور A - ت) ۷۸۲,۰۰۰ واحد پولی - ث) ۱ و ۶

۲۲۶- با توجه به اطلاعات روبه‌رو در مورد چهار کشور A, B, C و D ترتیب تولید خالص ملی سرانه این کشورها، در کدام گزینه درست آمده است؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- (۱)  $D > B > C > A$   
 (۲)  $B > D > C > A$   
 (۳)  $B > C > D > A$   
 (۴)  $C > B > A > D$

۲۲۷- در کدام یک از روش‌های محاسبه تولید کل کشور، نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ چرا که ارزش بولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خودبه‌خود اندازه‌گیری می‌کنیم؟

- (۱) روش درآمدی (۲) روش ارزش افزوده (۳) روش هزینه‌ای (۴) روش تولید

۲۲۸- متولیان حسابداری کشوری، می‌خواهند از صحت محاسبه تولید کل جامعه یقین حاصل کنند. کدام گزینه پاسخ صحیح‌تری را ارائه می‌کند؟

- (۱) برای جلوگیری از اشتباه، باید تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج آن‌ها را با هم مقایسه کنند.  
 (۲) برای از بین رفتن خطا، باید چندین حسابدار خبره هم‌زمان محاسبات را انجام دهند.  
 (۳) باید به دو روش دستی و نرم‌افزاری، کار را پیش ببرند و نتایج نهایی را با هم مقایسه کنند.  
 (۴) باید روش ارزش افزوده را حذف کنند و با روش درآمدی یا هزینه‌ای محاسبه کنند که احتمال خطا به حداقل برسد.

۲۲۹- با توجه به مثال زیر، در نهایت چه مبلغی از فعالیت تولیدکنندگان پوشاک کشور در تولید کل کشور محاسبه می‌شود؟ و این روش محاسبه، کدام یک از روش‌های محاسبه تولید کل کشور است؟

«کشاورزان هر واحد پنبه تولیدی خود را به ارزش ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به تعدادی نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.»

(۱) ۱۰,۰۰۰ ریال - روش هزینه‌ای (۲) ۳۰۰۰ ریال - روش درآمدی (۳) ۲۵۰۰ ریال - روش ارزش افزوده (۴) ۵۰۰۰ ریال - روش تولید

۲۳۰- در کشوری فرضی، با توجه به اطلاعات زیر:

• مزد تمام کارگران ساده و نیمه‌ماهر جمعاً ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

• سود سرمایه کل کشور ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

• حقوق تمام مدیران و متخصصان ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

• عایدی همه فعالان اقتصادی داخلی جدا از موارد بالا ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

• عایدی فعالان اقتصادی در خارج از مرزهای کشور ۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

تولید کل کدام است و این محاسبات با چه روشی انجام شده است؟

(۱) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش درآمدی (۲) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش ارزش افزوده

(۳) ۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش درآمدی (۴) ۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش ارزش افزوده

۲۳۱- کدام گزینه نشان‌دهنده پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

(الف) به ترتیب هر یک از عبارات زیر مربوط به کدام روش محاسبه تولید کل است؟

ارزش پولی تولیدات نهایی را آن‌جا که به خانوارها فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.

ارزش مزدها، سودها و اجاره‌ها را جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.

ارزش تولیدشده در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی را جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.

(ب) متولیان حسابداری ملی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه تولید کل، دست به چه اقدامی می‌زنند؟

(۱) (الف) روش درآمدی - روش هزینه - روش ارزش افزوده - (ب) از هر سه روش، تولید کل را محاسبه می‌کنند و میانگین را در نظر می‌گیرند.

(۲) (الف) روش هزینه - روش درآمدی - روش ارزش افزوده - (ب) حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

(۳) (الف) روش هزینه - روش درآمدی - روش ارزش افزوده - (ب) از هر سه روش، تولید کل را محاسبه می‌کنند و میانگین را در نظر می‌گیرند.

(۴) (الف) روش ارزش افزوده - روش هزینه - روش درآمدی - (ب) حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۳۲- در کشوری فرضی، مزد تمام کارگران (اعم از ساده تا متخصص) سالانه معادل ۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد. سود سرمایه آنان معادل

۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان است و عایدی فعالان اقتصادی داخلی و ملی معادل ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد. مجموع ارزش افزوده‌های مراحل مختلف

تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز معادل ۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌شود. با توجه به روش درآمدی، تولید کل این کشور چه قدر است؟

(۱) ۸۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۳) ۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۴) ۳۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

۲۳۳- به هر یک از موارد زیر پاسخ دهید.

(الف) دو شاخص کلان اقتصادی که دقیقاً می‌توانند معادل یکدیگر قرار گیرند، کدام‌اند؟

(ب) به طور متوسط، عمر مفید سرمایه‌های فیزیکی کشور، ۲۰ سال است. سالانه چند درصد باید به عنوان استهلاک در نظر گرفته شود؟

(پ) چه کلمه‌ای را به عنوان معادلی برای درآمد صاحبان سرمایه و اجاره می‌توان در نظر گرفت؟

(۱) (الف) درآمد ملی (داخلی) و تولید - (ب) ۵٪ - (پ) قیمت خدمات سرمایه - درآمد صاحبان املاک و مستغلات

(۲) (الف) درآمد سرانه و تولید - (ب) ۴٪ - (پ) قیمت خدمات سرمایه - درآمد زمین‌داران و املاک

(۳) (الف) درآمد ملی و تولید - (ب) ۴٪ - (پ) سود سرمایه - درآمد دارندگان اموال غیرمنقول

(۴) (الف) درآمد ملی (داخلی) و درآمد سرانه - (ب) ۵٪ - (پ) سود سرمایه - درآمد صاحبان مستغلات و زمین

۲۳۴- تولید ملی کشور A معادل ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان و تولید ملی کشور B معادل ۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. اگر اندازه صادرات کشور A، ۵۰

میلیارد تومان و صادرات کشور B، ۱۰ میلیارد تومان باشد؛ آن‌گاه کدام کشور در زمینه صادرات موفق‌تر عمل کرده است؟

(۱) کشور A موفق‌تر از کشور B عمل کرده است. (۲) کشورهای A و B هر دو در صادرات کالا بسیار ضعیف هستند.

(۳) کشور B موفق‌تر از کشور A عمل کرده است. (۴) کشورهای A و B هر دو صادرکنندگانی قدرتمند هستند.

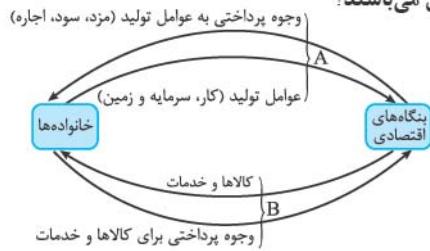
۲۳۵- کشور قطر ۹۱۰ هزار نفر جمعیت و کشور مالزی ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اگر تولید ملی کشور قطر معادل ۹۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار باشد و

تولید ملی کشور مالزی، ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار باشد. کدام کشور در مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد موفق‌تر بوده است؟ با چه میزان تفاوت؟

(۱) مالزی - ۱۰,۰۰۰ \$ (۲) قطر - ۹۹۰,۰۰۰ \$ (۳) قطر - ۱,۰۰۰,۰۰۰ \$ (۴) مالزی - ۹۹۰,۰۰۰ \$

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۳۶- با توجه به نمودار مقابل، روش A و روش B به ترتیب جزء کدام روش‌های محاسبه تولید کل می‌باشند؟



- ۱) روش درآمدی = B - روش هزینه‌ای = A
- ۲) روش ارزش افزوده = B - روش درآمدی = A
- ۳) روش هزینه‌ای = B - روش ارزش افزوده = A
- ۴) روش هزینه‌ای = B - روش درآمدی = A

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۳۷- کدام گزینه در خصوص انواع متغیرها با قیمت جاری و ثابت درست است؟

- ۱) اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۲٪ افزایش یابد و در همان زمان، نرخ تورم ۷٪ باشد، قدرت خرید واقعی کارکنان دولت ۶٪ افزایش یافته است.
- ۲) اگر تورم جهانی ۲۰٪ باشد و صادرات اسمی ۱۲٪ افزایش یافته باشد، صادرات واقعی ۱۰٪ افزایش یافته است.
- ۳) اگر سود اسمی سهام در بازار سرمایه ۱۰٪ باشد و نرخ تورم در همان زمان برابر با ۴٪ باشد، آن‌گاه سود واقعی سهام ۱۴٪ خواهد بود.
- ۴) اگر نرخ تورم ۱۵٪ باشد و سود اسمی که بانک به سپرده‌های مردم می‌پردازد ۲۰٪ باشد، آن‌گاه سود واقعی ۵٪ است.

۲۳۸- چنانچه در جامعه‌ای میزان تولید کل، در طی سه سال متوالی به ترتیب ۳۰۰۰ - ۳۳۰۰ - ۳۵۰۰ هزار میلیون ریال باشد؛ با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید جامعه در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول به ترتیب ۳۰۰۰ - ۳۱۰۰ - ۳۳۰۰ هزار میلیون ریال است. براساس این محاسبات، میزان افزایش واقعی تولید و میزان افزایش تولید ناشی از افزایش قیمت در سال سوم (به ترتیب از راست به چپ) کدام است؟

- ۱) ۵۰۰ - ۲۰۰ (۲) ۳۰۰ - ۲۰۰ (۳) ۵۰۰ - ۳۰۰ (۴) ۲۰۰ - ۳۰۰

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۳۹- جدول فرضی زیر، نمایانگر مقدار کالا و قیمت آن‌ها در سه سال متوالی ۹۴، ۹۵ و ۹۶ است.

طبق اطلاعات مندرج در جدول (با فرض این‌که سال ۹۴ به عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود) کدام گزینه پاسخ صحیح پرسش‌های زیر است؟

کالا	سال ۹۴		سال ۹۵		سال ۹۶	
	مقدار تولید	قیمت	مقدار تولید	قیمت	مقدار تولید	قیمت
نفت	۱۰۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۳۰ تومان	۱۰۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۳۵ تومان	۱۵۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۴۰ تومان
فرش	۱۰۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۲۰ تومان	۱۵۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۲۵ تومان	۲۰۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۳۵ تومان

الف) میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۵ چند تومان است؟  
ب) کدام گزینه در خصوص سال ۹۶ صحیح است؟

- ۱) الف) ۱۰,۰۰۰ (ب) از ۸۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۳۰,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش مقدار تولید است.
- ۲) الف) ۱۰,۰۰۰ (ب) از ۸۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۴۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
- ۳) الف) ۵,۰۰۰ (ب) از ۷۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۳۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
- ۴) الف) ۵,۰۰۰ (ب) از ۷۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۴۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش مقدار تولید است.

۲۴۰- با توجه به جدول روبه‌رو به ترتیب از راست به چپ: (سال ۹۱ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است).

الف) تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۲؟

ب) تولید کل به قیمت جاری در سال ۱۳۹۲؟

کالا	سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۲	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
A	۱۰۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰
B	۱۲۰۰	۵۰۰	۸۰۰	۱۵۰۰

- ۱) ۴۰۰,۰۰۰ - ۲,۱۶۰,۰۰۰ (۲) ۱,۰۶۰,۰۰۰ - ۱,۲۲۰,۰۰۰  
۳) ۲,۱۶۰,۰۰۰ - ۱,۰۶۰,۰۰۰ (۴) ۱,۲۲۰,۰۰۰ - ۱,۰۶۰,۰۰۰

۲۴۱- میزان تولید کل یک کشور در طول سه سال متوالی به ترتیب ۱۲۰۰، ۱۵۰۰ و ۱۸۰۰ هزار میلیارد ریال است. با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه مقدار تولید جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت سال پایه به ترتیب ۱۲۰۰، ۱۳۴۰ و ۱۷۵۰ هزار میلیارد ریال خواهد شد. به این ترتیب، کدام

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

گزینه صحیح می‌باشد؟

- ۱) از ۳۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید کل جامعه در سال دوم (نسبت به سال پایه)، ۱۴۰ هزار میلیارد ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
- ۲) از ۴۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید کل جامعه در سال دوم (نسبت به سال پایه)، ۱۵۰ هزار میلیارد ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
- ۳) از ۶۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید کل جامعه در سال سوم (نسبت به سال پایه)، ۵۵۰ هزار میلیارد ریال آن ناشی از افزایش مقدار تولید است.
- ۴) از ۵۵۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید کل جامعه در سال سوم (نسبت به سال پایه)، ۵۰ هزار میلیارد ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.

۲۴۲- میزان تولید کل جامعه‌ای در چهار سال پیاپی به ترتیب ۲۰۰، ۲۳۰، ۲۸۰ و ۳۲۰ هزار میلیارد ریال است. با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه، تولید این چهار سال به ترتیب ۲۰۰، ۲۳۰، ۲۸۰ و ۳۲۰ هزار میلیارد ریال تغییر یافت. با توجه به این ارقام:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- الف) افزایش مقدار تولید در سال سوم و چهارم نسبت به سال پایه به ترتیب از راست به چپ چند هزار میلیارد است؟  
ب) افزایش قیمت در سال دوم نسبت به سال پایه چند هزار میلیارد ریال است؟  
پ) میزان تورم در سال چهارم نسبت به سال پایه چند هزار میلیارد ریال است؟

- ۱) الف) ۲۰۰ - ۵۰۰ (ب) ۳۰۰ - ۵۰۰ (پ) ۵۰۰  
۲) الف) ۸۰۰ - ۱۲۰۰ (ب) ۲۰۰ - ۵۰۰ (پ) ۵۰۰  
۳) الف) ۲۰۰ - ۵۰۰ (ب) ۲۰۰ - ۷۰۰ (پ) ۷۰۰  
۴) الف) ۸۰۰ - ۱۲۰۰ (ب) ۳۰۰ - ۷۰۰ (پ) ۷۰۰



۲۴۳- جدول زیر مبین اطلاعات تولید یک کشور فرضی در سه سال متوالی است. چنانچه میزان تورم در سال دوم ۱۸۳۲ هزار میلیارد ریال و میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش مقدار تولید در سال سوم نسبت به سال پایه برابر ۲۶۳۰ هزار میلیارد ریال باشد، آن گاه به ترتیب:

(الف) تولید کل به قیمت جاری در سال دوم و تولید کل به قیمت ثابت در سال سوم به ترتیب چند هزار میلیارد ریال است؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۹)

(ب) افزایش تولید کل ناشی از افزایش مقدار تولید در سال دوم چند هزار میلیارد ریال است؟

(پ) میزان تورم در سال سوم چند هزار میلیارد ریال است؟

سوم	دوم	سال	
		اول	تولید کل
۱۰۵۷۰	؟	۶۳۰۰	تولید کل به قیمت جاری
؟	۷۵۴۰	۶۳۰۰	تولید کل به قیمت ثابت

(۱) الف (۹۳۷۲ - ۸۹۳۰ - ب) ۱۴۲۰ (پ) ۱۴۶۰

(۲) الف (۹۷۳۲ - ۹۱۳۰ - ب) ۱۴۲۰ (پ) ۱۴۲۰

(۳) الف (۹۷۳۲ - ۸۹۳۰ - ب) ۱۲۴۰ (پ) ۱۶۴۰

(۴) الف (۹۳۷۲ - ۸۹۳۰ - ب) ۱۲۴۰ (پ) ۱۶۴۰

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۲۴۴- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر: (سال ۱۳۹۰ سال پایه است).

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۲	
	مقدار به کیلو	قیمت به میلیارد دلار	مقدار به کیلو	قیمت به میلیارد دلار	مقدار به کیلو	قیمت به میلیارد دلار
A	۱۰۰	۵۰	۱۲۰	۵۵	۱۲۵	۶۰
B	۵۰	۳۰	۷۰	۲۵	۶۰	۳۵

(الف) تولید کل به قیمت جاری در سال ۱۳۹۱. .... میلیارد دلار است.

(ب) تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۲. .... میلیارد دلار است.

(پ) از ..... میلیارد دلار افزایش تولید در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال پایه. .... میلیارد دلار ناشی از افزایش قیمت‌ها (تورم) است و ..... میلیارد دلار ناشی از افزایش تولید است.

(۲) الف (۸۳۵۰ - ب) ۸۰۵۰ (پ) ۱۸۵۰ - ۲۵۰ - ۱۶۰۰

(۱) الف (۸۱۰۰ - ب) ۹۶۰۰ (پ) ۱۸۵۰ - ۲۵۰ - ۱۶۰۰

(۴) الف (۸۱۰۰ - ب) ۹۶۰۰ (پ) ۱۶۰۰ - ۳۵۰ - ۱۲۵۰

(۳) الف (۸۳۵۰ - ب) ۸۰۵۰ (پ) ۱۶۰۰ - ۳۵۰ - ۱۲۵۰

۲۴۵- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر و با فرض این که تنها دو کالای A و B در کشور تولید می‌شود، به ترتیب «از راست به چپ»:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

(الف) تولید کل در سال «۱۳۹۰» به قیمت جاری کدام است؟

(ب) تولید کل به قیمت ثابت در سال «۱۳۹۵» کدام است؟

(پ) میزان رشد اقتصادی (رشد در میزان تولید) در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ تقریباً چند درصد است؟ (سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود).

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
	قیمت (ریال)	مقدار (کیلو)	قیمت (ریال)	مقدار (کیلو)
A	۲۰۰	۳۵۰	۲۵۰	۲۰۰
B	۷۵	۵۰۰	۱۰۰	۸۰۰

(۱) الف (۱۰۷,۵۰۰ ریال - ب) ۱۰۰,۰۰۰ ریال (پ) ۷- %

(۲) الف (۱۰۰,۰۰۰ ریال - ب) ۱۰۷,۵۰۰ ریال (پ) ۷+ %

(۳) الف (۱۰۷,۵۰۰ ریال - ب) ۱۳۰,۰۰۰ ریال (پ) ۵- %

(۴) الف (۱۳۰,۰۰۰ ریال - ب) ۱۳۷,۵۰۰ ریال (پ) ۵+ %

۲۴۶- انواع تولیدات یک کشور در شرق آسیا به دو گروه A و B تقسیم می‌شود. میزان تولید هر کدام و میانگین قیمت هر واحد از آن‌ها در جدول زیر آورده شده است. اگر سال ۱۳۹۰ سال پایه باشد و تولید سال ۱۳۹۱ برحسب قیمت‌های جاری ۵۱,۰۰۰ واحد پولی محاسبه شده باشد:

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(الف) میانگین قیمت تولید هر واحد از گروه B در سال ۱۳۹۱ چند واحد پولی است؟

(ب) افزایش تولید کل ناشی از تورم در سال ۱۳۹۱ چند واحد پولی است؟

(پ) با توجه به افزایش قیمت کالاهای گروه A (در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰) که شامل کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم است، دولت این کشور در نظر گرفته است فقط برای جبران افزایش قیمت این کالاها به کارمندان خود کمک نقدی کرده و ۲۰٪ به حقوق آنان اضافه کند. در این صورت قدرت خرید واقعی کارمندان دولت چه تغییری کرده است؟

کالا	میانگین سال ۱۳۹۰		میانگین سال ۱۳۹۱	
	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار
A	۱۵۰ واحد پولی	۷۵ کیلو	۲۰۰ واحد پولی	۴۵ کیلو
B	۱۰۰ واحد پولی	۴۰۰ کیلو	؟	۳۵۰ کیلو

(۱) الف (۲۱۰ - ب) ۸۵۰۰ (پ) قدرت خرید واقعی کارمندان دولت افزایش یافته است.

(۲) الف (۱۲۰ - ب) ۹۲۵۰ (پ) قدرت خرید واقعی کارمندان دولت افزایش یافته است.

(۳) الف (۲۱۰ - ب) ۸۵۰۰ (پ) قدرت خرید واقعی کارمندان دولت کاهش یافته است.

(۴) الف (۱۲۰ - ب) ۹۲۵۰ (پ) قدرت خرید واقعی کارمندان دولت کاهش یافته است.

۲۴۷- کارخانه مس سرچشمه از دل معدن، مس استخراج می کند و آن را به شمش تبدیل می کند و سپس آن را به بهای ۷۰۰۰ تومان به شرکت صنایع مس شهید باهنر می فروشد. صنایع مس شهید باهنر این شمش را تبدیل به محصول نیمه تمام مانند مفتول می کند و آن را به بهای کیلویی ۷۷۰۰ تومان به شرکت سیم و کابل می فروشد. این شرکت این محصول را با ایجاد ۵۰۰ تومان ارزش افزوده به سیم برق تبدیل می کند و آن را به دست مصرف کنندگان می رساند. با توجه به این داده ها و ستاده ها:

- (الف) ارزش افزوده مرحله اول و دوم و قیمت نهایی کالا کدام است؟  
 (ب) عنوان دیگر این روش محاسبه تولید کل کدام است؟  
 (پ) نام روشی که در آن کل پولی که از طرف داروخانه ها به سمت بنگاه ها جریان پیدا می کند و همچنین نام روشی که در آن کل پولی که از طرف بنگاه ها به سمت خانوارها جریان پیدا می کند، به ترتیب کدام است؟  
 (ت) کارشناسان محاسبه ارزش تولید کل جامعه برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه به چه اقدامی متوسل می شوند؟

- (۱) الف) ۷۰۰ - ۵۰۰ - ۸۰۰۰ (ب) روش هزینه ای - (پ) روش درآمدی - روش هزینه ای (ت) دو روش را به کار می گیرند و میانگین آن ها را منظور می کنند.  
 (۲) الف) ۷۰۰ - ۵۰۰ - ۸۰۰۰ (ب) روش هزینه ای - (پ) روش درآمدی - روش هزینه ای (ت) حداقل دو روش را به کار می گیرند و جوابها را با هم مقایسه می کنند.

(۳) الف) ۷۰۰۰ - ۷۰۰ - ۸۲۰۰ (ب) روش تولید - (پ) روش هزینه ای - روش درآمدی (ت) حداقل دو روش را به کار می گیرند و جوابها را با هم مقایسه می کنند.  
 (۴) الف) ۷۰۰۰ - ۷۰۰ - ۸۲۰۰ (ب) روش تولید - (پ) روش هزینه ای - روش درآمدی (ت) هر سه روش به کار گرفته می شود و سپس میانگین آن ها به عنوان پاسخ قطعی مورد قبول قرار می گیرد.

۲۴۸- جدول زیر مبین «اقدام مختلف درآمدی» مربوط به یک سال اعضای یک جامعه فرضی است. اگر جمعیت کل این جامعه ۸۲ میلیون باشد، در این صورت:

ردیف	اقدام درآمدی	مبلغ (میلیارد ریال)
۱	درآمد حقوق بگیران	۹۶۷۰
۲	درآمد صاحبان سرمایه	$\frac{2}{4}$ سود شرکتها و مؤسسات
۳	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۸۷۴
۴	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۹۱۴
۵	سود شرکتها و مؤسسات	۴۶۵۲

(الف) درآمد ملی این جامعه چند میلیارد ریال است؟  
 (ب) درآمد سرانه این جامعه چند ریال است؟  
 (پ) مجموع سودی که صاحبان سرمایه و کسانی که اجاره دریافت می کنند چند میلیارد ریال است؟

(۱) الف) ۱۸,۱۹۶ (ب) ۲۶۴,۵۱۰ (پ) ۶۹۷۸  
 (۲) الف) ۲۱,۴۳۶ (ب) ۲۶۴,۵۱۰ (پ) ۶۹۷۸  
 (۳) الف) ۱۸,۱۹۶ (ب) ۲۶۱,۴۱۴ (پ) ۶۲۰۰  
 (۴) الف) ۲۱,۴۳۶ (ب) ۲۶۱,۴۱۴ (پ) ۶۲۰۰

۲۴۹- جدول زیر دربردارنده اقدام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات این جدول به ترتیب:

ردیف	اقدام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق بگیران	۸۰۰ میلیارد دلار
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۴۰۰ میلیارد دلار
۳	درآمد صاحبان سرمایه	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان مشاغل آزاد
۴	سود شرکتها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد حقوق بگیران
۵	دستمزدها	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۲۰ درصد مجموع درآمدهای ردیف ۱ و ۲
۷	جمعیت کل کشور	۳۸ میلیون نفر

(الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره بها است؟  
 (ب) درآمد ملی این جامعه چند میلیارد دلار است؟  
 (پ) درآمد سرانه در این جامعه چند دلار است؟  
 (توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف های ۱ و ۵ به تفکیک محاسبه شده است.)

(۱) الف) ۳ - ۶ (ب) ۷,۶۰۰ (پ) ۲۵۰,۰۰۰  
 (۲) الف) ۳ - ۶ (ب) ۷,۶۰۰ (پ) ۲۰۰,۰۰۰  
 (۳) الف) ۳ - ۶ (ب) ۶,۷۵۰ (پ) ۲۰۰,۰۰۰  
 (۴) الف) ۳ - ۶ (ب) ۶,۷۵۰ (پ) ۲۵۰,۰۰۰

۲۵۰- آمار و اطلاعات زیر از حساب های ملی یک کشور فرضی استخراج شده است. چنانچه مجموع ارزش اقلام مورد غذایی، پوشاک و ماشین آلات ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت به ترتیب:

ردیف	اقدام درآمدی	مبلغ (میلیارد ریال)
۱	خالص درآمد عوامل تولید خارج از کشور	$\frac{3}{5}$ تولید خارجیان مقیم کشور
۲	ارزش خدمات ارائه شده	۵۰ میلیارد ریال
۳	تولید خارجیان مقیم کشور	۳۵ میلیارد ریال
۴	جمعیت کل کشور	۲۰ میلیون نفر
۵	هزینه استهلاک	$\frac{1}{5}$ تولید ناخالص داخلی

(الف) تولید خالص داخلی سرانه  
 (ب) تولید خالص ملی  
 (پ) تولید ناخالص داخلی در این جامعه کدام است؟

(۱) الف) ۸,۸۰۰ ریال (ب) ۱۳۲ میلیارد ریال (پ) ۳۲۰ میلیارد ریال  
 (۲) الف) ۶,۵۰۰ ریال (ب) ۱۳۲ میلیارد ریال (پ) ۲۲۰ میلیارد ریال  
 (۳) الف) ۸,۸۰۰ ریال (ب) ۱۶۲ میلیارد ریال (پ) ۲۲۰ میلیارد ریال  
 (۴) الف) ۶,۵۰۰ ریال (ب) ۱۶۲ میلیارد ریال (پ) ۳۲۰ میلیارد ریال

۲۵۱- کشور A، ۱۲۵ میلیون نفر تبعه دارد که ۸۰ درصد این جمعیت در محدوده مرزهای جغرافیایی آن زندگی می‌کنند. هم‌چنین به طور کلی ۱۲۵ میلیون نفر در محدوده مرزهای جغرافیایی این کشور زندگی می‌کنند که ۲۰ درصد آن‌ها خارجی هستند. با توجه به جدول زیر، الف) تولید ناخالص داخلی کشور A، ب) تولید ناخالص ملی این کشور کدام است؟ (تولیدات کشور محدود به همین دو محصول (برنج و چای) است.) (کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

تولید برنج	توسط خارجی‌های مقیم کشور	هر فرد ۱۵۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۱۰۰ دلار
	اتباع مقیم خارج از کشور	هر فرد ۱۰۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۳۰ دلار
تولید چای	توسط خارجی‌های مقیم کشور	هر فرد ۲۵۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۴۰ دلار
	اتباع مقیم خارج از کشور	هر فرد ۱۰۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۵۰ دلار

- الف) (۱) ۳۲۰۰ میلیارد ریال - ب) ۳۰۰۰ میلیارد ریال  
 الف) (۲) ۳۴۲۵ میلیارد ریال - ب) ۳۲۰۰ میلیارد ریال  
 الف) (۳) ۳۴۲۵ میلیارد ریال - ب) ۳۰۰۰ میلیارد ریال  
 الف) (۴) ۳۴۰۰ میلیارد ریال - ب) ۳۴۰۰ میلیارد ریال

۲۵۲- در یک جامعه فرضی یک دستگاه کالای سرمایه‌ای با عمر مفید ۲۵ سال را به قیمت ۷۵۰ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم. در این صورت، به ترتیب از راست به چپ:

الف) چنانچه در سه سال آخر عمر مفید، این کالای سرمایه‌ای، ۱۰ درصد افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» سه سال آخر، چه مقدار خواهد بود؟

ب) قیمت جدید این «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟

پ) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاک» باید کنار بگذاریم؟

- الف) (۱) ۸۱ میلیارد ریال - ب) ۶۷۵ میلیارد ریال - پ) ۲۷ میلیارد ریال  
 الف) (۲) ۹۹ میلیارد ریال - ب) ۸۲۵ میلیارد ریال - پ) ۲۷ میلیارد ریال  
 الف) (۳) ۹۹ میلیارد ریال - ب) ۸۲۵ میلیارد ریال - پ) ۳۰ میلیارد ریال  
 الف) (۴) ۸۱ میلیارد ریال - ب) ۶۷۵ میلیارد ریال - پ) ۳۰ میلیارد ریال

۲۵۳- کدام گزینه در خصوص شاخص‌های نسبی صحیح است؟ (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- الف) اگر میزان صادرات کشور A، ۲۰ میلیارد دلار و تولید ملی آن ۱۰۰ میلیارد دلار باشد و میزان صادرات کشور B، ۵۰ میلیارد دلار و تولید ملی آن ۱۵۰ میلیارد دلار باشد، آن‌گاه کشور A در زمینه صادرات موفق‌تر عمل کرده است.  
 ب) اگر درآمد ملی کشور A، ۱۰۰ میلیون دلار و جمعیت آن ۲۰ میلیون نفر، درآمد ملی کشور B، ۲۰۰ میلیون دلار و جمعیت آن ۵۰ میلیون نفر باشد، سطح زندگی و رفاه افراد جامعه در کشور A در مقایسه با کشور B بهتر است.  
 ج) اگر درآمد ملی کشور A در طی دو سال متوالی به ترتیب ۱۰۰ و ۱۲۰ میلیون دلار باشد و جمعیت کشور نیز در طی این دو سال به ترتیب ۱۰ و ۴۰ میلیون نفر باشد، رفاه افراد کشور در سال دوم نسبت به سال اول افزایش یافته است.  
 د) اگر میزان صادرات کشور A، ۴۰ میلیون دلار و صادرات کشور B، ۲۰ میلیون دلار باشد، می‌توان نتیجه گرفت صادرات کشور A، ۲ برابر کشور B است.

۲۵۴- هر یک از موارد زیر به ترتیب فائد کدام ویژگی برای محاسبه شدن در تولید کل جامعه است؟ (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- الف) چرمی که توسط یک کارگاه تولید کیف و کفش برای تولید محصولات خود خریداری می‌شود.  
 ب) فردی برای مهمانی که در منزل خود برگزار می‌کند به پخت ۴۰۰ سیخ کباب اقدام می‌کند.  
 پ) تلویزیون و یخچال‌هایی که توسط کولبران وارد کشور می‌شود.

- الف) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) از بازار عبور کردن - پ) قانونی و مجاز بودن  
 الف) از بازار عبور کردن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) از بازار عبور کردن  
 الف) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) قانونی و مجاز بودن  
 الف) از بازار عبور کردن - ب) قانونی و مجاز بودن - پ) از بازار عبور کردن

۲۵۵- با توجه به مندرجات جدول زیر به ترتیب:

الف) تولید خالص داخلی چند دلار است؟

ب) تولید مردم کشور که در کشور ساکن هستند کدام است؟

پ) تولید ناخالص داخلی سرانه چه قدر است؟

در این کشور فرض بر این است که تمامی خارجی‌ان مقیم کشور از کشورهای افغانستان، عراق و پاکستان هستند.

- الف) (۱) ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۸۲ میلیون دلار - پ) ۵ / ۷۳ دلار  
 الف) (۲) ۶۴,۶۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۸ میلیون دلار - پ) ۵ / ۷۳ دلار  
 الف) (۳) ۶۴,۶۰۰,۰۰۰ - ب) ۸۲ میلیون دلار - پ) ۳ / ۷۵ دلار  
 الف) (۴) ۶۴,۴۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۸ میلیون دلار - پ) ۳ / ۷۵ دلار

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

تولید ناخالص ملی	۱۱۴ میلیون دلار
تولید عراقیان ساکن کشور	۱۹ میلیون دلار
تولید افغانی‌های ساکن کشور	۱۲ میلیون دلار
تولید پاکستانی‌های ساکن کشور	۱۶ میلیون دلار
تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۶ میلیون دلار
جمعیت کشور	۲۰ میلیون نفر

هزینه استهلاک ۱۰ درصد تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.

۲۵۶- کدام گزینه به ترتیب مبین پاسخ صحیح هر یک از سؤالات زیر است؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

الف) مندرجات جدول زیر مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی کشور ایران در سال ۱۳۹۸ است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید خارجیان مقیم کشور چند هزار میلیارد ریال است؟

۱	تولید ناخالص ملی	۲۴۵ هزار میلیارد ریال
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۱۴ هزار میلیارد ریال
۳	تولید خالص داخلی	۲۴۰ هزار میلیارد ریال
۴	تفاوت تولید ناخالص داخلی و خالص داخلی	۱۴ هزار میلیارد ریال

ب) در صورتی که تورم جهانی ۲۰ درصد باشد و صادرات اسمی جامعه‌ای ۱۰ درصد افزایش یافته باشد، در رابطه با صادرات واقعی این جامعه کدام مورد درست است؟

پ) در صورتی که دستمزد کارکنان دولت ۲۵ درصد افزایش یابد و در همان زمان تورم نیز ۲۵ درصد باشد و بانک‌ها به سپرده‌های مردم ۳۰ درصد سود اسمی بپردازند، چند درصد سود واقعی داشته‌ایم؟

- (الف) ۲۳ - ب) ۱۰ درصد کاهش یافته است - پ) ۵ درصد  
 (الف) ۲۴ - ب) ۱۰ درصد کاهش یافته است - پ) ۵ درصد  
 (الف) ۲۳ - ب) ۱۰ درصد افزایش یافته است - پ) ۴ درصد  
 (الف) ۲۴ - ب) ۱۰ درصد افزایش یافته است - پ) ۴ درصد

۲۵۷- در کشور هنگ‌کنگ، کالاها و خدمات زیر، در سال ۲۰۰۹ میلادی تولید شده است: (این کالاها و خدمات توسط تمام افرادی که در داخل کشور ساکن هستند، تولید شده‌اند).

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

در صورتی که تولید خارجیان مقیم کشور ۸۰ میلیارد دلار و تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند ۳۷ میلیارد دلار باشد، به ترتیب:

الف) تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی این کشور، به ترتیب از راست به چپ، چند میلیارد دلار است؟

ب) تولید ناخالص ملی سرانه هنگ‌کنگ با توجه به جمعیت ۷ میلیون نفری آن چند دلار است؟	انواع تولیدات	ارزش تولیدات (به میلیارد ریال)
پ) اگر فرض کنیم داده‌های جدول مربوط به کشور لبنان باشد، تولید ناخالص ملی آن چه مقدار می‌تواند باشد؟	کالاهای صنعتی	۸۰
(الف) ۱۶۷ - ۱۶۷ (الف) ۱۲۴ - ب) ۱۷,۷۱۴ (پ) کم‌تر از ۱۶۷	خدمات گردشگری و هتل‌داری	۱۸
(الف) ۱۹۴ - ۱۵۱ (ب) ۲۱,۵۷۱ (پ) بیشتر از ۱۹۴	پوشاک	۴/۸
(الف) ۱۶۷ - ۱۲۴ (ب) ۱۷,۷۱۴ (پ) بیشتر از ۱۶۷	انواع قطعات بدکی خودرو	۲۷
(الف) ۱۹۴ - ۱۵۱ (ب) ۲۱,۵۷۱ (پ) کم‌تر از ۱۹۴	انواع اسباب‌بازی	۱۲/۲
	محصولات الکترونیکی	۳۲
	انواع خدمات تجاری و صنعتی	$\frac{1}{4}$ ارزش کالاهای صنعتی

۲۵۸- در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است.

با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها: (سراسری ۹۰)

A	ارزش ماشین‌آلات	۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ارزش پوشاک	۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	ارزش مواد غذایی	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{4}$ ارزش پوشاک
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{16}$ ارزش ماشین‌آلات

الف) تولید خالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی

در این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟

- (الف) ۳,۵۴۰ - ۳,۶۵۰ (ب) ۳,۵۴۰ - ۳,۵۶۰  
 (الف) ۳,۴۵۰ - ۳,۶۵۰ (ب) ۳,۵۴۰ - ۳,۵۶۰

۲۵۹- کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۶۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۷۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۹۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» می‌فروشند. در این کارگاه‌ها، پارچه به «پوشاک» تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با این شرایط:

(سراسری ۹۰)

الف) ارزش افزوده مرحله اول و مرحله آخر کدام است؟

ب) نام دیگر این روش محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چیست؟

پ) برای محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چند روش وجود دارد؟

ت) کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

- (الف) ۷۰۰۰ و ۶۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای - پ) دو روش - ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.  
 (الف) ۶۵۰۰ و ۷۰۰۰ (ب) روش تولید - پ) سه روش - ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.  
 (الف) ۷۵۰۰ و ۹۰۰۰ (ب) روش تولید - پ) سه روش - ت) هر سه روش را هم به کار می‌گیرند هر کدام بیش‌تر بود، آن را می‌پذیرند.  
 (الف) ۹۰۰۰ و ۷۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای - پ) دو روش - ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.

۲۶۰- در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها: (سراسری خارج از کشور ۹۰)

الف) تولید خالص داخلی	A
ب) تولید ناخالص داخلی	ارزش ماشین‌آلات ۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
در این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون است؟	B ارزش پوشاک ۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱) الف) (۳,۶۷۰ - ب) ۳,۸۷۰	C ارزش مواد غذایی ۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰
۲) الف) (۳,۷۶۰ - ب) ۳,۸۷۰	D خدمات ارائه‌شده $\frac{1}{4}$ ارزش پوشاک
۳) الف) (۳,۶۷۰ - ب) ۳,۷۸۰	E هزینه استهلاک $\frac{1}{18}$ ارزش ماشین‌آلات
۴) الف) (۳,۷۶۰ - ب) ۳,۷۸۰	

۲۶۱- در یک کشور فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها: (سراسری ۹۱)

الف) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور	A
ب) به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟	مواد غذایی ۵۰۰ تن از قرار هر تن ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ب) چنانچه جمعیت کل این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد.	B ماشین‌آلات ۵,۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
«تولید خالص داخلی سرانته» آن کدام است؟	C پوشاک ۱۵,۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۵۰۰,۰۰۰ ریال
۱) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۲۵۰	D خدمات ارائه‌شده $\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک
۲) الف) (۲۷۶,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰	E هزینه استهلاک $\frac{1}{25}$ ارزش ماشین‌آلات
۳) الف) (۲۷۶,۵۰۰ - ب) ۵۲۵۰	
۴) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰	

۲۶۲- تولید کل کشوری در سه سال متوالی، به ترتیب سال اول ۱۵۰۰، سال دوم ۱۷۰۰ و سال سوم ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان «سال پایه» تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های «سال پایه» به ترتیب به ۱۵۰۰، ۱۶۵۰ و ۱۷۱۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب (از راست به چپ):

الف) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟	ب) افزایش مقدار تولید در «سال دوم و سال سوم» کدام است؟
۱) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۱) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰
۲) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۲) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰
۳) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۳) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰
۴) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۴) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰

۲۶۳- یک دستگاه وسیله سرمایه‌ای «تولیدی» را به بهای ۱۳ میلیارد خریداری کرده‌ایم. چنانچه عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای ۶/۵ سال باشد. در این صورت: (سراسری ۹۱)

الف) مقدار «هزینه استهلاکی سالانه» کدام است؟	ب) چنانچه در دو سال آخر عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای ۱۰ درصد افزایش بها داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» دو سال آخر چه میزان خواهد بود؟
۱) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۱) الف) (۲ - ب) (۴,۰۴۰ - پ) ۱۳,۴۰۰
۲) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۲) الف) (۲ - ب) (۴,۴۰۰ - پ) ۱۳,۴۰۰
۳) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۳) الف) (۲,۵ - ب) (۴,۴۰۰ - پ) ۱۳,۴۰۰
۴) الف) (۵۰، ۱۶۵ - ب) (۲۱۰، ۱۵۰ - پ) ۱۶۵، ۵۰	۴) الف) (۲,۵ - ب) (۴,۰۴۰ - پ) ۱۳,۳۰۰

۲۶۴- با توجه به تولید کالاهای جدول زیر در مدت یک سال در یک جامعه فرضی و ۵۰ میلیون نفر جمعیت در این جامعه: (سراسری خارج از کشور ۹۱)

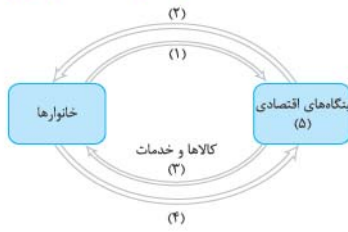
الف) تولید خالص داخلی آن چه قدر است؟	ب) تولید خالص داخلی سرانته این جامعه چیست؟
۱) الف) (۲ - ب) (۴,۰۴۰ - پ) ۱۳,۴۰۰	۱) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰ - پ) ۲۱۸,۵۰۰
۲) الف) (۲,۵ - ب) (۴,۴۰۰ - پ) ۱۳,۴۰۰	۲) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۵۳۰ - پ) ۲۸۱,۵۰۰
۳) الف) (۲,۵ - ب) (۴,۴۰۰ - پ) ۱۳,۴۰۰	۳) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰ - پ) ۲۱۸,۵۰۰
۴) الف) (۲,۵ - ب) (۴,۴۰۰ - پ) ۱۳,۴۰۰	۴) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۵۳۰ - پ) ۲۸۱,۵۰۰

۲۶۵- فرض می‌کنیم که یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای «۲۸ میلیارد ریال» خریداری کرده باشیم. عمر مفید این دستگاه ۷ سال است. در این صورت: (سراسری خارج از کشور ۹۱)

الف) مقدار «هزینه استهلاکی سالانه» کدام است؟	ب) چنانچه در سه سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای، ۱۵ درصد بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع هزینه استهلاک سه سال آخر چه میزان خواهد بود؟
۱) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰ - پ) ۲۱۸,۵۰۰	۱) الف) (۴ - ب) (۱۳,۸۰۰ - پ) ۲۲,۳۰۰
۲) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۵۳۰ - پ) ۲۸۱,۵۰۰	۲) الف) (۴ - ب) (۱۳,۸۰۰ - پ) ۲۲,۳۰۰
۳) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۳۵۰ - پ) ۲۱۸,۵۰۰	۳) الف) (۵ - ب) (۱۸,۳۰۰ - پ) ۳۲,۲۰۰
۴) الف) (۲۶۷,۵۰۰ - ب) ۵۵۳۰ - پ) ۲۸۱,۵۰۰	۴) الف) (۵ - ب) (۱۸,۳۰۰ - پ) ۳۲,۲۰۰

۲۶۶- با توجه به نمودار زیر، که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

(سراسری ۹۲-۹۰- با تغییر)



الف) وجوه پرداختی به «عوامل تولید» چه نام دارد؟

ب) عناوین «عوامل تولید» چیست؟

پ) وجوه پرداختی برای «کالاها و خدمات» مربوط به کدام مسیر است؟

ت) محاسبهٔ تولید کل به روش «درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟

ث) «اشخاص حقوقی» تصویر «اقتصاد جامعه» کدام است؟

۱) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۲ - ث) بنگاه‌های اقتصادی

۲) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۴ - ث) خانوارها

۳) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۴ - ث) بنگاه‌های اقتصادی

۴) الف) مزد، سود، اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۲ - ث) خانوارها

۲۶۷- مندرجات جدول زیر، مربوط به اطلاعات استخراجی از «حساب‌های ملی» کشوری در سال جاری است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم «تولید

خارجیان مقیم کشور» کدام است؟ (توجه: ارقام به «میلیارد ریال» است.)

(سراسری ۹۲-۹۰-)

۱	تولید ناخالص ملی	۲۵۵	۱۰
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۱۵	۱۱
۳	تولید ناخالص داخلی	۲۵۰	۱۲
۴			۱۴

۲۶۸- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام: «پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات» در یک جامعهٔ فرضی ۱۴۵ میلیارد

ریال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۲- با اندکی تغییر)

پ) «تولید خالص داخلی سرانه» کدام است؟

ب) تولید خالص ملی

الف) تولید ناخالص داخلی

(توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

A	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۱۸ میلیارد ریال
C	هزینهٔ استهلاک	$\frac{۳}{۵}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{۲}{۳}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

۲) الف) ۱۵۷ - ب) ۱۷۵ - پ)  $\frac{۳۲۸۸}{۸}$

۱) الف) ۱۵۷ - ب) ۱۵۷ - پ)  $\frac{۲۳۸۲}{۲}$

۴) الف) ۱۷۵ - ب) ۱۷۵ - پ)  $\frac{۳۲۸۸}{۸}$

۳) الف) ۱۷۵ - ب) ۱۵۷ - پ)  $\frac{۲۳۸۲}{۲}$

۲۶۹- در یک جامعهٔ فرضی، چنانچه کشاورزان هر کیلوگرم پنبهٔ تولیدی خود را به ارزش ۴۰۰۰ ریال به «کارگاه‌های ریسندگی» بفروشند، کارگاه

ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۵۰۰۰ ریال به «کارگاه‌های پارچه‌بافی» بفروشند و در کارگاه‌های پارچه‌بافی نخ به

«پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۸۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته شود و در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شود و به مبلغ

۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان برسد، با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری ۹۲- با اندکی تغییر)

الف) «ارزش افزودهٔ مرحلهٔ اول و چهارم» کدام است؟

ب) این روش محاسبه، نام دیگری چیست؟

پ) نام روشی که در آن «کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند» محاسبه می‌شود و همچنین نام روشی که در آن «کل

پولی که از طرف بنگاه‌های اقتصادی به سمت خانوارها جریان می‌یابد» محاسبه می‌شود، به ترتیب کدام است؟

ت) «کارشناسان محاسبهٔ ارزش تولید کل جامعه» برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

۱) الف) ۴۰۰۰، ۸۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش تولید و روش ارزش افزوده - ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و هر کدام که بیشتر بود، آن را

منظور می‌کنند.

۲) الف) ۴۰۰۰، ۸۰۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش هزینه‌ای و روش درآمدی - ت) حداقل دو روش برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب آن‌ها را مقایسه می‌کنند.

۳) الف) ۸۰۰۰، ۴۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش ارزش افزوده و روش تولید - ت) دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.

۴) الف) ۸۰۰۰، ۴۰۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش درآمدی و روش هزینه‌ای - ت) حداقل دو روش برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۷۰- کدام گزینه مبین پاسخ درست و کامل سؤالات زیر است؟

(سراسری قارچ از کشور ۹۲ - با تغییر)

(الف) در چه وضعیتی مصرف‌کنندگان یک کشور مجبور می‌شوند، بخشی از درآمدهای خود را که قبلاً به کالاهای مصرفی داخلی اختصاص می‌یافت، به تولیدکنندگان خارجی بپردازند؟

(ب) عنوان اصطلاح اقتصادی «آن دسته از خط‌مشی‌های دولت که با مالیات گرفتن تحقق می‌یابد» چیست؟

(پ) ارزش پولی کلیه کالاهای و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند، چه نام دارد و نام اصطلاح خارجی آن چیست؟

(ت) بسیاری از دانشمندان اقتصاد در زمینه «سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و آموزش عالی» معتقدند:

(۱) (الف) در صورت فقدان کالاهای مشابه داخلی «ارزان‌تر و مرغوب‌تر» - (ب) سیاست «بازار باز» - (پ) تولید خالص ملی (G.D.P) - (ت) منحصراً باید هزینه‌های تربیت «نیروی انسانی» را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

(۲) (الف) در صورت فقدان یا کمبود «درآمد صادراتی» - (ب) سیاست مالی - (پ) تولید ناخالص ملی (G.N.P) - (ت) نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های «تربیت نیروی انسانی» را به منظور «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

(۳) (الف) در صورت فقدان کالاهای مشابه داخلی «ارزان‌تر و مرغوب‌تر» - (ب) سیاست «بازار باز» - (پ) تولید ناخالص ملی (G.N.P) - (ت) منحصراً باید هزینه‌های تربیت «نیروی انسانی» را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

(۴) (الف) در صورت فقدان یا کمبود «درآمد صادراتی» - (ب) سیاست مالی - (پ) تولید خالص ملی (G.D.P) - (ت) نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های «تربیت نیروی انسانی» را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

۲۷۱- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام «موادغذایی، ماشین‌آلات و پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۸۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری قارچ کشور ۹۲)

(الف) تولید خالص داخلی سرانه (ریال)

(ب) تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)

(پ) تولید خالص ملی (میلیارد ریال) در این جامعه کدام است؟

A	هزینه «استهلاک»	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۸۵ میلیون نفر
D	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
E	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۸۵ میلیارد ریال

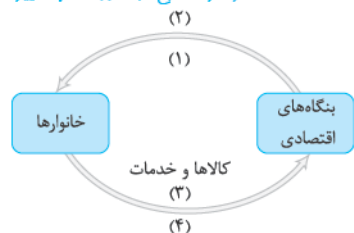
(۱) (الف) ۲،۵۶۴ - (ب) ۲۳۵ - (پ) ۲۴۳

(۳) (الف) ۳،۵۶۴ - (ب) ۲۳۵ - (پ) ۲۵۱

(۲) (الف) ۲،۶۵۴ - (ب) ۲۵۳ - (پ) ۲۱۵

(۴) (الف) ۳،۶۵۴ - (ب) ۲۵۳ - (پ) ۲۵۱

(سراسری قارچ از کشور ۹۲ - با تغییر)



۲۷۲- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

(الف) عنوان روش محاسبه تولید کل جامعه در مسیر ۴ کدام است؟

(ب) محاسبه تولید کل جامعه به «روش درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟

(۱) (الف) روش ارزش افزوده - (ب) مسیر ۳

(۲) (الف) روش ارزش افزوده - (ب) مسیر ۲

(۳) (الف) روش هزینه‌ای - (ب) مسیر ۳

(۴) (الف) روش هزینه‌ای - (ب) مسیر ۲

۲۷۳- فرض کنیم کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۴،۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۶،۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۸،۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل شده و به مبلغ ۱۷،۰۰۰ ریال به دست «مصرف‌کنندگان» می‌رسد.

(سراسری قارچ از کشور ۹۲)

(الف) ارزش افزوده «مرحله اول و سوم» به ترتیب از راست به چپ کدام است؟

(ب) نام دیگر این روش محاسبه «ارزش کل کالا و خدمات نهایی» چیست؟

(پ) محاسبه «کل پولی» که از طرف بنگاه‌ها به سمت «خانوارها» جریان می‌یابد و همچنین، محاسبه مجموع «مزد، اجاره و سود» که در سطح جامعه بر اثر فعالیت‌های تولیدی جامعه ایجاد شده است، مربوط به کدام روش‌های محاسبه «تولید کل» جامعه می‌باشد؟

(ت) برای این که در محاسبه اشتباه نشود، کارشناسان هنگام محاسبه ارزش کل کالا و خدمات نهایی چگونه عمل می‌کنند؟

(۱) (الف) ۲،۵۰۰، ۴۵۰۰ - (ب) روش تولید - (پ) روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای - (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

(۲) (الف) ۲،۵۰۰، ۴۵۰۰ - (ب) روش هزینه‌ای - (پ) روش هزینه‌ای، روش درآمدی - (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

(۳) (الف) ۴،۵۰۰، ۲۵۰۰ - (ب) روش تولید - (پ) روش درآمدی، روش درآمدی - (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

(۴) (الف) ۴،۵۰۰، ۲۵۰۰ - (ب) روش هزینه‌ای - (پ) روش درآمدی، روش هزینه‌ای - (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۷۴- یک دستگاه «کالای سرمایه‌ای» را به بهای ۱۸۰ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم. چنان‌چه عمر مفید آن ۱۴ سال باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

- الف) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟  
 ب) چنان‌چه در چهار سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۰٪ کاهش بها یافته باشد، مجموع «هزینه‌های استهلاک» ۴ سال آخر آن، چه میزان خواهد بود؟  
 پ) قیمت جدید این «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟  
 توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.

- الف (۱) (الف - ۷۰ - ب) ۲۲۵ - پ) ۸۸۲  
 الف (۲) (الف - ۷۰ - ب) ۲۵۲ - پ) ۸۸۲  
 الف (۳) (الف - ۷۳ / ۵ - ب) ۲۲۵ - پ) ۸۲۸  
 الف (۴) (الف - ۷۳ / ۵ - ب) ۲۵۲ - پ) ۸۲۸

۲۷۵- به فرض چنان‌چه یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۸۴۰ میلیارد خریدیده باشیم و عمر مفید آن ۱۲ سال بوده باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

- الف) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟  
 ب) چنان‌چه در سه سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۲٪ بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» سه سال آخر آن چه میزان خواهد بود؟  
 پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟  
 توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.

- الف (۱) (الف - ۷۲ / ۵ - ب) ۲۳۲,۵۰۰ - پ) ۹۴۰,۸۰۰  
 الف (۲) (الف - ۷۲ / ۵ - ب) ۲۳۵,۲۰۰ - پ) ۹۸۰,۴۰۰  
 الف (۳) (الف - ۷۰ - ب) ۲۳۲,۲۰۰ - پ) ۹۸۰,۴۰۰  
 الف (۴) (الف - ۷۰ - ب) ۲۳۵,۵۰۰ - پ) ۹۴۰,۸۰۰

۲۷۶- پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام گزینه مطرح شده است؟ (سراسری ۹۳)

- الف) ..... نشان‌دهنده «قدرت اقتصادی و مادی» و هم‌چنین «سطح زندگی» مردم یک جامعه است.  
 ب) آن‌چه که دربرگیرنده ارقام مختلف «درآمدی» است و در طول یک سال نصیب اعضای جامعه می‌شود، چه نام دارد؟ دو نمونه شاخص از آن کدام است؟  
 پ) کالاهایی را که «تولیدکنندگان» تولید و به بازار، عرضه می‌کنند یا «مصرف‌کنندگان» می‌خرند و به مصرف می‌رسانند ..... می‌گویند. کالاهایی را که «تولیدکنندگان» آن‌ها را خریداری می‌کنند و برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند ..... می‌نامند.  
 ت) چنان‌چه هدف محاسبه ..... باشد باید ارزش همه خدمات و کالاهایی که مردم یک کشور در طول یک سال چه در داخل و چه خارج از کشور تولید کرده‌اند محاسبه شود.  
 ث) از «کل تولید جامعه» در طول یک سال باید قسمتی را به «هزینه‌های جایگزینی» سرمایه‌های فرسوده شده اختصاص دهیم در «اصطلاح اقتصادی» به آن، چه می‌گویند؟  
 ج) در کدام یک از روش‌های «محاسبه تولید کل جامعه» ارزش افزوده هر مرحله از تولید را با هم جمع می‌کنند و این رقم برابر با «ارزش نهایی محصول تولیدشده» است؟

- الف) میزان تولید کالا و خدمات - ب) درآمد ملی، درآمد حقوق‌بگیران، درآمد صاحبان مشاغل آزاد - پ) نهایی، واسطه‌ای - ت) تولید ملی - ث) هزینه استهلاکی - ج) روش تولید  
 الف) تفوق صادرات بر واردات - ب) تولید ناخالص ملی، درآمد صاحبان سرمایه، سودی که به «سرمایه» تعلق می‌گیرد - پ) واسطه‌ای، نهایی - ت) تولید داخلی - ث) هزینه نهایی - ج) روش هزینه‌ای  
 الف) غنا و فراوانی منابع طبیعی و اقتصادی - ب) تولید ناخالص داخلی، اجاره‌بها یا مال‌الاجاره، درآمد صاحبان املاک و مستغلات - پ) سرمایه‌ای، واسطه‌ای - ت) تولید ناخالص داخلی - ث) هزینه ثابت - ج) روش «درآمدی»  
 الف) استفاده از تکنولوژی مدرن در تمام بخش‌های اقتصادی - ب) درآمد سرانه، دستمزدها، سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود - پ) تکمیلی، واسطه‌ای - ت) تولید سرانه ملی - ث) هزینه متغیر - ج) روش استفاده از «سال پایه و قیمت ثابت»

۲۷۷- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنان‌چه مجموع ارزش اقلام «ماشین‌آلات، پوشاک و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی، ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری خارج از کشور ۹۳)

- الف) تولید خالص ملی (میلیارد ریال)  
 ب) تولید «خالص داخلی سرانه» (ریال)  
 پ) تولید «ناخالص داخلی» (میلیارد ریال) کدام است؟

A	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۶۵ میلیارد ریال
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۱۵ میلیارد ریال
C	خدمات ارائه شده	$\frac{۳}{۵}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
D	هزینه استهلاک	$\frac{۲}{۳}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	جمعیت کل کشور	۶۵ میلیون نفر

- الف (۱) (الف - ۲۹۵ - ب) ۳,۲۱۵ - پ) ۲۱۹  
 الف (۲) (الف - ۲۵۹ - ب) ۳,۲۱۵ - پ) ۲۱۹  
 الف (۳) (الف - ۲۵۹ - ب) ۴,۲۱۵ - پ) ۲۹۱  
 الف (۴) (الف - ۲۹۵ - ب) ۴,۲۱۵ - پ) ۲۹۱



۲۷۸- پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام گزینه است؟

(سراسری قارچ از کشور ۹۳)

الف) شاخه‌ای از ..... است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت اقتصادی در «سطح ملی» می‌پردازد؛ مثلاً میزان تولید «کالاها و خدمات» را در جامعه بررسی می‌کند.

ب) دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد. خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند.

پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی نظیر «قاچاق»؛

ت) با ..... روش می‌توان «ارزش کل تولیدات جامعه» را محاسبه کرد. در ..... کل پولی که از طرف «خانوارها» به سمت «بنگاه‌ها» جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود. این مقدار پول، نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند؛ زیرا در مقابل خرید این «کالاها و خدمات از بنگاه‌ها» مبالغی به آن‌ها پرداخت شده است.

ث) چه «ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی» یک محصول را محاسبه کنیم و چه مقدار ارزش افزوده در هر مرحله تولید را با هم جمع کنیم:

ج) اگر جامعه‌ای دچار «تورم» باشد، مقدار «تولید کل محاسبه‌شده» هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد در حالی که این رقم بزرگ:

۱) (الف) حسابداری ملی، مطالعات اقتصادی - ب) تولید داخلی - پ) جزء «تولید کشور» محسوب نمی‌شود - ت) سه، روش هزینه‌ای - ث) به جوابی واحد می‌رسیم - ج) به معنای «افزایش تولید» نیست.

۲) (الف) مالیه عمومی، علوم اجتماعی - ب) تولید ملی - پ) در صورت کشف و ضبط، جزء «تولید کشور» تلقی می‌شود - ت) دو، روش تولیدی - ث) از یک روش استفاده کرده‌ایم - ج) نشان‌دهنده هم «افزایش قیمت» هم «افزایش تولید» است.

۳) (الف) بودجه عمومی، علم مدیریت - ب) تولید خالص داخلی - پ) جزء «تولید کشور» محسوب می‌شود. - ت) چهار، روش درآمدی - ث) در واقع از دو روش «تولید و ارزش افزوده» استفاده کرده‌ایم - ج) در اصل حاصل ضرب مقدار کالای تولیدشده در قیمت واحد از آن کالا است.

۴) (الف) درآمد ملی، علم اقتصاد - ب) تولید ناخالص ملی - پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء تولید «ناخالص داخلی» تلقی می‌شود. - ت) پنج، روش ارزش افزوده - ث) به دو جواب مختلف می‌رسیم - ج) را می‌توان با توجه به ارقام اعلام‌شده حتماً به حساب «افزایش تولید کل کشور» گذاشت.

۲۷۹- مندرجات جدول روبه‌رو، مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی سال گذشته یک کشور فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند، کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

۱) ۱۵	۲) ۲۰
۳) ۳۰	۴) ۳۵

۲۸۰- به فرض چنانچه کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۳,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند، «کارگاه‌های ریسندگی» این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۵,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۷,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به «پوشاک» تبدیل می‌شود و به مبلغ ۱۴,۰۰۰ ریال به دست «مصرف‌کنندگان» می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری قارچ از کشور ۹۳)

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» کدام است؟

ب) عنوان دیگر این روش محاسبه «ارزش کل کالاها و خدمات» چیست؟

پ) محاسبه آن مقدار پول که نشان‌دهنده «ارزش کل کالاها و خدماتی» است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند و همچنین محاسبه «کل پولی» که از طرف خانوارها به سمت «بنگاه‌های اقتصادی» جریان پیدا می‌کند، مربوط به کدام روش‌های محاسبه «تولید کل جامعه» است؟

ت) برای اجتناب از اشتباه در محاسبه «ارزش کل کالاها و خدمات نهایی» از دید کارشناسان اقتصادی، توسل به چه اقدامی ضروری است؟

۱) (الف) ۶,۵۰۰، ۲,۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش درآمدی، روش هزینه‌ای - ت) از دو روش «درآمدی» و «روش تولید» توأم استفاده می‌کنند.

۲) (الف) ۲,۰۰۰، ۶,۵۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش هزینه‌ای، روش درآمدی - ت) از دو روش «ارزش افزوده و هزینه‌ای» توأم استفاده می‌کنند.

۳) (الف) ۲,۰۰۰، ۶,۵۰۰ - ب) روش هزینه‌ای، روش درآمدی، روش درآمدی - ت) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۴) (الف) ۲,۰۰۰، ۶,۵۰۰ - ب) روش ارزش افزوده - پ) روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای - ت) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۸۱- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

A	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۳۰ میلیارد ریال
B	جمعیت کل کشور	۱۱۰ میلیون نفر
C	هزینه «استهلاک»	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۵ میلیارد ریال
E	ارزش «خدمات ارائه‌شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

(سراسری ۹۴)

۲۸۲- جدول زیر دربردارندهٔ «اقدام درآمدی» است که در طول یک سال نصیب یک جامعهٔ فرضی شده است. با توجه به مندرجات جدول: (سراسری ۹۴)

ردیف	اقدام درآمدی	ارزش
۱	درآمد «صاحبان سرمایه»	۹۸۶ میلیارد ریال
۲	درآمد «حقوق‌بگیران»	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۳	درآمد «صاحبان مشاغل آزاد»	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود «شرکت‌ها و مؤسسات»	۸۹۴ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{1}{6}$ سود «شرکت‌ها و مؤسسات»
۷	درآمد «صاحبان املاک و مستغلات»	۷۸۷ میلیارد ریال

الف) «درآمد ملی» این جامعه چه قدر است؟  
 ب) «معنا و مفهوم سرانه» چیست؟  
 پ) کدام ردیف جدول قیمت خدمات سرمایه و کدام «اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره» است؟  
 ت) «درآمد سرانه»ی این جامعه کدام است؟  
 (قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۲ و ۶، به تفکیک محاسبه شده است.)

- (الف) ۴۱۵۹ - ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد یا تولید» آن جامعه - پ) ردیف ۱ و ۲ - ت) ۹۲ / ۴۲  
 (الف) ۴۱۵۹ - ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد» آن جامعه - پ) ردیف ۱ و ۲ - ت) ۹۴ / ۲۲  
 (الف) ۴۵۱۹ - ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید یا درآمد» آن جامعه - پ) ردیف ۱ و ۲ - ت) ۹۴ / ۲۲  
 (الف) ۴۵۱۹ - ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید» آن جامعه - پ) ردیف ۱ و ۲ - ت) ۹۴ / ۲۲

(سراسری ۹۴)

۲۸۳- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب: «از راست به چپ»:

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۲		A
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
	۱۵۰	۴۰۰	۷۵	۴۰۰	A
	۶۰	۴۰۰	۷۰۰	۱۲۰	B

الف) «تولید کل» به قیمت «جاری» در سال ۱۳۹۲ (ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۲، کدام است؟

- (الف) ۱۱۴,۰۰۰ - ب) ۶۵,۴۰۰  
 (الف) ۱۱۴,۰۰۰ - ب) ۶۴,۵۰۰  
 (الف) ۱۴۱,۰۰۰ - ب) ۶۴,۵۰۰  
 (الف) ۱۴۱,۰۰۰ - ب) ۶۵,۴۰۰

(سراسری ۹۴)

۲۸۴- با توجه به مندرجات جدول زیر، با فرض این که عمر مفید ماشین‌آلات بیست سال باشد، در این صورت:

ردیف	شرح	میزان درآمدزایی «سالانه»
۱	خرید ماشین‌آلات	۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی «سالانه»	۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال

الف) میزان «هزینهٔ استهلاک» چند ریال است؟  
 ب) مقدار «درآمد خالص سالانه» این بنگاه اقتصادی چه قدر است؟

- (الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۳۲,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۳۲,۰۰۰,۰۰۰

۲۸۵- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات» در یک جامعهٔ فرضی ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری قارج از کشور ۹۴)

ردیف	شرح	ارزش
A	ارزش «خدمات ارائه شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
B	هزینهٔ «استهلاک»	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
D	ارزش «تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند»	۴۵ میلیارد ریال
E	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۲۵ میلیارد ریال

الف) تولید «ناخالص داخلی»  
 ب) تولید «خالص ملی»

پ) تولید خالص «داخلی سرانه» کدام است؟  
 (توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

- (الف) ۲۲۰ - ب) ۲۰۵ - پ) ۴ / ۷  
 (الف) ۲۰۵ - ب) ۲۰۰ - پ) ۳ / ۷  
 (الف) ۲۰۰ - ب) ۲۰۵ - پ) ۳ / ۷  
 (الف) ۱۱۰ - ب) ۲۰۰ - پ) ۴ / ۷

(سراسری قارج از کشور ۹۴)

۲۸۶- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب از راست به چپ:

کالا	سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۹۰		A
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
	۱۰۰	۱۵۰	۲۵	۱۵۰	A
	۲۰	۱۵۰	۳۰۰	۵۰	B

الف) تولید کل به قیمت‌های «جاری» در سال ۱۳۹۰ (ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۰، کدام است؟

- (الف) ۱۸,۷۵۰ - ب) ۸,۵۰۰  
 (الف) ۱۸,۷۵۰ - ب) ۸,۵۰۰  
 (الف) ۱۷,۸۵۰ - ب) ۸,۵۰۰  
 (الف) ۱۷,۸۵۰ - ب) ۸,۵۰۰

ردیف	شرح	میزان درآمدزایی «سالانه»
۱	خرید ماشین‌آلات	۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی «سالانه»	۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۲۸۷- با توجه به مندرجات جدول مقابل، با فرض این که عمر مفید ماشین‌آلات، «پانزده سال» باشد، در این صورت:

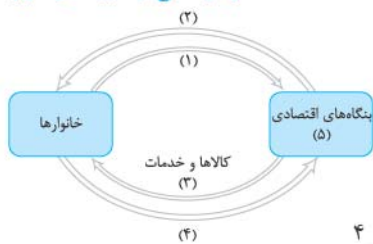
(سراسری قارج از کشور ۹۴)

الف) میزان «هزینهٔ استهلاک» چند ریال است؟  
 ب) مقدار درآمد «خالص سالانه» این بنگاه اقتصادی چند ریال است؟

- (الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 (الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰

۲۸۸- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از «اقتصاد یک جامعه» را نشان می‌دهد:

(سراسری) خارج از کشور ۹۴ - با تغییر



الف) محاسبه «تولید کل» به روش «درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟  
 ب) وجوه پرداختی به «عوامل تولید» چه نام دارد؟  
 پ) عناوین عوامل تولید چیست؟

ت) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به کدام مسیر است؟

- ۱) الف) مسیر ۴ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی - ت) مسیر ۱  
 ۲) الف) مسیر ۴ - ب) مزد، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - ت) مسیر ۴  
 ۳) الف) مسیر ۲ - ب) مزد، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی - ت) مسیر ۴  
 ۴) الف) مسیر ۲ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - ت) مسیر ۱

۲۸۹- با توجه به مندرجات جدول روبه‌رو، با فرض این که عمر مفید ماشین‌آلات،

(سراسری) خارج از کشور ۹۴

پانزده سال باشد، در این صورت:

الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟

ب) مقدار درآمد «خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی، چند ریال است؟

۱	خرید ماشین‌آلات	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان «درآمدزایی» سالیانه	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

- ۱) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 ۲) الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰  
 ۳) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰  
 ۴) الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ - ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰

۲۹۰- میزان «تولید کل» در یک جامعه فرضی در طی سه سال پیاپی به ترتیب: ۲,۰۰۰، ۲,۲۱۰ و ۲,۵۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه» میزان تولید کل کشور مذکور در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول یعنی «سال پایه» به ترتیب به: ۲,۰۰۰،

(سراسری) ۹۵

۲,۱۴۰ و ۲,۲۸۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

الف) افزایش «قیمت‌ها» «تورم» در سال دوم

ب) افزایش «مقدار تولید» در سال سوم

در این جامعه کدام است؟

- ۱) الف) ۷۰ - ب) ۲۸۰  
 ۲) الف) ۸۰ - ب) ۲۷۰  
 ۳) الف) ۲۸۰ - ب) ۷۰  
 ۴) الف) ۲۷۰ - ب) ۸۰

۲۹۱- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «ماشین‌آلات و مواد غذایی و پوشاک» در یک جامعه فرضی، ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت: الف) تولید خالص «ملی» ب) تولید خالص داخلی «سرانه» پ) تولید «ناخالص داخلی» در این «جامعه»، کدام است؟ (سراسری) ۹۵

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاک	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

- ۱) الف) ۱۷۶ - ب) ۵ - پ) ۲۰۶  
 ۲) الف) ۱۷۵ - ب) ۴ - پ) ۲۰۶  
 ۳) الف) ۱۷۶ - ب) ۵ - پ) ۲۰۵  
 ۴) الف) ۱۷۵ - ب) ۴ - پ) ۲۰۵

۲۹۲- در یک جامعه فرضی، چنان چه کشاورزان یک کیلوگرم نپنه تولیدی خود را به ارزش: ۶,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند، کارگاه‌های «ریسندگی» نیز این مقدار نپنه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» بفروشند و در کارگاه‌های «پارچه‌بافی» نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۱۱,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته شود و در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شده و به مبلغ ۱۹,۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان برسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری) ۹۵

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» چیست؟

ب) عنوان دیگر این روش محاسبه «تولید کل» کدام است؟

پ) نام روشی که در آن «کل پولی» که از طرف «بنگاه‌ها» به طرف خانوارها، جریان می‌یابد و همچنین «کل پولی» که از طرف «خانوارها» به سمت «بنگاه‌ها» روانه می‌شود، به ترتیب، کدام است؟

ت) اقتصاددانان چه روشی را جهت اجتناب از اشتباه در محاسبه «تولید کل» جامعه، ارائه می‌کنند؟

- ۱) الف) ۸,۰۰۰ - ب) ۱,۰۰۰ - پ) روش درآمدی - ت) روش تولید - روش درآمدی (ت) دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌کنند.  
 ۲) الف) ۱,۰۰۰ - ب) ۸,۰۰۰ - پ) روش «تولید» - ت) روش درآمدی - روش هزینه‌ای (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.  
 ۳) الف) ۳,۵۰۰ - ب) ۶,۵۰۰ - پ) روش هزینه‌ای - ت) روش درآمدی - روش تولید (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.  
 ۴) الف) ۶,۵۰۰ - ب) ۳,۵۰۰ - پ) روش تولید - ت) روش هزینه‌ای - روش درآمدی (ت) هر سه روش مورد استفاده قرار می‌گیرد هر کدام بیشتر بود، آن منظور می‌شود.

۲۹۲- در یک جامعه فرضی یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۸۵ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم و عمر مفید آن، ۵ سال است. در این صورت، به ترتیب از راست به چپ:

(سراسری ۹۵)

الف) چنانچه در دو سال آخر عمر مفید، این کالای سرمایه‌ای، ۷ درصد افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» دو سال آخر، چه مقدار خواهد بود؟  
ب) قیمت جدید «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟

پ) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار بگذاریم؟ (توجه: ارقام به «میلیون و میلیارد ریال» است.)

۱) الف) ۳۸,۳۶۰ (ب) ۹۰,۹۵۰ (پ) ۱۸

۲) الف) ۳۶,۳۸۰ (ب) ۹۰,۵۹۰ (پ) ۱۷

۲۹۴- به فرض چنانچه یک دستگاه «کالای سرمایه‌ای» را به قیمت ۹۹ میلیارد ریال خریده باشیم و عمر مفید آن، ۱۱ سال باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

(سراسری خارج از کشور ۹۵)

الف) هر سال چه مقدار باید به عنوان «هزینه استهلاکی» کنار گذاشته شود؟

ب) چنانچه در چهار سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای، ۹٪ افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» چهار سال آخر چه میزان خواهد بود؟  
پ) قیمت جدید این «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟ (توجه: ارقام به «میلیون و میلیارد ریال» است.)

۱) الف) ۳۹,۲۴۰ (ب) ۱۰۷,۹۱۰ (پ) ۹

۲) الف) ۳۹,۴۲۰ (ب) ۱۰۷,۹۱۰ (پ) ۸

۲۹۵- با توجه به مندرجات جدول زیر، هم‌چنین اگر مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی» یک جامعه فرضی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: الف) تولید «خالص داخلی سرانه» ب) تولید «خالص ملی» پ) تولید «ناخالص داخلی» در این جامعه، کدام است؟ (سراسری خارج از کشور ۹۵)

A	خدمات ارائه شده	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه «استهلاک»	۱۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال
D	تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۱/۵ برابر «هزینه استهلاک»
E	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

۱) الف) ۳/۱۴ (ب) ۱۵۷ (پ) ۱۹۵

۲) الف) ۳/۱۴ (ب) ۱۸۱ (پ) ۱۷۱

۲۹۶- در یک جامعه فرضی «میزان تولید کل» در طی سال‌های متوالی به ترتیب: سال اول: ۳۵۰۰، سال دوم: ۳۷۰۰ و در سال سوم: ۳۹۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است. با انتخاب سال اول به عنوان سال «پایه» میزان تولید کل در این جامعه در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول یعنی «سال پایه» به ترتیب به: ۳,۵۰۰، ۳,۶۰۰ و ۳,۴۵۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات:

(سراسری خارج از کشور ۹۵)

الف) افزایش «مقدار تولید» در سال دوم

ب) افزایش قیمت‌ها «تورم» در سال سوم

در این جامعه کدام است؟

۱) الف) ۱۰۰ (ب) ۵۰۰

۲) الف) ۲۲۰ (ب) ۴۳۰

۳) الف) ۴۳۰ (ب) ۲۲۰

۲۹۷- فرض کنیم، کشاورزان هر یک کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۵,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های «ریسندگی» هم این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی بفروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به ارزش ۹,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شده و به ارزش ۱۳,۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری خارج از کشور ۹۵)

الف) ارزش افزوده «مرحله اول و چهارم» چیست؟

ب) این روش محاسبه «تولید کل» چه عنوان دیگری دارد؟

پ) روشی را که در آن «کل پولی» که از طرف «خانوارها» به «بنگاه‌ها» جریان می‌یابد و هم‌چنین روشی که در آن مقدار پول نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند، به ترتیب کدام است؟

ت) از نظر کارشناسان اقتصادی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه «تولید کل جامعه» توسل به چه اقدامی ضروری است؟

۱) الف) ۲,۵۰۰ - ۲,۵۰۰ (ب) روش درآمدی - روش درآمدی - روش درآمدی (ت) دو روش به کار می‌گیرند و میانگین این دو را می‌پذیرند.

۲) الف) ۲,۵۰۰ - ۲,۵۰۰ (ب) روش تولید - روش هزینه‌ای - روش تولید (ت) هر سه روش به کار گرفته می‌شود و میانگین آن‌ها به عنوان پاسخ قطعی مورد قبول قرار می‌گیرد.

۳) الف) ۳,۵۰۰ - ۵,۰۰۰ (ب) روش هزینه‌ای - روش تولید - روش درآمدی (ت) هر سه روش را استفاده می‌کنند و هر کدام بیشتر بود آن را منظور می‌دارند.

۴) الف) ۳,۵۰۰ - ۵,۰۰۰ (ب) روش تولید - روش هزینه‌ای - روش هزینه‌ای (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۹۸- میزان تولید کل کشوری در طی سه سال پیاپی به ترتیب، سال اول: ۳۰۰۰، سال دوم: ۴۲۵۰ و سال سوم: ۶۷۴۰ هزار میلیارد ریال شده است. با انتخاب سال اول به عنوان: سال پایه میزان تولید در این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال پایه به: ۳۰۰۰، ۳۸۶۰ و ۶۳۲۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب، از راست به چپ:

الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سال سوم چیست؟

پ) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم این جامعه است؟

(۱) الف) ۸۶۰ - ۳۳۲۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰

(۲) الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰

(۳) الف) ۸۶۰ - ۳۳۲۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰

۲۹۹- جدول زیر، مشتمل بر اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات این جدول: (سراسری ۹۶)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۶۵۶ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{2}{6}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵
۴	درآمد صاحبان سرمایه	۶۹۶ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵
۶	دستمزدها	۴۶۶ میلیارد ریال
۷	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا مال‌الاجاره است؟

ب) درآمد ملی این جامعه، چه قدر است؟

پ) درآمد سرانه آن کدام است؟

ت) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۲ و ۳ به تفکیک منظور شده است.

(۱) الف) ردیف ۱ و ردیف ۴ (ب) ۳۰۴۳ (پ) ۶۰/۶۸ (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد جامعه

(۲) الف) ردیف ۱ و ردیف ۴ (ب) ۲۰۳۴ (پ) ۶۰/۶۸ (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه

(۳) الف) ردیف ۴ و ردیف ۱ (ب) ۲۰۴۳ (پ) ۶۰/۸۶ (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید و درآمد آن جامعه

(۴) الف) ردیف ۴ و ردیف ۱ (ب) ۳۰۴۳ (پ) ۶۰/۸۶ (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

(سراسری ۹۶ - با تغییر)

۳۰۰- با توجه به نمودار روبه‌رو که تصویری از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

الف) عنوان روش محاسبه تولید کل جامعه مربوط به مسیر ۴، کدام است؟

ب) محاسبه تولید کل جامعه به روش درآمدی، مربوط به کدام مسیر است؟

پ) دو مربع A و B به ترتیب جایگاه کدام دو عضو این تصویرند و به لحاظ قانونی عناوین آن‌ها چیست؟

(۱) الف) روش هزینه‌ای (ب) مسیر ۱ - پ) خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی

(۲) الف) روش ارزش افزوده (ب) مسیر ۲ - پ) بنگاه‌های اقتصادی و خانواده‌ها

(۳) الف) روش هزینه‌ای (ب) مسیر ۲ - پ) بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها

(۴) الف) روش ارزش افزوده (ب) مسیر ۱ - پ) خانواده‌ها و بنگاه‌های اقتصادی

۳۰۱- پاسخ درست و کامل سه سؤال زیر در کدام گزینه مطرح شده است؟

الف) شاخه‌ای از ..... است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. مثلاً میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه بررسی می‌کند.

ب) ..... دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد، خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند.

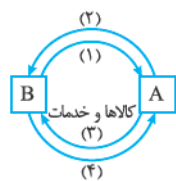
پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی، نظیر قاچاق:

(۱) الف) درآمد ملی - علم اقتصاد (ب) تولید ناخالص ملی (پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء تولید ناخالص داخلی تلقی می‌شود.

(۲) الف) مالیه عمومی - علوم اجتماعی (ب) تولید ملی (پ) در صورت کشف و ضبط جزء تولید کشور تلقی می‌شود.

(۳) الف) بودجه عمومی - علم مدیریت (ب) تولید خالص داخلی (پ) جزء تولید کشور محسوب می‌شود.

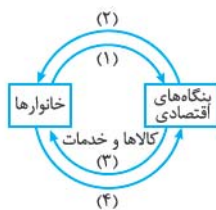
(۴) الف) حسابداری - مطالعات اقتصادی (ب) تولید داخلی (پ) جزء تولید کشور محسوب نمی‌شود.



(سراسری خارج از کشور ۹۶)

۳۰۲- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

(سراسری فارغ از کشور ۹۶)



الف) وجوه پرداختی به عوامل تولید چه نام دارد؟

ب) عناوین عوامل تولید چیست؟

پ) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به کدام مسیر است؟

ت) کدام مسیر بیانگر روش محاسبه تولید کل به روش «درآمدی» است؟

۱) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۲

۲) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۱

۳) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۲

۴) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۱

۳۰۳- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، الف) استهلاك سرمایه ثابت ب) تولید ناخالص داخلی پ) تولید خالص داخلی ت) تولید خالص داخلی

(سراسری فارغ از کشور ۹۶)

سرانه، چه قدر است؟

۱	استهلاك سرمایه ثابت به ارزش	تولید ناخالص داخلی (G.D.P)
۲	تولید ۳۰ دستگاه ماشین‌آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیون ریال
۳	ارزش مواد غذایی	۶۰٪ ارزش تولیدات در بخش صنعت
۴	ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیون ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسیله بخش خصوصی	۵۰٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۶	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

۱) الف) ۳۴۸ - ب) (۱۲۵) - پ) (۷۶۸) - ت) ۳۸ / ۴

۲) الف) ۳۴۸ - ب) (۱۲۵) - پ) (۸۶۷) - ت) ۳۴ / ۸

۳) الف) ۳۸۴ - ب) (۱۱۵۲) - پ) (۷۶۸) - ت) ۳۸ / ۴

۴) الف) ۳۸۴ - ب) (۱۱۵۲) - پ) (۸۶۷) - ت) ۳۴ / ۳

۳۰۴- جدول روبه‌رو مبین ارقام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل این جامعه ۷۵

(سراسری فارغ از کشور ۹۶)

میلیون نفر می‌باشد. در این صورت:

ردیف	ارقام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{4}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰ ریال
۴	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد صاحبان سرمایه	۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ ریال
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ ریال

الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره است؟

ب) میزان درآمد ملی این جامعه، کدام است؟

پ) درآمد سرانه آن چه قدر است؟

ت) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

۱) الف) ردیف ۲ و ردیف ۵ - ب) (۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰) - پ) (۲۹ / ۸۶) - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۲) الف) ردیف ۲ و ردیف ۵ - ب) (۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰) - پ) (۲۸ / ۹۶) - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۳) الف) ردیف ۵ و ردیف ۲ - ب) (۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰) - پ) (۲۸ / ۹۶) - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

۴) الف) ردیف ۵ و ردیف ۲ - ب) (۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰) - پ) (۲۹ / ۸۶) - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه

۳۰۵- میزان تولید کل کشوری در سه سال پیاپی به ترتیب، سال اول: ۱,۵۰۰، سال دوم: ۱,۷۰۰ و سال سوم: ۱,۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان سال پایه میزان تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال پایه به ترتیب به: ۱,۵۰۰، ۱,۶۵۰ و ۱,۷۱۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

(سراسری قارچ از کشور ۹۶)

الف) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

پ) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

- (۱) الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ (پ) ۱۶۵ - ۵۰  
 (۲) الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ (پ) ۱۶۵ - ۵۰  
 (۳) الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ (پ) ۱۶۵ - ۵۰  
 (۴) الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ (پ) ۱۶۵ - ۵۰

(سراسری ۹۸)

۳۰۶- کدام گزینه دربردارنده پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر است؟

الف) کدام سطح از سطوح چهارگانه آمارهای اقتصادی، خرد محسوب می‌شود؟

ب) به کدام دلیل، در حسابداری ملی، ارزش کالاهای واسطه‌ای به صورت مستقل محاسبه نمی‌شود؟

پ) همه فعالیت‌های تولیدی در محاسبه تولید کل جامعه مورد سنجش قرار می‌گیرد، به جز:

- (۱) الف) روستایی، شهری و منطقه‌ای - ب) ارزش آن‌ها در واقع همراه با کالاهای نهایی مورد سنجش و محاسبه قرار می‌گیرد. - پ) فعالیت تولیدی زنان در مزارع و کشتزارها  
 (۲) الف) شهری، منطقه‌ای و کلان - ب) جزئی از کالاهای مصرفی هستند و ارزش آن‌ها در جریان تولید محاسبه می‌شود. - پ) فعالیت تولیدی زنان در خانه و تربیت فرزندان  
 (۳) الف) خانوار یا نگاه‌های تولیدی و خدماتی - ب) جزئی از کالاهای سرمایه‌ای هستند و ارزش آن‌ها در فرایند تولید منظور می‌شود. - پ) کاشت میوه و سبزیجات گلخانه‌ای  
 (۴) الف) خانوار یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی - ب) ارزش آن‌ها در درون کالاهای نهایی است و به صورت بخشی از کالاهای نهایی محسوب می‌شود. - پ) کاشت سبزیجات در منزل برای مصرف خانگی

۳۰۷- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه ارزش مجموع اقلام: ماشین‌آلات، مواد غذایی و پوشاک در یک جامعه فرضی، ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۸)

الف) تولید خالص ملی

ب) تولید خالص داخلی سرانه

پ) تولید ناخالص داخلی در این جامعه، کدام است؟

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاك	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم که در خارج اقامت دارند
D	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۴۵ میلیارد ریال

- (۱) الف) ۱۷۵ (ب) ۴ (پ) ۲۰۵ (۲) الف) ۱۷۵ (ب) ۴ (پ) ۲۰۶ (۳) الف) ۱۷۶ (ب) ۵ (پ) ۲۰۵ (۴) الف) ۱۷۶ (ب) ۵ (پ) ۲۰۶

۳۰۸- مندرجات جدول زیر مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی کشوری فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید خارجیان مقیم کشور، کدام است؟

(سراسری ۹۸)

۱	تولید ناخالص ملی	۲۵۵ هزار میلیارد ریال	۱۰ (۱)
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۱۵ هزار میلیارد ریال	۱۱ (۲)
۳	تولید ناخالص داخلی	۲۵۰ هزار میلیارد ریال	۱۲ (۳)
			۱۴ (۴)

(سراسری ۹۸)

۳۰۹- با توجه به اطلاعات جدول روبه‌رو، با فرض این که عمر مفید ماشین‌آلات ۲۵ سال باشد، در این صورت:

الف) میزان هزینه استهلاك

ب) مقدار درآمد خالص سالیانه این بنگاه اقتصادی، کدام است؟

۱	خرید ماشین‌آلات	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی سالیانه	۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
(۱) الف)		۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال - ب) ۸۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
(۲) الف)		۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال - ب) ۶۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال
(۳) الف)		۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال - ب) ۸۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
(۴) الف)		۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال - ب) ۶۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۳۱۰- جدول روبه‌رو، دربردارندهٔ اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب یک جامعهٔ فرضی شده است. با توجه به مندرجات این جدول:

(سراسری ۹۸)

(الف) درآمد ملی این جامعه، چه قدر است؟

(ب) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

(پ) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره است؟

(ت) درآمد سرانهٔ این جامعه، کدام است؟

توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۲ و ۶ به تفکیک محاسبه شده است.

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۴۹۳ میلیارد ریال
۲	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۷
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۵
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۴۴۷ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{2}{3}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۷	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۹۳ میلیارد ریال

(الف)  $2303$  - (ب) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید و درآمد آن جامعه - (پ) ردیف ۷ و ردیف ۱ - (ت)  $51/15$

(الف)  $2302$  - (ب) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد و تولید آن جامعه - (پ) ردیف ۱ و ردیف ۷ - (ت)  $51/15$

(الف)  $2303$  - (ب) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد آن جامعه - (پ) ردیف ۱ و ردیف ۷ - (ت)  $15/51$

(الف)  $2302$  - (ب) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید آن جامعه - (پ) ردیف ۷ و ردیف ۱ - (ت)  $15/51$

۳۱۱- با توجه به اطلاعات ارائه‌شده در جدول زیر، نتیجهٔ عملکرد سالیانهٔ یک بنگاه اقتصادی با ۱۵ نفر کارمند و تولید سالیانهٔ ۲۲۰۰ دستگاه هر یک به

(سراسری خارج از کشور ۹۸)

ارزش = ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال کدام است؟

۱	اجاره‌بهای ماهیانهٔ کارگاه تولیدی	۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	حقوق متوسط ماهیانهٔ هر فرد کارمند تولیدی و اداری	۸۵۰,۰۰۰ ریال
۳	خرید مواد اولیهٔ موردنیاز سالیانه به ارزش	۱۸۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴	هزینهٔ استهلاک سالیانهٔ ماشین‌های تولیدی	معادل ۳۰٪ حقوق سالیانهٔ کارمندان

(۱)  $2,112,150,000$  ریال: زیان (۲)  $2,121,150,000$  ریال: سود (۳)  $2,211,100,000$  ریال: زیان (۴)  $2,112,100,000$  ریال: سود

۳۱۲- مندرجات جدول روبه‌رو، مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی کشوری فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید خارجیان مقیم کشور،

(سراسری خارج از کشور ۹۸)

کدام است؟

۱	تولید ناخالص ملی	۶۵۵ هزار میلیارد ریال
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۴۵ هزار میلیارد ریال
۳	تولید ناخالص داخلی	۶۵۰ هزار میلیارد ریال

(۴) ۴۵

(۳) ۴۰

(۲) ۳۵

(۱) ۳۰

۳۱۳- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنان‌چه ارزش مجموع اقلام مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات، ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری خارج از کشور ۹۸)

(الف) تولید خالص داخلی سرانه

(ب) تولید خالص ملی

(پ) تولید ناخالص داخلی در این جامعه، کدام است؟

A	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
B	ارزش خدمات ارائه‌شده	۴۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۳ میلیارد ریال
D	جمعیت کل کشور	۲۵ میلیون نفر
E	هزینهٔ استهلاک	$\frac{1}{4}$ ارزش خدمات ارائه‌شده

(الف)  $7/33$  - (ب) ۲۰۰ - (پ) ۲۲۲

(الف)  $7/33$  - (ب) ۲۰۰ - (پ) ۲۱۱

(الف)  $8/44$  - (ب) ۱۸۹ - (پ) ۲۲۲

(الف)  $8/44$  - (ب) ۱۸۹ - (پ) ۲۱۱



## ۲۰۰- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

۳ شرط محاسبه فعالیت‌های ۱ از بازار عبور کند. ۲ به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شود. ۳ تولیدی در حسابداری ملی ۴ قانونی و مجاز باشد.

## ۲۰۱- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

۱ فعالیت زنان در خانه در تولید کل محاسبه نمی‌شود. ۲ فروش سی‌دی‌های غیرمجاز جزء فعالیت‌های غیرقانونی است که در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود. ۳ قطعات خودرو کالای واسطه‌ای هستند و از آنجا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی نهفته است، در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر کرد و فقط کالاهای نهایی (خودرو) را محاسبه کنیم.

## ۲۰۲- گزینه «۳»

(صفحه ۴۱)

یکی از شرایط محاسبه فعالیت‌های در حسابداری ملی این است که از بازار عبور کند؛ یعنی در ازای کالا یا خدمت، پول دریافت شود، در نتیجه فعالیت تولیدی خانم‌ها در خانه و کالاها و خدماتی که در قالب پخت غذا، بهداشت و تربیت فرزندان تولید و ارائه می‌کنند، در تولید کل کشور محاسبه نمی‌شود.

## ۲۰۳- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

الف چرم در این مثال، کالای واسطه‌ای است که چون محصول نهایی محسوب نمی‌شود، در محاسبه تولید کل از آن صرف‌نظر می‌کنیم. ب کباب‌هایی که فرد برای مهمانان خود پخته است از بازار عبور نکرده‌اند، بنابراین در تولید کل منظور نمی‌شوند. پ کولبران، اجناس قاچاق را به کشور وارد می‌کنند و اقدامات غیرقانونی و قاچاق در تولید کل محاسبه نمی‌شوند.

## ۲۰۴- گزینه «۴»

(صفحه ۴۱)

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۲): عدم داشتن شرط عبور از بازار، زیرا این افراد پولی در ازای کار خود دریافت نمی‌کنند. گزینه (۳): فعالیت آقای میرزاجانی به تولید کالای نهایی را منجر نمی‌شود و ارزش کالای تولیدی ایشان در بطن ارزش کالای نهایی (گوشی تلفن) محاسبه می‌گردد.

## ۲۰۵- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

تولید دوچرخه توسط دو فرد چینی در ایران و تعمیر کولر همسایه در ازای دریافت پول، در حسابداری ملی محاسبه می‌شوند زیرا هر سه شرط لازم را دارند: ۱ عبور از بازار ۲ منجر شدن به تولید کالاها یا خدمات «نهایی» ۳ قانونی و مجاز بودن.

این مورد (تولید دوچرخه و تعمیر کولر) در تولید ناخالص داخلی هم محاسبه می‌شوند. چون در داخل کشور انجام شده‌اند. سه مورد دیگر، به دلایل زیر در تولید ناخالص داخلی و حسابداری ملی محاسبه نمی‌شوند:

فروش رادیوی ماشین سرقتی به مال‌خر ← فاقد ویژگی قانونی و مجاز بودن فروش لامپ تصویر به کارخانه تولید تلویزیون ← فاقد ویژگی منتهی شدن فعالیت به تولید کالا یا خدمات «نهایی» تولید پوشاک توسط یک ایرانی در هند ← فاقد ویژگی تولید در محدوده مکانی معین (داخل ایران)

## ۱۹۵- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

کامل‌ترین تعریف ← «حسابداری ملی» شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد؛ مثلاً میزان تولید کالا و خدمات، صادرات، واردات، مصرف و پس‌انداز کل کشور، حجم نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها و سایر متغیرهای کلان را در جامعه محاسبه می‌کند.

## ۱۹۶- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند.

## ۱۹۷- گزینه «۳»

(صفحه ۴۰)

آمارهای اقتصادی در سطوح چهارگانه ۱ خرد (یعنی سطح خانوارها یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی)، ۲ شهری ۳ منطقه‌ای و ۴ کلان (ملی و بین‌المللی) ارائه می‌شود.

## ۱۹۸- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

اقتصاددانان برای بررسی وضعیت موجود و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و همچنین مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی، نیازمند استفاده از آمارها و شاخص‌های اقتصادی هستند.

## ۱۹۹- گزینه «۴»

(صفحه ۴۰)

۱ نشان‌دهنده قدرت و توان اقتصادی آن جامعه است. ۲ سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه را نشان می‌دهد. ۳ میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. ۴ نشان‌دهنده امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است.

تعداد تولید سالانه کالاها و خدمات اهمیت دارد؛ زیرا

**۲۰۶- گزینه ۲»****(صفحه ۴۱)**

از آنجا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی نهفته است، در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر و فقط ارزش کالاهای نهایی را منظور کنیم، در غیر این صورت، ارزش کالاهای واسطه‌ای در واقع دو بار محاسبه می‌شود؛ یک بار به صورت بخشی از ارزش کالای نهایی و یک بار هم به صورت مستقل.

**۲۰۷- گزینه ۲»****(صفحه‌های ۳۱ و ۴۲)**

**الف-** ۵۰ کیلو برنجی که به مصرف خانواده‌های کشاورزان رسیده، چون از بازار عبور نکرده است، در تولید کل جامعه محاسبه نمی‌شود. اما ۵۰ کیلو برنج دیگر که در بازار به فروش رسیده است، با قیمت ۲۵۰۰ تومان در تولید کل جامعه حساب می‌شود:  $50 \times 2500 = 125,000$  تومان

۱۰۰ کیلو شیرینی برنجی نیز جزء تولید کل جامعه حساب می‌شود:

$$100 \times 4000 = 400,000 \text{ تومان}$$

توجه شود که چون شیرینی برنجی در تولید کل محاسبه می‌شود، دیگر ۱۰۰ کیلو آرد برنجی که برای تولید آن خریداری شده به صورت جداگانه در تولید کل محاسبه نمی‌شود، پس در کل، ارزشی که باید در تولید کل جامعه از روش هزینه‌ای محاسبه شود، برابر است با:  $125,000 + 400,000 = 525,000$  تومان

**ب-** کالای واسطه‌ای که در جامعه تولید شده است، ۱۰۰ کیلو برنج با قیمت ۲۵۰۰ تومان است که تبدیل به شیرینی شده است:

$$\text{تومان } 2500 \times 100 = 250,000 = \text{ارزش کالای واسطه‌ای}$$

**۲۰۸- گزینه ۱»****(صفحه ۴۲)**

تولید گونه‌های مختلفی دارد؛ اما در حسابداری ملی همه این گونه‌ها با یک تراز و یک معیار سنجیده می‌شود؛ پول.

**۲۰۹- گزینه ۴»****(صفحه ۴۳)**

**الف-** تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی است که در طول یک سال، داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور تولید می‌شود (یعنی تولید خارجیان مقیم کشور و تمام کسانی که در آن کشور هستند).

$$\text{ارزش تولیدات} \\ \text{هزینه} - \text{افراد خارجی مقیم} + \text{ارزش کل تولیدات} = \text{تولید خالص} \\ \text{استهلاک} \quad \text{در کشور} \quad \text{سالانه کشور} \quad \text{داخلی}$$

**ب-** تولید ناخالص ملی، ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی است که در طول یک سال، توسط یک ملت تولید شده است.

$$\text{ارزش تولیدات همه} \\ \text{هزینه} - \text{افراد یک ملت} + \text{کل تولیدات} = \text{تولید خالص} \\ \text{استهلاک} \quad \text{در هر کجای دنیا} \quad \text{سالانه کشور} \quad \text{ملی}$$

**۲۱۰- گزینه ۱»****(صفحه ۴۳)**

خالص یا ناخالص بودن تولیدات ملی و داخلی ناشی از هزینه‌های استهلاک است که باید از تولید ناخالص هزینه جایگزینی سرمایه‌های فرسوده‌شده کسر شود.

**۲۱۱- گزینه ۲»****(صفحه ۴۳)**

GDP و GNP از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی هستند که میزان زیاد آن‌ها، بیانگر:

۱) قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر یک کشور

۲) بهره‌وری بالاتر آن کشور

۳) استفاده بهینه کشور از همه عوامل تولید خود است.

در برخی موارد از این دو شاخص به عنوان درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود.

**۲۱۲- گزینه ۳»****(صفحه ۴۳)**

تولید ناخالص ملی به اختصار GNP و تولید ناخالص داخلی به اختصار GDP نامیده می‌شود. در برخی موارد، از این دو شاخص به عنوان درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود.

**۲۱۳- گزینه ۴»****(صفحه ۴۳)**

دو شاخص GDP و GNP در تعریف با هم تفاوت دارند، اما در عمل، جز در مورد برخی کشورها، که نیروی کار و سرمایه زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند (مثل لبنان که تولید ملی آن بیشتر از تولید داخلی‌اش است) یا در کشورهایی که حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی هستند (مثل هنگ‌کنگ) تفاوت فاحشی با هم ندارند؛ بنابراین در کشورهایی مثل ایران به جای یکدیگر به کار می‌روند.

**۲۱۴- گزینه ۲»****(صفحه ۴۳)**

در کشور لبنان مقدار GDP و GNP بسیار متفاوت است، زیرا نیروی کار و سرمایه زیادی خارج از مرزها کار می‌کنند؛ پس تولید ناخالص ملی لبنان بیشتر از تولید ناخالص داخلی آن است.

**۲۱۵- گزینه ۱»****(صفحه ۴۳)**

GDP و GNP در تعریف متفاوت هستند، اما در عمل عموماً به جای هم به کار می‌روند مگر در مواردی استثنای. چون هنگ‌کنگ در سرزمین خود حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی را شاهد است، تولید ناخالص داخلی‌اش به مراتب بیشتر از GNP است.

**۲۱۶- گزینه ۳»****(صفحه ۴۳)**

از آنجا که نیروی کار و سرمایه از این کشور رفته است، لذا تولید ناخالص یا خالص ملی به مراتب بیشتر از تولید خالص یا ناخالص داخلی است.

**۲۱۷- گزینه ۲»****(صفحه ۴۳)**

**الف-** عمر مفید ماشین‌آلات ۵۰ سال است، پس هر سال  $\frac{1}{50}$  از ارزش آن‌ها

مستهلك می‌شود. در نتیجه: درصد استهلاک سالیانه  $\frac{1}{50} \times 100 = 2\%$

$$\text{ب-} \quad \frac{50,000,000}{50} = \text{ارزش کل ماشین‌آلات} = \text{هزینه استهلاک سالیانه} \\ \text{عمر مفید} \\ = 1,000,000$$

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

$$981,000,000 - 1,000,000 = 980,000,000$$

**۲۱۸- گزینه ۳»****(صفحه ۴۲)**

ارزش مواد غذایی  $30 \times 200,000 = 6,000,000$

ارزش پوشاک  $200 \times 20,000 = 4,000,000$

ارزش ماشین‌آلات  $400 \times 4,000,000 = 1,600,000,000$

خدمات ارائه‌شده  $20,000,000$

$$6,000,000 + 4,000,000 + 1,600,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$+ 20,000,000 = 1,666,000,000 \text{ ریال}$$

• در این گونه مسائل باید در هر مورد  $P \times Q$  محاسبه شود؛ یعنی مقدار (تعداد)  $\times$  قیمت؛ بعد همه با هم جمع شود تا تولید ناخالص داخلی به دست آید.

**۲۱۹- گزینه ۲»****(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)**

ارزش کل مواد غذایی  $50 \times 200,000 = 10,000,000$

ارزش کل پوشاک  $300 \times 30,000 = 9,000,000$

ارزش کل ماشین‌آلات  $600 \times 5,000,000 = 3,000,000,000$

خدمات ارائه‌شده  $50,000,000$

$$10,000,000 + 9,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$+ 3,000,000,000 + 50,000,000 = 3,159,000,000 \text{ ریال}$$

اهمیتی ندارد، زیرا، در تولید داخلی، فقط تولید خارجیان مقیم ایران محاسبه می‌شود؛ یعنی تولیدات درون یک مرز جغرافیایی مشخص برایمان اهمیت دارد. تولید ایرانیان مقیم کانادا در محاسبه تولید ملی ارزشمند است.

**نکته:** اگر مجبور به محاسبه تولید ایرانیان مقیم کانادا در محاسبه تولید کل بودیم، باید دلار را به ریال تبدیل می‌کردیم، زیرا واحدها باید یکسان باشند.

**۲۲۳- گزینه «۳» (صفحه‌های ۳۲۲ و ۳۲۳)**

ارزش کل مواد غذایی  $300 \times 800,000 = 240,000,000$   
 ارزش کل پوشاک  $4000 \times 40,000 = 160,000,000$   
 ارزش کل ماشین‌آلات  $500 \times 5,000,000 = 2,500,000,000$   
 ارزش کل خدمات ارائه‌شده  $1,000,000,000$   
 ریال  $240,000,000 + 160,000,000 + 2,500,000,000 + 1,000,000,000 + 6,000,000,000 = 3,906,000,000$

**نکته:** وقتی تولید ناخالص داخلی موردنظر باشد، یعنی تولیدات کل افراد درون مرزهای جغرافیایی یک کشور در طول یک سال، پس تولیدات خارجیان مقیم داخل کشور را هم باید حساب کنیم؛ بنابراین در این سؤال، تولید سرمایه‌گذاران چندملیتی (خارجی) مقیم هنگ‌کنگ را باید در محاسبه GDP منظور کنیم.

**نکته:** وقتی تولید ناخالص ملی، یعنی تولیدات کل افراد یک ملت در طول یک سال (حتی اگر در خارج از مرزهای جغرافیایی آن کشور مقیم باشند) موردنظر باشد، پس تولید هنگ‌کنگی‌های مقیم ژاپن هم باید در محاسبه منظور گردد.  
 ریال  $240,000,000 + 160,000,000 + 2,500,000,000 + 1,000,000,000 + 3,000,000,000 = 3,903,000,000$   
 • حال تولید خالص ملی خواسته شده؛ پس باید هزینه استهلاک را از آن کم کنیم.  
 هزینه استهلاک  $\rightarrow$  ریال  $\frac{5}{100} \times 2,500,000,000 = 125,000,000$   
 تولید خالص ملی  $\rightarrow$  ریال  $3,903,000,000 - 125,000,000 = 3,778,000,000$

**۲۲۴- گزینه «۳» (صفحه ۴۴)**

درآمد صاحبان سرمایه + درآمد حقوق‌بگیران = درآمد ملی  
 (قیمت خدمات سرمایه) (دستمزدها)  
 سودی که نصیب شرکت‌ها + درآمد صاحبان = درآمد صاحبان املاک +  
 و مؤسسات می‌شود مشاغل آزاد و مستغلات (اجاره)  
 درآمد ملی  $25,000,000,000 + 30,000,000,000 + 35,000,000,000 = 90,000,000,000$   
 تومان  $25,000,000,000 + 15,000,000,000 = 40,000,000,000$   
 از تقسیم هر پارامتری بر تعداد جمعیت، سرانه آن به دست می‌آید.  
 تومان  $1,300 = \frac{40,000,000,000}{100,000,000} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{تعداد جمعیت}}$

**۲۲۵- گزینه «۳» (صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)**

**الف-** برای محاسبه میزان تولید کل، باید همه اعداد مندرج در جدول را جمع بزنیم؛ یعنی:  
 درآمد  $19300 = 3850 + (\frac{1}{4} \times 6400) + 3200 + 2450 + 1800 + 6400$  ملی  
**ب-** تولید کل را از هر کدام از روش‌های «درآمدی»، «هزینه‌ای» و «ارزش افزوده» که حساب کنیم، جواب یکسانی به دست می‌آید.  
**پ-** برای این‌که بدانیم کدام کشور موفق‌تر عمل کرده است باید میزان صادرات کشورها را بر میزان تولید کل آن‌ها تقسیم کنیم؛ هر کشوری که عدد بزرگ‌تری از این تقسیم به دست آورد، موفق‌تر فرض می‌شود. بنابراین در این‌جا کشور B که میزان صادراتش  $\frac{1}{3}$  حجم تولیدش می‌باشد، موفق‌تر است:

**نکته:** اگر کل تولیدات جامعه را محاسبه کرده باشیم، آن را «تولید ناخالص» می‌نامیم، اما اگر هزینه‌های استهلاک را از تولیدات ناخالص کسر کنیم، «تولید خالص» به دست می‌آید.

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی (داخلی) = تولید خالص ملی (داخلی)  
 ریال  $3,150,000,000 - 150,000,000 = 3,000,000,000$   
 تولید خالص ملی و داخلی در عمل جز در مورد برخی کشورها، که نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند (مثل لبنان) یا در کشور خود حضور چشمگیری از سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان چندملیتی دارند (مثل هنگ‌کنگ) تفاوت فاحشی با هم ندارند و بنابراین در کشورهایی مثل ایران می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند.

**۲۲۰- گزینه «۴» (صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)**

هزینه استهلاک  $\rightarrow$  ریال  $46,000,000,000 \times \frac{10}{100} = 4,600,000,000$   
 هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی  
 ریال  $46,000,000,000 - 4,600,000,000 = 41,400,000,000$   
 • همان تولید ناخالص ملی است که در صورت سؤال داده شده است و استهلاک ۱۰٪ کل تولید ناخالص ملی است که آن را محاسبه می‌کنیم. سپس از آن‌جا که سؤال، تولید خالص را از ما خواسته است، باید هزینه استهلاک را از GNP کم کنیم.  
 GNP = Gross National Product

**۲۲۱- گزینه «۲» (صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)**

**الف / پ-** هزینه استهلاک برابر است با همان پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری جدید سالیانه یعنی ۵ میلیون ریال و چون این هزینه استهلاک برابر است با  $\frac{1}{25}$  قیمت اولیه دستگاه بالا؛ بنابراین داریم:  
 ۵ میلیون ریال =  $\frac{\text{هزینه استهلاک}}{\text{جدید سالیانه}} = \frac{\text{قیمت اولیه}}{25} \times$   
 ۵ =  $\frac{\text{قیمت اولیه}}{25} \times$   
 ۱۲۵ = قیمت اولیه  $\Rightarrow$  ۵ = قیمت اولیه  $\times \frac{1}{25}$   
**ب-**  $\frac{\text{ارزش دستگاه}}{\text{هزینه استهلاک}} = \text{عمر مفید} \Rightarrow \frac{\text{ارزش دستگاه}}{\text{عمر مفید}} = \text{هزینه استهلاک}$   
 سال  $25 = \frac{125}{5} = \text{عمر مفید} \Rightarrow$

**ت-** قیمت افزوده‌شده در ۲ سال آخر + قیمت اولیه = قیمت جدید دستگاه  
 میلیون ریال  $175 = 125 + 50 =$   
 میلیون ریال  $7 = \frac{175}{25} =$  هزینه استهلاک سالانه جدید  
 میلیون ریال  $14 = 7 \times 2 =$  هزینه استهلاک دو سال آخر

**۲۲۲- گزینه «۱» (صفحه‌های ۳۲ و ۳۴)**

ارزش کل مواد غذایی  $500 \times 200,000 = 100,000,000$   
 ارزش کل ماشین  $3100 \times 30,000,000 = 93,000,000$   
 ارزش کل پوشاک  $5000 \times 20,000 = 100,000,000$   
 خدمات ارائه‌شده  $5,000,000$   
 ریال  $100,000,000 + 93,000,000 + 100,000,000 + 5,000,000 = 1,138,000,000$   
**GDP**  $\rightarrow$

**GDP = Gross Domestic Product**  
 همان تولید ناخالص داخلی است.  
 حال برای محاسبه تولید خالص داخلی باید هزینه استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنیم. میلیارد ریال  $1,134 = 1,138 - 1,000,000,000$   
 از آن‌جا که سؤال، تولید داخلی را خواسته، پس تولید ایرانیان مقیم کانادا برایمان

$$\frac{3860}{19300} = \frac{1}{5} = 0.05$$

$$\frac{7720}{15440} = \frac{1}{2} = 0.05$$

$$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{19,300,000,000,000}{5,000,000,000} = 3860$$

نمّا می پرسى سرولكه اين همه صفر يهو از كجا پيدا شد؟! هب توى صورت سؤال اعداد به ميليارد واهر پولى اون کشور بود، ما اين با برای ماسبه درآمد سرانه، اون رو تبديل به فود واهر پولى کردیم!  
**۳** درآمد صاحبان سرمایه = قیمت خدمات سرمایه / درآمد صاحبان املاک و مستغلات = اجاره

### ۲۲۶- گزینه «۱» (صفحه ۴۴)

برای محاسبه تولید خالص ملی سرانه، باید ابتدا میزان استهلاك را از میزان تولید ناخالص ملی کم کنیم و سپس عدد به دست آمده را بر جمعیت کل کشور تقسیم کنیم؛ بنابراین:

$$\text{میلیون ریال} = 9,500 - 150 = 9,350$$

$$\text{ریال} = \frac{9,350,000,000}{80,000} = 116,875$$

$$\text{میلیون ریال} = 260,000 - 20,000 = 240,000$$

$$\text{ریال} = \frac{240,000,000,000}{75,000} = 320,000$$

$$\text{میلیون ریال} = 6,000 - 250 = 5,750$$

$$\text{ریال} = \frac{5,750,000,000}{20,000} = 287,500$$

$$\text{میلیون ریال} = 85,000 - 5,000 = 80,000$$

$$\text{ریال} = \frac{80,000,000,000}{160,000} = 500,000$$

$$D > B > C > A$$

### ۲۲۷- گزینه «۳» (صفحه ۴۵)

در «روش هزینه‌ای» نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ زیرا ارزش پولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خود به خود اندازه‌گیری کرده‌ایم.

### ۲۲۸- گزینه «۱» (صفحه ۴۵)

بدیهی است که در محاسبه تولید کل جامعه هر سه روش (درآمدی، هزینه‌ای و ارزش افزوده) پاسخ یکسانی به ما خواهد داد. از این رو، برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری ملی کشور، حداقل با دو روش، تولید کل را محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

### ۲۲۹- گزینه «۴» (صفحه‌های ۴۱ و ۴۵)

باید مبلغ کالا یا خدمت نهایی را حساب کنیم؛ یعنی ۵۰۰۰ ریال.

$$\text{ریال} = 500 = \text{قیمت کالای اولیه} = \text{ارزش افزوده مرحله اول}$$

$$\text{ریال} = 1000 = 1500 - 500 = \text{ارزش افزوده مرحله دوم}$$

$$\text{ریال} = 1500 = 3000 - 1500 = \text{ارزش افزوده مرحله سوم}$$

$$\text{ریال} = 2000 = 5000 - 3000 = \text{ارزش افزوده مرحله چهارم}$$

$$1500 + 1000 + 500 = \text{قیمت نهایی کالا} = \text{جمع ارزش افزوده‌های مراحل}$$

$$\text{ریال} = 5000 = 2000 +$$

نام دیگر روش ارزش افزوده، روش تولید است.

### ۲۳۰- گزینه «۱» (صفحه ۴۵)

با علم به این که هر آن چه در کشور تولید شده و درآمدی که از آن کسب شده، نهایتاً بین عوامل تولید تقسیم شده است، با جمع‌زدن همه اجزای آن (مزدها - سودها - اجاره‌ها)، درآمد همه بازیگران و فعالان در عرصه اقتصاد داخلی یا ملی و تولید کل را محاسبه می‌کنیم. این روش را «روش درآمدی» می‌نامند.

$$2,000,000,000 + 8,000,000,000 + 3,000,000,000 + 4,000,000,000 + 9,000,000,000 = 26,000,000,000$$

### ۲۳۱- گزینه «۲» (صفحه ۴۵)

**الف** روش هزینه: جمع ارزش پولی تولیدات نهایی آن‌جا که به خانوارها فروخته می‌شود. روش درآمدی: جمع ارزش مزدها، سودها و اجاره‌ها  
 روش ارزش افزوده: جمع ارزش تولید شده در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی

**ب** هر سه جواب یکسانی به ما خواهند داد، بنابراین برای جلوگیری از اشتباه متولیان حسابداری ملی کشور، تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

### ۲۳۲- گزینه «۳» (صفحه ۴۵)

**راه میان‌بر** اصلاً نیازی به انجام محاسبات نیست، زیرا هر سه روش «درآمدی - هزینه‌ای - ارزش افزوده» به ما جواب یکسانی خواهند داد. پس وقتی مجموع ارزش افزوده‌ها ۴۳ میلیارد تومان است، پس میزان تولید کل با روش درآمدی هم به همین میزان است.

### ۲۳۳- گزینه «۱» (صفحه‌های ۳۰ و ۴۵)

**الف** با فرض این که هر تولید ملی (داخلی)، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن و عوامل تولید ملی (داخلی) ایجاد کرده است، می‌توان درآمد ملی (داخلی) را نیز، که دقیقاً معادل تولید است به عنوان یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی مورد استفاده قرار داد.

**ب** اگر به طور متوسط عمر مفید سرمایه‌های فیزیکی کشور ۲۰ سال باشد، سالانه می‌باید معادل ۵٪ ( $\frac{1}{20}$ ) ارزش آن سرمایه را به عنوان استهلاك در نظر بگیریم و از تولید کم کنیم؛ چراکه بعد از ۲۰ سال کلاً آن وسیله مستهلك و غیرقابل استفاده می‌شود.

**پ** درآمد صاحبان سرمایه ← قیمت خدمات سرمایه  
 درآمد صاحبان املاک و مستغلات ← اجاره

### ۲۳۴- گزینه «۱» (صفحه ۴۶)

اندازه صادرات  
 $\frac{\text{حجم کل اقتصاد (تولید ملی)}}{\text{میزان موفقیت در صادرات}}$   
 برای این که راحت تر باشیم به درصد حساب می‌کنیم:

$$\text{کشور A} \Rightarrow \frac{50,000,000,000}{100,000,000,000} = 50\% \checkmark$$

$$\text{کشور B} \Rightarrow \frac{10,000,000,000}{50,000,000,000} = 20\%$$

### ۲۳۵- گزینه «۲» (صفحه ۴۶)

$$\text{درآمد یا تولید ملی} = \frac{\text{درآمد سرانه}}{\text{جمعیت}}$$

$$1,000,000,000,000 = \frac{10,000,000,000,000}{100,000,000}$$

$$1,000,000,000,000 = \frac{91,000,000,000,000}{91,000} \checkmark$$

اختلاف درآمد سرانه قطر و مالزی \$ 99,000 = 10,000 - 1,000,000  
**نکته:** تعداد معدودی از کشورهای در حال توسعه با داشتن یک ماده گران‌بهای معدنی (مثل نفت) و صادرات مقادیر زیادی از آن امکان دستیابی به درآمد سرانه بالا را دارند. (مثل قطر)

### ۲۳۶- گزینه «۱» (صفحه ۴۵)

**جریان یافتن پول کالاها و خدمات خریداری شده توسط خانوارها به سوی بنگاه‌های اقتصادی، به روش «هزینه‌ای» اشاره دارد.**  
**جریان یافتن وجوه پرداختی بنگاه‌ها (تحت عنوان مزد، سود و اجاره) به سوی خانوارها، به روش «درآمدی» اشاره دارد.**



۲۳۷- گزینه «۴»

(صفحه ۳۸)

برای پاسخ به این سؤال باید توی همه گزینه‌ها به حساب و کتاب انجام بدم؛ همین‌پوری نمی‌شه جواب رو پیدا کرد؛ پس:

گزینه (۱): اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۲٪ افزایش یابد و در همان زمان تورم ۷٪ باشد، قدرت خرید واقعی کارکنان ۵٪ افزایش یافته است.  $12\% - 7\% = 5\%$   
 گزینه (۲): اگر تورم جهانی ۲۰٪ باشد و صادرات اسمی ۱۲٪ افزایش یافته باشد، صادرات واقعی ۸٪ کاهش یافته است.  $12\% - 20\% = -8\%$   
 گزینه (۳): اگر سود اسمی سهام در بازار سرمایه ۱۰٪ باشد و نرخ تورم در همان زمان برابر با ۴٪ باشد، سود واقعی سهام ۶٪ است.  $10\% - 4\% = 6\%$   
 گزینه (۴): اگر نرخ تورم ۱۵٪ باشد و سود اسمی که بانک به سپرده‌های مردم می‌پردازد ۲۰٪ باشد، سود واقعی ۵٪ است.  $20\% - 15\% = 5\%$

۲۳۸- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

$$\frac{\text{میزان تولید در سال}}{\text{میزان تولید در سال پایه}} = \frac{\text{میزان تولید در سال}}{\text{موردنظر به قیمت ثابت سال موردنظر}}$$

میزان واقعی افزایش تولید  $3300 - 3000 = 300$

$$\frac{\text{میزان تولید در سال}}{\text{موردنظر برحسب قیمت پایه}} = \frac{\text{میزان تولید در سال}}{\text{موردنظر برحسب قیمت جاری}}$$

میزان رقم تولید ناشی از افزایش قیمت در سال سوم  $3500 - 3300 = 200$   
 از این طریق متوجه می‌شویم این قیمت بالاتر، ناشی از تولید بیشتر است یا تورم؛ زیرا اگر جامعه‌ای دچار تورم باشد، تولید کل محاسبه شده در هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد.

۲۳۹- گزینه «۲»

(صفحه ۳۷)

**الف** با فرض این که سال مورد سؤال، سال ۹۵ و سال پایه، سال ۹۴ است و بر پایه اطلاعات مندرج در جدول داریم:

میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۵ تولید کل در سال پایه - تولید به قیمت ثابت در سال ۹۵ =

$$= [(1000 \times 20) + (1000 \times 30)] - [(1000 \times 30) + (1500 \times 20)]$$

تومان  $10,000 - 50,000 = 60,000$

**ب** با توجه به این که در قسمت (ب) تمام گزینه‌ها، عبارت «افزایش تولید کل در سال ۹۶» به کار رفته است، پس ابتدا باید میزان این تولید را حساب کنیم؛ بنابراین:

تولید کل در سال پایه - میزان تولید کل = افزایش تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۶

$$= [(1000 \times 20) + (1000 \times 30)] - [(400 \times 1500) + (350 \times 2000)]$$

تومان  $80,000 - 130,000 = 50,000$

علاوه بر آن، می‌توانیم که میزان افزایش تولید در سال ۹۶ ناشی از افزایش مقدار تولید را محاسبه کنیم:

میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۶ =

$$= [(1000 \times 20) + (1000 \times 30)] - [(1500 \times 30) + (2000 \times 20)]$$

تومان  $35,000 - 85,000 = 50,000$

میزان افزایش تولید کل در سال ۹۶ ناشی از افزایش قیمت =

$$= 80,000 - 35,000 = 45,000$$

۲۴۰- گزینه «۴»

(صفحه ۳۷)

**الف** تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲ برابر است با محاسبه  $P_{91} \times Q_{92}$ ؛ یعنی میزان تولید در سال ۹۲ با فرض قیمت ثابت سال ۹۱:

$$(100 \times 1000) + (800 \times 1,200) = 100,000 + 960,000 = 1,060,000$$

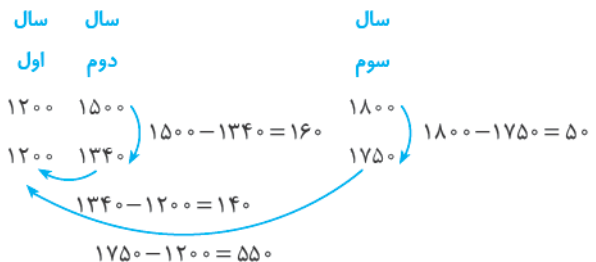
**ب** تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲ برابر است با محاسبه  $Q_{92} \times P_{92}$ ؛ یعنی قیمت سال ۹۲  $\times$  تولید سال ۹۲:

$$(200 \times 100) + (1,500 \times 800) = 20,000 + 1,200,000 = 1,220,000$$

۲۴۱- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

از ۳۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید در جامعه در سال دوم (نسبت به سال پایه) ۱۴۰ هزار میلیارد ریال ناشی از افزایش مقدار تولید (۱۲۰۰ - ۱۳۴۰) و ۱۶۰ هزار میلیارد ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است (۱۳۴۰ - ۱۵۰۰).  
 از ۶۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش تولید کل جامعه در سال سوم (نسبت به سال پایه) ۵۰ هزار میلیارد ریال ناشی از افزایش قیمت‌ها (۱۷۵۰ - ۱۸۰۰) و ۵۵۰ هزار میلیارد ریال ناشی از افزایش مقدار تولید (۱۲۰۰ - ۱۷۵۰) است.  
 روش تفریق عمودی و افقی:



تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (تورم)  
 تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید

**نکته:** دقت کنیم که افزایش تولید کل جامعه در یک سال مشخص، جمع افزایش ناشی از مقدار تولید و افزایش ناشی از قیمت‌هاست.

افزایش تولید کل جامعه = افزایش ناشی از + افزایش ناشی از قیمت‌ها یا تورم از مقدار تولید

$$300 = 160 + 140 \Rightarrow \text{افزایش تولید کل جامعه در سال دوم}$$

افزایش ناشی از تورم = افزایش ناشی از مقدار تولید در سال دوم

$$600 = 550 + 50 \Rightarrow \text{افزایش تولید کل جامعه در سال سوم}$$

۲۴۲- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

تولید در سال پایه - میزان تولید در آن = افزایش مقدار تولید سال پایه به قیمت ثابت در سال مورد نظر

**الف** هزار میلیارد ریال  $2800 - 2000 = 800$ ؛ افزایش مقدار تولید در سال سوم

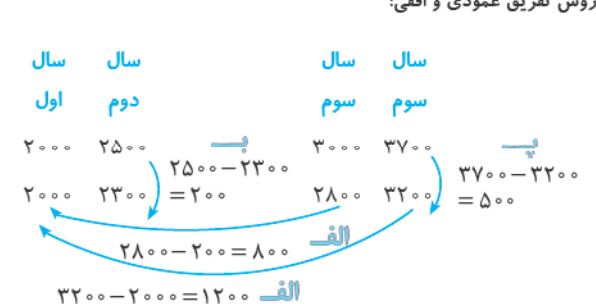
هزار میلیارد ریال  $3200 - 2000 = 1200$ ؛ افزایش مقدار تولید در سال چهارم

تولید در همان سال - تولید در آن سال = افزایش قیمت (تورم) به قیمت ثابت به قیمت جاری در سال مورد نظر

**ب** هزار میلیارد ریال  $2500 - 2300 = 200$ ؛ افزایش قیمت در سال دوم

**پ** هزار میلیارد ریال  $3700 - 3200 = 500$ ؛ افزایش تورم در سال چهارم

روش تفریق عمودی و افقی:



تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (تورم)  $\leftarrow$  حل قسمت (ب) و (پ)  
 تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید  $\leftarrow$  حل قسمت (الف)

۲۴۳- گزینه «۴»

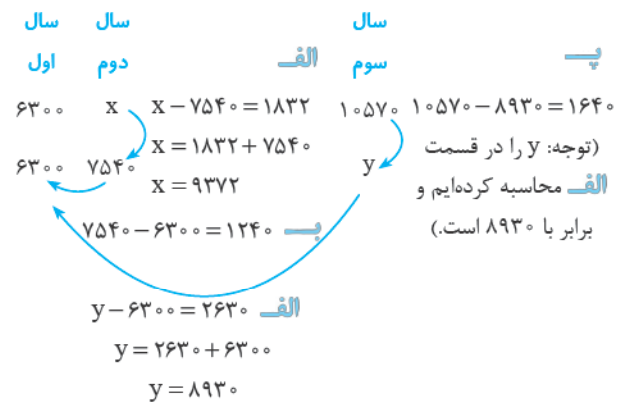
(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

تولید کل به قیمت \_ تولید کل به قیمت = میزان افزایش تولید کل ناشی ثابت در همان سال جاری در همان سال از افزایش قیمت در یک سال  
 $۷۵۴۰ - ۱۸۳۲ = ۵۷۰۸$   
 هزار میلیارد ریال  $۹۳۷۲ = ۷۵۴۰ + ۱۸۳۲ \Rightarrow$

تولید کل به قیمت \_ تولید کل به قیمت = میزان افزایش تولید کل ناشی از ثابت در سال پایه ثابت در همان سال افزایش مقدار تولید در یک سال  
 $۶۳۰۰ - ۲۶۳۰ = ۳۶۷۰$   
 هزار میلیارد ریال  $۸۹۳۰ = ۶۳۰۰ + ۲۶۳۰ \Rightarrow$

افزایش تولید کل ناشی از مقدار تولید در سال دوم  $۷۵۴۰ - ۶۳۰۰ = ۱۲۴۰ \Rightarrow$   
 افزایش تولید کل ناشی هزار میلیارد ریال  $۱۶۴۰ = ۱۰۵۷۰ - ۸۹۳۰ \Rightarrow$  از افزایش قیمت (میزان تورم) در سال سوم

روش تفریق عمودی و افقی:



تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (تورم)  $\leftarrow$  حل قسمت (الف) و (پ)

تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید  $\leftarrow$  حل قسمت (الف) و (ب)

۲۴۴- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

تولید کل به قیمت =  $(۱۲۰ \times ۵۵) + (۷۰ \times ۲۵) = ۸۳۵۰$  میلیارد دلار جاری در سال ۱۳۹۱

تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۲ =  $(۱۲۵ \times ۵۰) + (۶۰ \times ۳۰) = ۸۰۵۰$  میلیارد دلار

تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۱ =  $(۱۲۰ \times ۵۰) + (۷۰ \times ۳۰) = ۸۱۰۰$  میلیارد دلار

تولید کل در سال پایه ۱۳۹۰ =  $(۱۰۰ \times ۵۰) + (۵۰ \times ۳۰) = ۶۵۰۰$  میلیارد دلار

افزایش تولید در سال ۱۳۹۱ =  $۸۳۵۰ - ۶۵۰۰ = ۱۸۵۰$  میلیارد دلار ۱۳۹۱ نسبت به سال پایه

تولید در سال ۱۳۹۱ - تولید در سال ۱۳۹۱ = افزایش تولید کل در سال به قیمت ثابت به قیمت جاری ۱۳۹۱ ناشی از افزایش قیمت

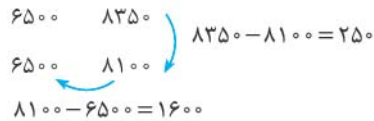
میلیارد دلار  $۸۳۵۰ - ۸۱۰۰ = ۲۵۰$

تولید در سال پایه به قیمت ثابت ۱۳۹۱ ناشی از افزایش تولید

میلیارد دلار  $۸۱۰۰ - ۶۵۰۰ = ۱۶۰۰$

روش تفریق عمودی و افقی: (حل قسمت پ سؤال)

سال ۹۱ سال ۹۰



افزایش ناشی از قیمت‌ها + افزایش ناشی از مقدار = افزایش تولید کل جامعه (تورم) در سال ۹۱ تولید در سال ۹۱ در سال ۱۳۹۱  
 $۱۸۵۰ = ۱۶۰۰ + ۲۵۰ \Rightarrow$  افزایش تولید کل جامعه در سال ۱۳۹۱

۲۴۵- گزینه «۱» (صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

با فرض سال «۱۳۹۰» به عنوان سال پایه، خواهیم داشت:

ریال  $۱۰۷,۵۰۰ = (۷۵ \times ۵۰۰) + (۲۰۰ \times ۳۵۰)$  = تولید کل در سال «۱۳۹۰»  
 به قیمت جاری «۱۳۹۰»

ریال  $۱۰۰,۰۰۰ = (۷۵ \times ۸۰۰) + (۲۰۰ \times ۲۰۰)$  = تولید کل به قیمت ثابت در سال «۱۳۹۵»

میزان تولید کل \_ میزان تولید کل به قیمت در سال ۱۳۹۰ ثابت در سال ۱۳۹۵ =  $\frac{۱۰۰,۰۰۰}{۱۰۷,۵۰۰} \times ۱۰۰ = ۹۳\%$  میزان رشد اقتصادی

$$= \frac{۱۰۰,۰۰۰ - ۱۰۷,۵۰۰}{۱۰۷,۵۰۰} \times ۱۰۰ = -۷\%$$

۲۴۶- گزینه «۴» (صفحه‌های ۳۶ تا ۳۸)

واحد پولی  $۵۱,۰۰۰ = (۲۵۰ \times x) + (۴۵ \times ۲۰۰)$  = تولید کل به قیمت جاری در سال ۱۳۹۱

الف واحد پولی  $۴۲,۰۰۰ = ۲۵۰x + ۹۰۰۰$   $\Rightarrow x = ۱۲۰$

تولید کل به قیمت \_ تولید کل به قیمت = افزایش تولید کل ناشی ثابت در سال ۱۳۹۱ جاری در سال ۱۳۹۱ از تورم در سال ۱۳۹۱

واحد پولی  $۴۱,۷۵۰ = (۲۵۰ \times ۱۰۰) + (۴۵ \times ۱۵۰)$  = تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۱

واحد پولی  $۹۲۵۰ = ۴۱,۷۵۰ - ۵۱,۰۰۰$  = افزایش تولید کل ناشی از تورم در سال ۱۳۹۱

پایه ابتدا باید نرخ تورم کالاهای A را به دست آوریم:

میانگین قیمت کالاهای \_ میانگین قیمت کالاهای  
 گروه A در سال ۹۰ =  $\frac{۹۰}{۹۰}$  گروه A در سال ۹۱ =  $\frac{۹۱}{۹۰}$  نرخ تورم کالاهای میانگین قیمت کالاهای گروه A در سال ۹۰

درصد  $\frac{۳۳}{۳۳} = \frac{۵۰۰۰}{۱۵۰} \times \frac{۲۰۰ - ۱۵۰}{۱۵۰} \approx ۳۳\%$  = نرخ تورم

دستمزد کارمندان دولت ۲۰٪ افزایش یافته است و در همین زمان تورم (۳۳/۳۳) درصد می‌باشد. در واقع قدرت خرید واقعی کارمندان کاهش یافته است.

۲۴۷- گزینه «۳» (صفحه ۳۷)

الف

مرحله	کالا	قیمت (به تومان)	ارزش افزوده (به تومان)
۱	شمش	۷۰۰۰	۷۰۰۰
۲	مفتول	۷۷۰۰	۷۰۰
۳	سیم برق	۸۲۰۰	۵۰۰

تولید خارجیان مقیم کشور - تولید خالص داخلی = تولید خالص ملی  
خالص درآمد عوامل تولید کشور از خارج +

میلیارد ریال  $162 = 21 + 35 - 176$  = تولید خالص ملی

**۲۵۱- گزینه‌های (۳۴ و ۳۳)**

**گزینه «۲»**

$$25,000,000 \times \frac{20}{100} = 5,000,000$$

$$125,000,000 - 25,000,000 = 100,000,000$$

$$125,000,000 - 100,000,000 = 25,000,000$$

تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال، داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور تولید می‌شود. (چه توسط اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند چه توسط خارجی‌های مقیم کشور)

میزان تولید برنج توسط اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند

$$2,000,000,000 \times 100 \times 100 = 200,000,000,000$$

$$2,000,000,000 \times 100 = 200,000,000,000$$

میزان تولید برنج توسط خارجی‌های مقیم کشور

$$25,000,000 \times 150 \times 100 = 375,000,000,000$$

$$375,000,000,000$$

میزان تولید چای توسط اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند

$$100,000,000 \times 250 \times 40 = 10,000,000,000,000$$

$$10,000,000,000,000$$

میزان تولید چای توسط خارجی‌های مقیم کشور

$$25,000,000 \times 50 \times 40 = 50,000,000,000$$

$$50,000,000,000$$

$$2,000,000,000 + 375,000,000,000 + 50,000,000,000$$

$$3,425,000,000,000$$

تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال، توسط یک ملت (اتباع کشور چه در داخل کشور ساکن هستند و چه در خارج)

میزان تولید برنج توسط اتباع مقیم خارج از کشور

$$25,000,000 \times 100 \times 30 = 75,000,000,000$$

$$75,000,000,000$$

میزان تولید چای توسط اتباع مقیم خارج از کشور

$$25,000,000 \times 100 \times 50 = 125,000,000,000$$

$$125,000,000,000$$

$$2,000,000,000 + 1,000,000,000 + 75,000,000,000 + 125,000,000,000$$

$$3,200,000,000,000$$

**۲۵۲- گزینه «۳»**

**گزینه «۳»**

$$3 = \frac{750}{25} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{عمر مفید کالا}} = \text{هزینه استهلاک سالیانه}$$

$$750 + 750 \left( \frac{1}{100} \times 750 \right) = 750 + 750$$

$$1,500$$

$$\frac{\text{بهای جدید کالا}}{\text{عمر مفید کالا}} = \text{هزینه استهلاک سالیانه با احتساب قیمت جدید کالا}$$

$$33 = \frac{1080}{33}$$

$$33 \times 3 = 99 = \text{هزینه استهلاک سه سال آخر}$$

۷۰۰۰ تومان = ارزش محصول در مرحله اول = ارزش افزوده در مرحله اول  
= ارزش افزوده در هر مرحله

ارزش محصول در مرحله قبل - ارزش محصول در آن مرحله

$$7000 - 7000 = 0 = \text{ارزش محصول در مرحله دوم}$$

جمع ارزش افزوده تمامی مراحل = ارزش محصول در مرحله آخر

$$7000 + 7000 + 5000 = 19000 = \text{ارزش محصول در مرحله آخر}$$

نام این روش محاسبه تولید کل، روش ارزش افزوده یا تولید است.

در «روش هزینه‌ای» کلی پول که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان می‌یابد محاسبه می‌شود.

اقتصاددانان برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

**۲۴۸- گزینه «۴»**

**گزینه «۴»**

$$2326 = \frac{2}{4} \times 4652 = \text{درآمد صاحبان سرمایه}$$

$$9670 + 2326 + 3874 + 914 + 4652 = \text{درآمد ملی}$$

$$21,436$$

$$261,414 = \frac{21436}{82} = \text{درآمد سرانه}$$

$$2326 + 3874 = 6200 = \text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات + درآمد صاحبان سرمایه}$$

**۲۴۹- گزینه «۲»**

**گزینه «۲»**

درآمد ملی دربرگیرنده مجموع درآمدهایی است که در طول سال نصیب ملت می‌شود. این درآمدها عبارتند از: درآمد حقوق‌گیران (دستمزدها)، درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه - ردیف ۳)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره - ردیف ۶)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

$$1600 = \frac{2}{3} \times 2400 = \text{درآمد صاحبان سرمایه}$$

$$1200 = \frac{3}{4} \times 800 = \text{سود شرکت‌ها و مؤسسه‌ها}$$

$$960 = \frac{3}{5} \times 1600 = \text{دستمزدها}$$

$$(800 + 2400) \times \frac{2}{100} = \text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات}$$

$$640$$

درآمد ملی:

$$800 + 2400 + 1600 + 1200 + 96 + 640 = \text{درآمد ملی}$$

$$7,600 = \text{میلیارد دلار سرانه}$$

درآمد سرانه:

$$200,000 = \frac{7,600,000}{38} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

**۲۵۰- گزینه «۳»**

**گزینه «۳»**

**الف / پ**

مجموع اقلام مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی  
ارزش خدمات ارائه‌شده + تولید خارجیان مقیم کشور +

$$220 = 50 + 35 + 135 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$750 = \text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$176 = 220 - \left( \frac{1}{5} \times 220 \right) = 220 - 44 = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$8.800 = \frac{176,000}{20} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل کشور}}$$

$$8,800 = \text{ریال}$$

۲۵۳- گزینه «۲»

(صفحه ۴۶)

$$A \text{ درآمد سرانه کشور } = \frac{100}{10} = 10$$

$$B \text{ درآمد سرانه کشور } = \frac{200}{50} = 4$$

$$A \text{ درآمد سرانه } > B \text{ درآمد سرانه}$$

۲۵۴- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

الف- یکی از شروط محاسبه‌شدن در تولید کل جامعه، این است که فعالیت به تولید کالا یا خدمات نهایی منجر شود و چرم یک کالای واسطه‌ای است و ارزش کالای واسطه‌ای در درون کالای نهایی است و در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالای واسطه‌ای صرف‌نظر و فقط کالای نهایی را محاسبه کنیم.

ب- یکی از شروط محاسبه‌شدن در تولید کل جامعه، عبورکردن از بازار است یعنی تولید کالایی در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل داده شود. انجام کارهایی برای رفع نیاز خود فاقد این ویژگی است.

پ- یکی دیگر از شروط محاسبه‌شدن در تولید کل جامعه، قانونی و مجاز بودن است. در این مورد فعالیت قاچاق محسوب شده و قانونی و مجاز نیست.

۲۵۵- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند = تولید ناخالص ملی

تولید مردم کشور که در کشور ساکن هستند +

$$\Rightarrow \text{تولید مردم کشور که در کشور ساکن هستند} = 86 + 114 = 190$$

$$\Rightarrow 114 - 86 = \text{تولید مردم کشور که در کشور ساکن هستند}$$

$$= 28 \text{ میلیون دلار}$$

تولید مردم کشور که در کشور ساکن هستند = تولید ناخالص داخلی

تولید خارجیان مقیم کشور +

$$\text{میلیون دلار } = 28 + (19 + 12 + 16) = 75$$

$$\text{دلار } = \frac{1}{100} \times 86,000,000 = 860,000$$

$$\text{دلار } = 75,000,000 - 860,000 = 74,140,000$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت کل کشور}}$$

$$\text{دلار } = \frac{74,140,000}{20,000,000} = 3.707$$

۲۵۶- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۳۲ و ۳۳ و صفحه ۳۸)

الف- تولید مردم کشور که در داخل اقامت دارند = تولید ناخالص ملی

تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند +

$$14 - 245 = \text{تولید مردم کشور که در داخل اقامت دارند}$$

$$= 231 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$\text{هزار میلیارد ریال } = 254 + 14 = 240 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

تولید مردم کشور که در داخل اقامت دارند = تولید ناخالص داخلی

تولید خارجیان مقیم کشور +

$$\text{هزار میلیارد ریال } = 254 - 231 = 23 = \text{تولید خارجیان مقیم کشور}$$

ب- اگر تورم جهانی ۲۰ درصد بوده و صادرات اسمی جامعه‌ای ۱۰ درصد افزایش یافته باشد، در واقع صادرات واقعی ۱۰ درصد کاهش یافته است.

پ- اگر دستمزد کارکنان دولت ۲۵ درصد افزایش یابد و در همان زمان تورم ۲۵ درصد باشد، در واقع خرید واقعی آنان تغییری نکرده است. اگر در همان حالت بانک‌ها به سپرده‌های مردم ۳۰ سود اسمی بپردازند، در واقع پس از کسر تورم ۵ سود واقعی خواهیم داشت.

۲۵۷- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۳۲ و ۳۳ و صفحه ۳۶)

الف- انواع قطعات یدکی خودرو = ارزش کالاهای واسطه‌ای در تولید کل محاسبه نمی‌شود.

$$= 80 + 18 + 4/8 + 12/2 + 32 + (1/4 \times 80)$$

$$= \text{میلیارد دلار } 167$$

تولید خارجیان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند +

$$\text{میلیارد دلار } = 124 = 167 - 80 + 37 = \text{تولید ناخالص ملی}$$

$$\text{ب- } 7,000,000 \div 124,000,000,000 = \text{تولید ناخالص ملی سرانه}$$

$$= 17,714 \text{ دلار}$$

پ- در کشور لبنان که نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج

از مرزهایشان کار می‌کنند، تولید ملی بیشتر از تولید داخلی است، بنابراین

تولید ملی باید عددی بزرگ‌تر از ۱۶۷ باشد.

۲۵۸- گزینه «۳»

(صفحه ۴۳)

الف- تولید خالص داخلی موردنظر است؛ پس باید هزینه استهلاک را کم کنیم:

$$= 3,200,000,000 + 80,000,000 + 350,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$+ \frac{1}{4} \times (80,000,000) = 3,650,000,000$$

$$\frac{1}{16} \times (3,200,000,000) \rightarrow \text{هزینه استهلاک}$$

$$= 3,650,000,000 - 200,000,000 = 3,450,000,000 = \text{تولید خالص داخلی}$$

ب- تولید ناخالص همان GDP است؛ یعنی مجموع تولیدات بدون کسر هزینه استهلاک.

۲۵۹- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

الف- با توجه به قسمت (الف)، همه گزینه‌ها حذف می‌شوند. ← انتخاب

گزینه (۲)

ارزش افزوده مرحله اول → ۶۵۰۰ → کشاوری به ریسندگی

۱۰۰۰ → پنبه به نخ

۱۵۰۰ → نخ به پارچه

۷۰۰۰ → پارچه به پوشاک

ب- ارزش افزوده هر مرحله، اختلاف آن مرحله با مرحله قبل از خود می‌باشد.

این روش محاسبه کل را روش تولید یا روش ارزش افزوده می‌نامیم. (حذف

گزینه‌های (۱) و (۴))

هزینه‌ای

درآمدی

تولید یا ارزش افزوده

پ- برای محاسبه ارزش کل کالاها

و خدمات، سه روش وجود دارد:

ت- کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه، حداقل از دو روش برای انجام

محاسبات استفاده می‌کنند، اما بدیهی است که با هر سه روش، به جواب

یکسانی خواهیم رسید.



۲۶۰- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۵۳۲ تا ۴۳)

خدمات ارائه شده  $\rightarrow$  ریال  $9,000,000 = \frac{1}{9} \times 81,000,000$   
 هزینه استهلاک  $\rightarrow$  ریال  $200,000,000 = \frac{1}{18} \times 3,600,000,000$   
 مجموع ارزش تمام تولیدات

$3,600,000,000 + 81,000,000 + 180,000,000 + 9,000,000$   
 $= 3,870,000,000$  ریال  $\rightarrow$  تولید ناخالص داخلی  
 تولید خالص داخلی  $3,870,000,000 - 200,000,000 = 3,670,000,000$   
 تولید خالص داخلی = هزینه استهلاک - تولید خالص داخلی

۲۶۱- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

الف- تولید خالص داخلی = تولید ناخالص داخلی پس از کسر هزینه‌های استهلاک

ارزش کل مواد غذایی  $500 \times 30,000,000 = 15,000,000,000$   
 ارزش کل ماشین‌آلات  $500 \times 50,000,000 = 25,000,000,000$   
 ارزش کل پوشاک  $500,000 \times 15,000 = 7,500,000,000$   
 ارزش خدمات  $\frac{2}{3} \times 7,500,000,000 = 5,000,000,000$

میلیون ریال  $277,500,000,000 = 277,500$  = تولید ناخالص داخلی  
 حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

هزینه استهلاک  $\frac{1}{25} \times 25,000,000,000 = 1,000,000,000$   
 هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی  
 ریال  $277,500,000,000 - 1,000,000,000 = 276,500,000,000$   
 میلیون ریال  $276,500 =$  تولید خالص داخلی

ب- (حذف گزینه (۳))

در صورت سؤال با توجه به حذف گزینه‌ها، دیگر نیازی به ادامه پاسخگویی نیست و گزینه (۴) را انتخاب می‌کنیم.

پ- تولید خالص داخلی سرانه =  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت}}$

تولید سرانه داخلی = ریال  $5250 = \frac{276,500,000,000}{50,000,000}$

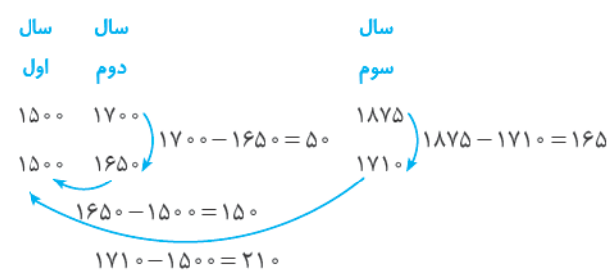
۲۶۲- گزینه «۱»

(صفحه ۴۷)

الف- هزار میلیارد ریال  $1700 - 1650 = 50$  = رشد قیمت‌های سال دوم  
 هزار میلیارد ریال  $1875 - 1710 = 165$  = رشد قیمت‌های سال سوم  
 (حذف گزینه‌های (۲) و (۴))

ب- هزار میلیارد ریال  $1650 - 1500 = 150$  = رشد تولید سال دوم  
 هزار میلیارد ریال  $1710 - 1500 = 210$  = رشد تولید سال سوم  
 (حذف گزینه (۳))

پاسخ قسمت پ- نیز همانند پاسخ قسمت الف- است.  
 روش تفریق عمودی و افقی:



تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (یا همان پدیده تورم)

تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید

دقت کنیم قسمت الف- و ب- یکسان هستند چون پدیده تورم همان افزایش قیمت‌ها است و با این حساب گزینه (۴) در اول کار حذف می‌شود.

۲۶۳- گزینه «۲»

(صفحه ۴۴)

الف- هزینه استهلاک سالیانه ریال  $2,000,000,000 = \frac{13}{6/5}$   
 میزان افزایش بهای دستگاه  $1300 \times \frac{100}{100} = 1300$   
 قیمت جدید دستگاه با محاسبه ۱۰٪ افزایش بها:  
 $13,000 + 1300 = 14,300$

هزینه استهلاک سالانه با محاسبه ۱۰٪ افزایش بها:  
 $14,300 \div 6.5 = 2,200$   
 هزینه استهلاک دو سال آخر  $2,200 \times 2 = 4,400$   
 $14,300$

۲۶۴- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۳ تا ۴۴)

الف- تمام واحدها به ریال محاسبه شده است.

میلیون ریال  $7,500 \times 1,000,000,000 = 7,500,000,000$  : ارزش پوشاک  
 میلیون ریال  $2,500 \times 100,000,000 = 250,000,000,000$  : ارزش ماشین‌آلات  
 میلیون ریال  $250 \times 60,000,000,000 = 15,000,000,000,000$  : ارزش مواد غذایی  
 خدمات ارائه شده  $\frac{3}{5} \times 15,000,000,000,000 = 9,000,000,000,000$   
 هزینه استهلاک  $\frac{2}{3} \times 7,500,000,000,000 = 5,000,000,000,000$   
 $250,000,000,000,000 + 7,500,000,000,000 + 15,000,000,000,000$   
 $+ 9,000,000,000,000 = 281,500,000,000,000$  = تولید ناخالص داخلی  
 $281,500,000,000,000 - 5,000,000,000,000 = 276,500,000,000,000$  = تولید خالص داخلی

ب-  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل کشور}} =$  تولید ناخالص داخلی سرانه  
 $\Rightarrow \frac{276,500,000,000,000}{50,000,000} = 5,530$

پ-  $281,500,000,000,000$  = تولید ناخالص داخلی بدون محاسبه هزینه استهلاک

۲۶۵- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

همة واحدها میلیارد ریال است.

الف- هزینه استهلاک سالیانه  $4 = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{عمر مفید}}$

ب- / پ- قیمت جدید با احتساب ۱۵٪ افزایش قیمت  $\frac{15}{100} = \frac{4}{2}$   
 $\frac{4}{2} + 28 = 32/2 = 32,200$   
 $\frac{32/2}{4} = 4/6$  = هزینه استهلاک سالانه با قیمت جدید

هزینه استهلاک ۳ سال آخر با قیمت جدید  $13/8 = 13,800$

۲۶۶- گزینه «۱»

(صفحه ۴۵)

الف- وجوه پرداختی به عوامل تولید تحت عنوان مزد، سود و اجاره به نیروی کار، صاحبان سرمایه و املاک و مستغلات تعلق می‌گیرد.

ب- عوامل تولید  
 زمین یا منابع طبیعی  
 سرمایه  
 نیروی کار

پ- وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات از سوی خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی در مسیر ۴ قرار دارد.

ت- مسیر ۲ بیانگر محاسبه تولید کل به روش «درآمدی» است.

ث- اشخاص حقوقی = بنگاه‌های اقتصادی

خانوارها صاحبان عوامل تولید می‌باشند و بنگاه‌های اقتصادی، اشخاص حقوقی اقتصاددانند.

وجوه پرداختی به عوامل تولید = (مزد، سود، اجاره)  
(۲) ← روش درآمدی



### ۲۶۷- گزینه «۱»

تولید خارجیان مقیم کشور ← تولید داخلی ← درون مرزهای جغرافیایی

تولید مردم کشور + تعداد خارجیان - تولید ناخالص = تولید  
که در خارج + مقیم کشور = ناخالص ملی  
مقیم هستند

$$255 = 250 - x + 15 \Rightarrow 255 = 265 - x \Rightarrow x = 10$$

میلیارد ریال ۱۰

### ۲۶۸- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

$$\text{میلیارد ریال } 12 = \frac{2}{3} \times 18 = \frac{2}{3} \times (\text{ارزش تولید خارجیان مقیم کشور}) = \frac{2}{3} \times (\text{ارزش خدمات ارائه شده})$$

تولید ارزش + خدمات ارزش + ارزش ماشین‌آلات + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک = ناخالص خارجیان + خدمات ارائه شده + ارزش پوشاک داخلی

$$\text{میلیارد ریال } 175 = 145 + 12 + 18 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 27 = \frac{3}{5} \times 45 = \text{هزینه استهلاك}$$

$$\text{میلیارد ریال } 175 = 175 - 27 + 45 - 18 = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{هزینه استهلاك} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 148 = 175 - 27 = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{ریال } 3288/8 = \frac{148,000}{45} = \text{تولید خالص داخلی} = \text{جمعیت کشور} \times \text{تولید خالص داخلی سرانه}$$

### ۲۶۹- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

الف ارزش افزوده مرحله ۱ ← ۴۰۰۰  
ارزش افزوده مرحله ۴ ← ۸۰۰۰  
حذف گزینه‌های (۳) و (۴)

ارزش افزوده		ارزش افزوده
۴,۰۰۰	کاشت پنبه	۴,۰۰۰
۵,۰۰۰	تبدیل پنبه به نخ	۱,۰۰۰
۸,۰۰۰	تبدیل نخ به پارچه	۳,۰۰۰
۱۶,۰۰۰	تبدیل پارچه به پوشاک	۸,۰۰۰

ب روش ارزش افزوده یا روش تولید ← حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

پ روش هزینه‌ای انتقال پول از خانوارها به بنگاه‌ها

روش درآمدی انتقال پول از بنگاه‌ها به خانوارها

ت حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

### ۲۷۰- گزینه «۲»

(ترکیبی)

الف در صورت فقدان یا کمبود درآمد صادراتی، مصرف‌کنندگان یک کشور مجبور می‌شوند بخشی از درآمدهای خود را که قبلاً به کالاهای مصرفی داخلی اختصاص می‌دادند به تولیدکنندگان خارجی بپردازند.

ب آن دسته از خط‌مشی‌های دولت که با اخذ مالیات تحقق می‌یابد (سیاست مالی) نام دارد. (در فصل‌های بعدی می‌خوانیم.)

پ تولید ناخالص ملی = GNP

ت بسیاری از دانشمندان اقتصاد معتقدند که نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های تربیت نیروی انسانی را به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری منظور کنیم. (در فصل‌های بعدی می‌خوانیم.)

### ۲۷۱- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

ب واحد میلیارد ریال است. هزینه استهلاك  $17 = 85 \times \frac{1}{5}$

$$\text{ارزش خدمات ارائه شده } 20 = 30 \times \frac{2}{3}$$

ب GDP تولید ناخالص داخلی  $235 = 185 + 30 + 20$

ب در محاسبه تولید داخلی باید تولیدات داخلی مرز جغرافیایی را محاسبه کنیم. حال چه تعداد اعضای آن ملت باشند چه تولید خارجیان مقیم آن کشور.

تولید ناخالص داخلی - هزینه استهلاك = تولید خالص داخلی

$$\text{تولید خالص داخلی } 218 = 235 - 17$$

الف تولید داخلی سرانه =  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{کل جمعیت}}$

$$\frac{218,000,000,000}{85,000,000} = 2,564$$

تولید خالص داخلی سرانه ۲,۵۶۴

پ تولید خالص ملی  $243 = 17 + 30 + 185 - (\text{ارزش تولید خارجیان مقیم کشور})$

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور  
هزینه استهلاك

ب در تولید خالص ملی باید تولیدات کل یک ملت را چه در داخل مرزها باشند و چه در خارج از آن باید محاسبه کنیم.

### ۲۷۲- گزینه «۴»

(صفحه ۴۵)

الف مسیر ۴ ← روش هزینه‌ای (پولی که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند).

ب مسیر ۲ ← روش درآمدی (پولی که بنگاه‌های اقتصادی به عوامل تولید می‌پردازند).

### ۲۷۳- گزینه «۳»

(صفحه ۴۵)

الف ارزش افزوده مرحله ۱ → ۴,۵۰۰

ارزش افزوده مرحله ۳ → ۲,۵۰۰ = ۸,۵۰۰ - ۶,۰۰۰

ب روش ارزش افزوده یا روش تولید

پ هر دو توضیح به روش «درآمدی» اشاره دارند.

ت حداقل دو روش را برای محاسبه به کار گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه کنند.

### ۲۷۴- گزینه «۲»

(صفحه ۴۴)

ب واحدها به میلیارد ریال است.

الف هزینه استهلاك سالیانه  $70 = \frac{980}{14}$

ب میزان کاهش →  $980 \times \frac{1}{100} = 98$  میلیارد ریال

پ قیمت جدید →  $882 = 980 - 98$  میلیارد ریال

ب میلیارد ریال  $63 = \frac{882}{14}$  → هزینه استهلاك جدید

میلیارد ریال  $252 = 63 \times 4$  → هزینه استهلاك ۴ سال آخر

### ۲۷۵- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

$$70 = 12 \div 840$$

الف میزان هزینه استهلاك سالیانه  $100/8 = 840 \times \frac{12}{100}$

ب/پ  $940,800 = 840 + 100/8 = 940/8$

میلیون ریال  $78,400 = \frac{940,800}{12}$  = هزینه استهلاك با قیمت جدید

میلیون ریال  $235,500 = 78,400 \times 3$

**۲۷۶- گزینه «۱»**

(صفحه‌های ۳۲ و ۳۵)

**الف** قدرت اقتصادی جامعه و سطح زندگی مردم آن ← میزان تولید کالا و خدمات

**ب** درآمد ملی = مجموع درآمدهایی است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود.

سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود + درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان املاک و مستغلات + قیمت خدمات سرمایه + درآمد حقوق‌بگیران

**پ** کالای نهایی - کالای واسطه‌ای

**ت** تولید ناخالص ملی = ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یکسال تولید کرده‌اند.

**ث** هزینه استهلاک

**ج** روش ارزش افزوده یا روش تولید

**۲۷۷- گزینه «۲»**

(صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

هزینه استهلاک  $10 = \frac{2}{3} \times 15$  خدمات ارائه شده  $39 = \frac{3}{5} \times 65$   
**الف** تولید مردم کشور که خدمات + مجموع ارزش = تولید ناخالص در خارج هستند. ارائه شده افزوده‌ها ملی

تولید ناخالص ملی  $269 = 65 + 39 + 165$

**ب / پ** هزینه استهلاک - تولید ناخالص = تولید ناخالص ملی  
 $259 = 10 - 269 \Rightarrow$

تولید ناخالص داخلی  $219 = 15 + 39 + 165$

تولید خارجی‌ان مقیم کشور

تولید خالص داخلی  $209 = 10 - 219$

$3,215 = \frac{209,000,000,000}{65,000,000} =$  تولید خالص داخلی سرانه

**۲۷۸- گزینه «۱»**

(صفحه ۴۰)

**الف** حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های متنوع به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.

**ب** تولید داخلی

**پ** که اقتصاد زیرزمینی است جزء تولید کشور محسوب نمی‌شود و در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود.

**ت** با روش می‌توان ارزش کل تولیدات جامعه را محاسبه کرد. در روش هزینه‌ای کل پولی را که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود.

**ث** به جوابی واحد و یکسان می‌رسیم.

**ج** این رقم بزرگ‌تر به معنای افزایش تولید نیست بلکه افزایش قیمت را نشان می‌دهد.

**۲۷۹- گزینه «۳»**

(صفحه ۴۳)

تولید خارجی‌ان - (تولید اتباع) + x = GDP = GNP  
 مقیم کشور مقیم خارج

$$455 = 450 + x - 25$$

$$455 = 425 + x \Rightarrow 30 = (\text{تولید اتباع مقیم خارج}) x$$

$$\Rightarrow x = 455 - 425$$

سهام تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.

**۲۸۰- گزینه «۴»**

(صفحه ۳۵)

**الف**

مرحله	ارزش افزوده	قیمت فروش
۱	۳,۵۰۰	کاشت پنبه ۳,۵۰۰
۲	۲,۰۰۰	تبدیل پنبه به نخ ۵,۵۰۰
۳	۲,۰۰۰	تبدیل نخ به پارچه ۷,۵۰۰
۴	۶,۵۰۰	تبدیل پارچه به پوشاک ۱۴,۰۰۰

**ب** روش ارزش افزوده یا روش تولید

**پ** روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای

**ت** حداقل ۲ روش از ۳ روش را محاسبه کنند و جواب‌ها را با هم مقایسه کنند.

**۲۸۱- گزینه «۱»**

(صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

ارزش کل تولیدات  $165,000,000,000$

تولید خارجی‌ان مقیم کشور =  $30$  میلیارد ریال

در تولید داخلی محاسبه می‌شود. →

تولید مردم کشور مقیم خارج =  $85$  میلیارد ریال

در تولید ملی محاسبه می‌شود. →

$$\text{ارزش خدمات} = 20,000,000,000 = \frac{2}{3} \times 30,000,000,000$$

$$\text{هزینه استهلاک} = 17,000,000,000 = \frac{1}{5} \times 85,000,000,000$$

**الف** تولید خالص ملی پس باید هزینه استهلاک کسر شود.

$$(165,000,000,000 + 85,000,000,000 + 20,000,000,000)$$

$$\text{ریال} = 253,000,000,000 = 17,000,000,000 -$$

**ب** تولید ناخالص داخلی

$$165,000,000,000 + 20,000,000,000 = \text{جمع تولیدات}$$

$$\text{ریال} = 215,000,000,000 = 30,000,000,000 +$$

**پ** تولید خالص ملی سرانه

$$2,300 = \frac{253,000,000,000}{110,000,000} = \text{تولید خالص ملی جمعیت}$$

(صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

**۲۸۲- گزینه «۱»**

**الف** میلیارد ریال  $591 = \frac{1}{3}(986 + 787) =$  درآمد حقوق‌بگیران

میلیارد ریال  $752 = \frac{2}{5}(986 + 894) =$  درآمد صاحبان مشاغل

میلیارد ریال  $149 = \frac{1}{6}(894) =$  دستمزدها

$$986 + 591 + 752 + 894 + 149 + 787 = \text{درآمد ملی}$$

$$= 4159 \text{ میلیارد ریال}$$

**ب** درآمد سرانه عبارت است از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه.

**پ** قیمت خدمات سرمایه ← ردیف ۱ / اجاره‌بها یا وجود مربوط به اجاره ← ردیف ۷

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{4,159,000,000,000}{110,000,000} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}}$$

$$= 92422 \text{ ریال}$$

(صفحه ۳۷)

**۲۸۳- گزینه «۲»**

قیمت P تعداد Q

$$75 \times 300 = 22,500 = \text{تولید کالای A در سال ۹۲ به قیمت پایه}$$

$$700 \times 60 = 42,000 = \text{تولید کالای B در سال ۹۲ به قیمت پایه}$$

$$400 \times 75 = 30,000 = \text{تولید کل کالای A در سال ۱۳۹۲}$$

تولید کل کالای B در سال ۱۳۹۲ =  $700 \times 120 = 84,000$

الف) حذف گزینه‌های (۳) و (۴)

$84,000 + 30,000 = 114,000$  = تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲  
 $22,500 + 42,000 = 64,500$  = تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲

۲۸۴- گزینه «۲»

الف) هزینه استهلاک  $\rightarrow$  ریال  $\frac{16,000,000}{20} = 8,000,000$

ب) درآمد خالص  $\rightarrow$  ریال  $40,000,000 - 8,000,000 = 32,000,000$  ماهیانه

۲۸۵- گزینه «۳»

واحد به میلیارد ریال محاسبه می‌شود.

الف) ارزش خدمات ارائه شده  $\frac{2}{3} \times 45 = 30$

الف) هزینه استهلاک  $\frac{3}{5} \times 25 = 15$

GDP  $145 + 25 + 30 = 200$

تولید خالص داخلی هزینه استهلاک - GDP

تولید خالص داخلی  $200 - 15 = 185$

ب) GNP  $145 + 45 + 30 = 220$

تولید خالص ملی  $220 - 15 = 205$

پ)  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل کشور}} = \frac{185,000,000,000}{5,000,000} = 3,700$

$\Rightarrow \frac{185,000,000,000}{5,000,000} = 3,700$

۲۸۶- گزینه «۱»

الف) تولید کل سال ۹۰ به قیمت جاری

$\Rightarrow (150 \times 25) + (50 \times 300) = 18,750$

ب) تولید کل سال ۹۰ به قیمت ثابت

$\Rightarrow (100 \times 25) + (20 \times 300) = 8,500$

۲۸۷- گزینه «۳»

الف) هزینه استهلاک سالیانه  $\frac{12,000,000}{15} = 8,000,000$

ب) درآمد خالص سالیانه  $30,000,000 - 8,000,000 = 22,000,000$

۲۸۸- گزینه «۳»

الف) روش درآمدی مربوط به مسیر ۲ است که در آن بنگاه‌های اقتصادی،

اجزای تولید (دستمزد، اجاره، سود) را به خانوارها پرداخت می‌کنند.

ب) وجوه پرداختی به عوامل تولید عبارت‌اند از: مزد، سود و اجاره

پ) عوامل تولید عبارت‌اند از: زمین (منابع طبیعی)، سرمایه و نیروی کار.

ت) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به مسیر ۴ است که روش

هزینه‌ای را نشان می‌دهد.

۲۸۹- گزینه «۳»

الف)  $\frac{\text{ارزش دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \text{هزینه استهلاک سالانه}$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)  $\rightarrow$  ریال  $\frac{12,000,000}{15} = 8,000,000$

ب) درآمد خالص سالانه  $30,000,000 - 8,000,000 = 22,000,000$

۲۹۰- گزینه «۱»

الف) تولید در سال

مفروض به قیمت - تولید در سال دوم = افزایش تولید کل به

ثابت به قیمت جاری به قیمت ثابت یا تورم در یک سال

هزار میلیارد ریال  $2210 - 2140 = 70$

الف) حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)

ب) تولید در سال سوم = افزایش تولید کل ناشی از سال پایه به قیمت ثابت

حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)  $\rightarrow$  هزار میلیارد ریال  $2280 - 2000 = 280$

روش تفریق عمودی و افقی:

سال سوم	سال دوم	سال اول
۲۵۰۰	۲۲۱۰	۲۰۰۰
۲۲۸۰	۲۱۴۰	۲۰۰۰
	$2210 - 2140 = 70$	
		$2280 - 2000 = 280$

تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (تورم)

تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید

۲۹۱- گزینه «۳»

الف) تولید خالص ملی: ارزش خدمات + ارزش پوشاک + مواد غذایی + ماشین‌آلات + تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند (این‌ها اعضای یک ملت هستند و تولیداتشان مورد محاسبه در تولید ملی واقع می‌شود).

بهای خدمات  $\rightarrow$  میلیارد ریال  $\frac{1}{4} \times 44,000,000,000 = 11$

تولید ناخالص ملی  $\rightarrow$  میلیارد ریال  $150 + 11 + 45 = 206$

هزینه استهلاک  $\rightarrow$  میلیارد ریال  $\frac{2}{3} \times 45,000,000,000 = 30$

ب) برای محاسبه تولید خالص ملی، هزینه استهلاک را از تولید ناخالص ملی کم می‌کنیم.

تولید خالص ملی  $\rightarrow$  میلیارد ریال  $206 - 30 = 176$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

ب) تولید خالص داخلی  $\rightarrow 205 - 30 = 175$

تولید ناخالص داخلی - هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی

ریال  $\frac{175}{35} = 5$  =  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

پ) تولید ناخالص داخلی: ارزش پوشاک + ارزش مواد غذایی + ارزش

ماشین‌آلات + ارزش تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش خدمات

تولید ناخالص داخلی  $\rightarrow$  میلیارد ریال  $150 + 11 + 44 = 205$

حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

۲۹۲- گزینه «۲»

الف) ارزش پنبه  $6,500$   $\leftarrow$  مرحله اول

ریسندگی: تبدیل پنبه به نخ  $7,500$   $\leftarrow$  مرحله دوم

پارچه‌بافی: تبدیل نخ به پارچه  $11,000$   $\leftarrow$  مرحله سوم

تبدیل پارچه به پوشاک  $19,000$   $\leftarrow$  مرحله چهارم

حذف گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)

ب) روش ارزش افزوده یا روش تولید  $\leftarrow$  حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

پ) جریان پول از بنگاه‌ها به خانوارها  $\leftarrow$  روش درآمدی

جریان پول از خانوارها به بنگاه‌ها  $\leftarrow$  روش هزینه‌ای  $\leftarrow$  حذف گزینه‌های (۱)،

(۳) و (۴)

ت) اقتصاددانان برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه

به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

**۲۹۳- گزینه «۳»**

(صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

پ — میلیارد ریال  $17 = \frac{85}{5}$  = هزینه استهلاک سالیانه  
حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

میزان افزایش قیمت کالا  $\rightarrow$  ریال  $5,950,000,000 \times \frac{7}{100} = 416,500,000$

پ —  $85,000,000,000 + 416,500,000 = 85,416,500,000$  = قیمت جدید آن کالا  
ریال  $90,950,000,000$

ریال  $8,190,000,000 = \frac{90,950,000,000}{5 \text{ سال}}$  = هزینه استهلاک سالیانه با قیمت جدید

الف — ریال  $36,380,000,000 = 8,190,000,000 \times 2 = 2 \times$  هزینه استهلاک سال آخر

**۲۹۴- گزینه «۱»**

(صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

الف — هزینه استهلاک سالیانه  $\rightarrow$  ریال  $9,000,000,000 = \frac{99,000,000,000}{11}$

پ — میزان افزایش قیمت کالا  $\rightarrow$  ریال  $8,910,000,000 = 99,000,000,000 \times \frac{9}{100}$

پ — بهای جدید کالا  $\rightarrow$  ریال  $107,910,000,000 = 99,000,000,000 + 8,910,000,000$

هزینه استهلاک سالانه با قیمت جدید  $\rightarrow$  ریال  $9,810,000,000 = \frac{107,910,000,000}{11}$

هزینه استهلاک ۴ سال آخر  $\rightarrow$  ریال  $39,240,000,000 = 9,810,000,000 \times 4$

**۲۹۵- گزینه «۳»**

(صفحه ۳۴)

الف و پ — تولید خالص داخلی سرانه

• تولید کل افراد داخل مرز جغرافیایی مشخص

خدمات ارائه شده  $= 15,000,000,000 = \frac{1}{3} \times 45,000,000,000$

تولید خارجیان مقیم کشور  $= 21,000,000,000 = 1/5 \times 14,000,000,000$   
خدمات ارائه شده + تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش کل پوشاک و تولید داخلی

$= 135,000,000,000 + 15,000,000,000 + 21,000,000,000$

تولید ناخالص داخلی  $\rightarrow$  ریال  $171,000,000,000$

تولید ناخالص داخلی - هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی

$171,000,000,000 - 14,000,000,000$

تولید خالص داخلی  $\rightarrow$  ریال  $157,000,000,000$

$\frac{157,000,000,000}{5,000,000,000} = 31/4$

تولید خالص داخلی جمعیت کشور  $\rightarrow$  تولید خالص داخلی سرانه

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

پ — تولید خالص ملی  $\leftarrow$  تولیدات کل یک ملت چه در داخل و چه در خارج از کشور

خدمات ارائه شده + ارزش کل پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی) = تولید خالص ملی

هزینه استهلاک - (تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند +  $(135,000,000,000 + 15,000,000,000 + 45,000,000,000)$ )

ریال  $181,000,000,000 = 14,000,000,000$

تولید خالص ملی  $\leftarrow$  حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)

**۲۹۶- گزینه «۱»**

(صفحه ۳۷)

تولید در سال موردنظر = افزایش ناشی از افزایش

سال پایه به قیمت ثابت

تولید در آن سال  
هزار میلیارد ریال  $3600 - 3500 = 100$

$\leftarrow$  افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال دوم

$\leftarrow$  حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) هزار میلیارد ریال  $500 = 3950 - 3450$

$\leftarrow$  افزایش تولید کل ناشی از تورم در سال سوم

تولید در آن سال - تولید در سال سوم = افزایش تولید کل ناشی از  
به قیمت پایه به قیمت جاری تورم یا افزایش قیمت‌ها  
روش تفریق عمودی و افقی:

سال سوم	سال دوم	سال اول
۳۹۵۰	۳۷۰۰	۳۵۰۰
۳۹۵۰ - ۳۴۵۰ = ۵۰۰		
۳۴۵۰	۳۶۰۰	۳۵۰۰
	۳۶۰۰ - ۳۵۰۰ = ۱۰۰	

تفریق عمودی  $\leftarrow$  افزایش قیمت (تورم)

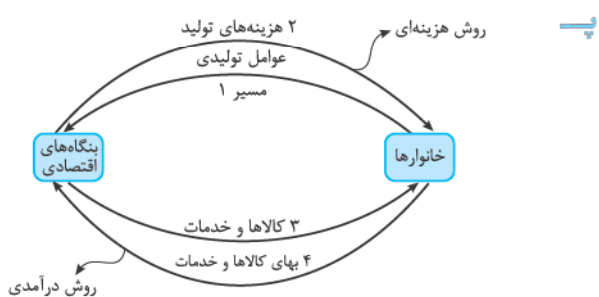
تفریق افقی  $\leftarrow$  افزایش تولید

**۲۹۷- گزینه «۴»**

(صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

فروش پنبه ۵,۰۰۰ ریال مرحله اول  
ریسندگی: تبدیل پنبه به نخ ۷,۰۰۰ ریال مرحله دوم  
پارچه‌بافی: تبدیل نخ به پارچه ۹,۵۰۰ ریال مرحله سوم  
تولیدپوشاک و تبدیل پارچه بهپوشاک ۱۳,۰۰۰ ریال مرحله چهارم  
• ارزش افزوده در مرحله اول در واقع ارزش اولیه کالاست که این‌جا معادل ۵,۰۰۰ ریال می‌باشد و ارزش افزوده مرحله چهارم در واقع اختلاف قیمت پارچه و پوشاک است که معادل:  $3500 = 9500 - 13000$  می‌باشد.  $\leftarrow$   
حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)

پ — روش ارزش افزوده یا روش تولید  $\leftarrow$  حذف گزینه‌های (۱) و (۳)



گاهی ارزش پولی تولیدات نهایی را از آن‌جا که به خانوار فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم، بدیهی است در این محاسبه، نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ چرا که ارزش پولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خودبه‌خود اندازه‌گیری کرده‌ایم. به این روش «روش هزینه‌ای» می‌گویند.

ت — بدیهی است هر سه روش، جواب یکسانی به ما خواهند داد (روش هزینه‌ای - درآمدی - ارزش افزوده). از این‌رو برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری ملی کشور حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

**۲۹۸- گزینه «۱»**

(صفحه ۳۷)

الف — افزایش تعداد تولید در سال دوم

تولید در سال پایه - تولید در سال دوم به قیمت پایه

هزار میلیارد ریال  $860 = 3860 - 3000$

• افزایش تعداد تولید در سال سوم

تولید در سال پایه - تولید در سال سوم به قیمت پایه

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)  $\rightarrow$  هزار میلیارد ریال  $3320 - 3000 = 320$

پ — افزایش قیمت یا تورم در سال دوم

تولید سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری

هزار میلیارد ریال  $390 = 3860 - 3470$

• افزایش قیمت یا تورم در سال سوم

تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری  
حذف گزینه‌های (۲) و (۳) → هزار میلیارد ریال  $6740 - 6320 = 420$   
پ افزایش قیمت همان تورم است که در بخش ۱ محاسبه شده ←  
گزینه (۱) پاسخ صحیح است.  
روش تفریق عمودی و افقی:

سال سوم	سال دوم	سال اول
6740	4250	3000
6320	3860	3000
$6740 - 6320 = 420$		
$4250 - 3860 = 390$		
$3860 - 3000 = 860$		
$6320 - 3000 = 3320$		

تفریق عمودی ← افزایش قیمت (تورم)

تفریق افقی ← افزایش تولید

### ۲۹۹- گزینه «۴»

الف قیمت خدمات سرمایه = ردیف ۴ ← سود صاحبان سرمایه و اجاره‌بها = درآمد صاحبان املاک و مستغلات = ردیف ۱

پ سود شرکت‌ها و مؤسسات → میلیارد ریال  $464 = \frac{2}{3} \times 696$   
درآمد حقوق‌بگیران → میلیارد ریال  $374 = \frac{2}{6} \times (656 + 466)$

درآمد صاحبان مشاغل آزاد → میلیارد ریال  $387 = \frac{1}{3} \times (696 + 466)$   
درآمد + سود شرکت‌ها + درآمد صاحبان املاک = درآمد ملی  
حقوق‌بگیران + مؤسسات + مستغلات و درآمد  
دستمزدها + درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان سرمایه +  
درآمد ملی → میلیارد ریال  $3043 = 656 + 464 + 374 + 696 + 387 + 466$

پ ریال  $6086 = \frac{3043 \times 1000}{500000000} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{درآمد سرانه}$   
ت مفهوم و معنای سرانه ← سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه

### ۳۰۰- گزینه «۳»

الف مسیر ۴ نشان‌دهنده پولی است که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات به بنگاه‌های اقتصادی می‌دهند که روش «هزینه‌ای» نام دارد.  
پ وجوه پرداختی از بنگاه‌های اقتصادی به سمت خانوارها تحت عنوان مزد، سود و اجاره در مسیر شماره ۲ نشان‌دهنده روش درآمدی است.  
پ  $A =$  بنگاه‌های اقتصادی ← اشخاص حقوقی  
 $B =$  خانوارها ← اشخاص حقیقی

### ۳۰۱- گزینه «۴»

الف حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصاد است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. ← حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)  
پ چون تولید در محدوده مرزهای جغرافیایی صورت گرفته پس به تولید داخلی اشاره می‌کند.  
پ فعالیت‌های غیرقانونی مثل قاچاق و مانند آن جزء تولید کشور محاسبه نمی‌شود؛ زیرا از یک سو اطلاع دقیقی از این فعالیت‌ها در دست نیست و از سوی دیگر محاسبه آن‌ها نوعی مشروعیت‌دادن به آن‌ها تلقی می‌شود.

### ۳۰۲- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۲۸۵ تا ۲۸۶)

الف وجوه پرداختی به عوامل تولید

۱ زمین یا منابع طبیعی  
۲ عوامل تولید  
۳ نیروی کار یا نیروی انسانی

پ وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات در مسیر ۴ قرار دارد. این وجوه از خانوارها به سمت بنگاه‌های اقتصادی جریان می‌یابد.  
ت مسیر ۲ بیانگر پرداخت مزد، سود و اجاره از سوی بنگاه‌های اقتصادی به خانوارها یعنی روش «درآمدی» است.

### ۳۰۳- گزینه «۳»

ارزش مواد غذایی ریال  $288,000,000 = \frac{60}{100} \times 480,000,000$

نکته: از آن‌جا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی لحاظ می‌گردد، در محاسبات تولید کل کشور لحاظ نمی‌گردد.

ارزش خدمات ارائه‌شده

ریال  $384,000,000 = \frac{50}{100} \times (480,000,000 + 288,000,000)$

ارزش مواد غذایی ارزش ماشین‌آلات  
پ  $480,000,000 + 288,000,000 = 768,000,000$  → تولید ناخالص داخلی ارزش خدمات  
حذف گزینه‌های (۱) و (۲) → ریال  $1,152,000,000 = 384,000,000 +$

پ تولید ناخالص ملی - هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی

الف استهلاک سرمایه ثابت  $\frac{1}{3} \times \text{GDP} = \frac{1}{3} \times 1,152,000,000$

حذف گزینه‌های (۱) و (۲) → ریال  $384,000,000 =$

ریال  $768,000,000 - 384,000,000 = 384,000,000$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴) → تولید خالص داخلی →

ت  $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{تولید خالص داخلی سرانه}$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴) → ریال  $38 / 4 = \frac{768,000,000}{20,000,000} =$

### ۳۰۴- گزینه «۳»

الف قیمت خدمات سرمایه = درآمد صاحبان سرمایه ← ردیف ۵  
اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره = درآمد صاحبان املاک و مستغلات ←  
ردیف ۲ { حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

پ میزان درآمد ملی

درآمد حقوق‌بگیران ریال  $174,739,500 = \frac{1}{4} \times 698,958,000$

ریال  $273,690,000 = \frac{2}{5} \times 684,225,000$

درآمد صاحبان املاک و مستغلات

دستمزدها ریال  $91,230,000 = \frac{1}{3} \times 273,690,000$

درآمد + سود شرکت‌ها + درآمد صاحبان املاک = درآمد ملی  
حقوق‌بگیران + مؤسسات + مستغلات و درآمد

سود شرکت‌ها + درآمد صاحبان + دستمزدها + درآمد صاحبان  
مؤسسات + مشاغل آزاد + سرمایه

درآمد ملی →  $2,172,238,700 = 91,230,000 + 273,690,000 + 174,739,500 + 684,225,000 + 698,958,000$

حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

پ ریال  $28,96 = \frac{2,172,238,700}{75,000,000} = \frac{\text{درآمد سرانه}}{\text{تعداد جمعیت}}$

حذف گزینه‌های (۱) و (۴)

ت سرانه ← سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

**۳۰۵- گزینه «۴»**

(صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

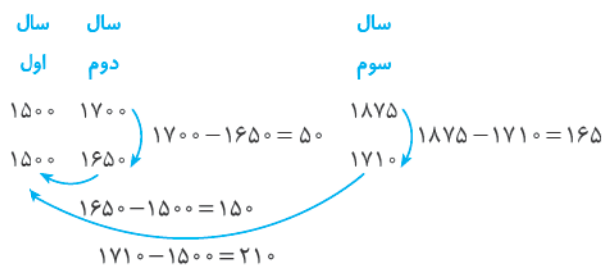
**الف / پ** تورم در سال دوم ← تولید در سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری  
افزایش قیمت‌ها

حذف گزینه‌های (۱) و (۲) → هزار میلیارد ریال  $50 = 165 - 170$   
تورم یا افزایش قیمت‌ها در سال سوم ← تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری

حذف گزینه‌های (۱) و (۲) → هزار میلیارد ریال  $165 = 1710 - 1875$   
**پ** افزایش تعداد تولید در سال دوم ← تولید در سال پایه - تولید در سال دوم به قیمت پایه

حذف گزینه‌های (۱) و (۳) → هزار میلیارد ریال  $150 = 1500 - 1650$   
افزایش تعداد تولید در سال سوم ← تولید در سال پایه - تولید سال سوم به قیمت پایه

حذف گزینه‌های (۱) و (۳) → هزار میلیارد ریال  $210 = 1500 - 1710$   
قسمت (پ) و (الف) سؤال هر دو به یک مسئله اشاره می‌کنند.  
روش تفریق عمودی و افقی:



تفریق عمودی ← افزایش قیمت (تورم)  
تفریق افقی ← افزایش تولید

**۳۰۶- گزینه «۴»**

(صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

**الف** سطوح خرد چهارگانه ← افراد، خانواده‌ها یا شرکت‌ها، انواع مؤسسات انتفاعی یا غیرانتفاعی، خیریه‌ها و ...  
حذف گزینه (۲) به علت کاربرد کلمه کلان

**پ** از آن‌جا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی است در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر، و فقط کالاهای نهایی را محاسبه کنیم.

**پ** کاشت سبزیجات در منزل برای مصرف خانگی ← از بازار عبور نمی‌کند  
← پول در مقابل آن دریافت نمی‌شود ← در محاسبه تولید کل محاسبه نمی‌شود ← گزینه (۴) صحیح است.

**۳۰۷- گزینه «۳»**

(صفحه‌های ۳۲ تا ۳۳)

ارزش خدمات ارائه‌شده  $11,000,000,000 = \frac{1}{4} \times 44,000,000,000$   
جمع کل ارزش ماشین‌آلات + مواد غذایی + پوشاک را داده، با خدمات ارائه‌شده جمع می‌کنیم.

$15,000,000,000 + 11,000,000,000 = 161,000,000,000$   
۱۶۱ میلیارد تومان ← این عدد هم در تولید ملی هم داخلی محاسبه می‌گردد.

هزینه استهلاک  $3,000,000,000 = \frac{2}{3} \times 45,000,000,000$

**الف**

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی  
استهلاک - مقیم خارج + کل ارزش تولیدات = تولید خالص ملی

کل تولیدات →  $150,000,000,000$   
تولید مردمی که در خارج اقامت دارند. →  $45,000,000,000$   
خدمات ارائه‌شده →  $11,000,000,000$   
تولید ناخالص ملی →  $206,000,000,000$

راه سریع‌تر:

$$\frac{161,000,000,000}{45,000,000,000} = 3.5777...$$

$$206,000,000,000 - 3,000,000,000 = 176,000,000,000$$

← حذف گزینه‌های (۴) و (۲)

**پ** استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی = جمعیت کشور × ارزش تولید + ارزش تولید خارجی مقیم  
**پ** جمعیت کشور × ارزش تولید کل = تولید ناخالص داخلی

$150,000,000,000$   
تولید خارجی مقیم کشور →  $44,000,000,000$  یا  $11,000,000,000$   
خدمات ارائه شده →  $11,000,000,000$   
تولید ناخالص داخلی →  $205,000,000,000$

← حذف گزینه‌های (۴) و (۲)

• با حل کردن بخش (الف) و (پ) به جواب می‌رسیم و نیازی به ادامه نیست اما این‌جا به طور کامل پاسخ می‌دهیم.

$$205,000,000,000 - 30,000,000,000 = 175,000,000,000$$

تولید خالص داخلی  $175,000,000,000$

$$\frac{175,000,000,000}{35,000,000,000} = 5 \rightarrow (2) \text{ و } (1)$$

• ۱۷۵ میلیارد تقسیم بر ۳۵ میلیون می‌شود ۵، اما در گزینه درست به اشتباه ۵ آمده است.

**۳۰۸- گزینه «۱»**

(صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

باید تولید ناخالص ملی را منهای سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند، کنیم. در این صورت خالص جمع کل ارزش تولیدات به دست می‌آید.

تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند + ارزش کل تولیدات = تولید ناخالص ملی  
تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند - تولید ناخالص ملی = ارزش کل تولیدات

$$240 = 255 - 15$$

حال تولید ناخالص داخلی را منهای ارزش کل تولیدات می‌کنیم تا سهم تولید خارجی مقیم کشور به دست آید.

تولید خارجی مقیم + ارزش کل تولیدات = تولید ناخالص داخلی  
 $250 - 240 = 10$

**۳۰۹- گزینه «۲»**

(صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

**الف**  $\frac{300,000,000}{25} = \frac{\text{ارزش ماشین‌آلات}}{\text{عمر مفید}} = \text{میزان هزینه استهلاک}$

$$12,000,000 \rightarrow (4) \text{ و } (1)$$

پـ برای محاسبه درآمد خالص باید هزینه استهلاک را از کل درآمد کم کنیم.  $68,000,000 =$  هزینه استهلاک سالیانه - درآمد خالص سالیانه حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

### ۳۱۰- گزینه «۲» (صفحه‌های ۴۳، ۴۶)

در این نوع سؤالات اول به مواردی پاسخ دهید که زمان کم‌تری می‌برد. **پـ** معنا و مفهوم سرانه ← سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد و تولید آن جامعه ← حذف گزینه‌های (۳) و (۴)

**پـ** قیمت خدمات سرمایه ← ردیف ۱  
حذف گزینه‌های (۱) و (۴)  
اجاره‌بها ← ردیف ۷

😊 با پاسخ به همین دو مورد به جواب صحیح می‌رسیم.

**الف** درآمد ملی

• درآمد حقوق‌بگیران

$$\frac{1}{3}(493,000,000,000 + 393,000,000,000)$$

$$= 295,333,333,333 = 295,000,000,000$$

• درآمد صاحبان مشاغل آزاد

$$\frac{2}{5}(493,000,000,000 + 447,000,000,000) = 376,000,000,000$$

$$\frac{2}{3}(447,000,000,000) = 298,000,000,000$$

$$+ \begin{cases} \text{درآمد صاحبان سرمایه} & 493,000,000,000 \\ \text{درآمد حقوق‌بگیران} & 295,000,000,000 \\ \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} & 376,000,000,000 \\ \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات} & 447,000,000,000 \\ \text{دستمزدها} & 298,000,000,000 \\ \text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات} & 393,000,000,000 \end{cases}$$

حذف گزینه‌های (۱) و (۳) → درآمد ملی →  $2,302,000,000,000$

**تـ** درآمد سرانه

$$\frac{2302}{45} = 5115 \rightarrow \text{حذف گزینه‌های (۳) و (۴)}$$

### ۳۱۱- گزینه «۴» (صفحه ۲۹)

درآمد:  $Q$  تعداد واحد تولیدشده  $\times P$  قیمت تولیدات

$$1,200,000 \times 2,200 = 2,640,000,000$$

• باید همه ماهیانه‌ها به سالیانه تبدیل شود؛ زیرا در نهایت عملکرد سالیانه را خواسته، پس:

$$\text{اجاره‌بهای سالیانه کارگاه: } 12,000,000 \times 12 = 144,000,000$$

$$\text{حقوق سالیانه کل کارمندان: } 85,000,000 \times 12 \times 15 = 153,000,000$$

$$\text{هزینه استهلاک: } \frac{30}{100} \times 153,000,000 = 45,900,000$$

جمع هزینه‌ها:

$$144,000,000 + 153,000,000 + 185,000,000 + 45,900,000 = 527,900,000$$

حذف گزینه‌های (۱) و (۳) → سود → هزینه > درآمد

$$2,640,000,000 - 527,900,000 = 2,112,100,000$$

### ۳۱۲- گزینه «۳» (نمونه در کتاب خیلی سبز) (صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

تولید خارجیان مقیم کشور؟

$$\begin{array}{r} \text{سهم تولید مردم} \\ \text{ارزش کل تولیدات} = \text{کشور که در خارج‌اند} - \text{تولید ناخالص ملی} \\ 610 = 45 - 665 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خارجیان مقیم کشور} + \text{ارزش کل تولیدات} \\ 650 = X + 610 \\ X = 650 - 610 \rightarrow X = 40 \end{array}$$

### ۳۱۳- گزینه «۴» (نمونه در کتاب خیلی سبز آمده) (صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

**پـ** اول مورد (پ) که کوتاه‌تر است را حل کنیم تا در زمان صرفه‌جویی کنیم. تولید ناخالص داخلی؟

$$\begin{array}{r} \text{ارزش کل تولیدات} \\ \text{خدمات ارائه شده} \\ \hline 145 + 44 \\ \hline 189 \rightarrow \\ \text{جمع کل تولیدات} \end{array}$$

• چون همه ارقام به واحد میلیارد است صفرها را برای جلوگیری از اشتباه نمی‌گذاریم.

$$\begin{array}{r} \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خارجیان مقیم داخل کشور} + \text{جمع کل تولیدات} \\ 189 + 33 = 222 \end{array}$$

← حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

فرقی ندارد (ب) را حل می‌کنید یا (الف) هر کدام راحت‌ترید، البته که مورد (الف) تقسیم دارد و امکان دارد مشکل باشد، پس (ب) خطای محاسباتی کم‌تری دارد پس (ب) را حل کنید.

**پـ** تولید خالص ملی؟

چون خالص خواسته پس ابتدا هزینه استهلاک را حساب می‌کنیم. هم‌چنین تولید مردم کشور مقیم خارج نیز مجهول است که باید آن را محاسبه کنیم:

$$\text{هزینه استهلاک} \Rightarrow 11 = \frac{1}{4} \times 44$$

$$\text{م} \quad \frac{1}{3} \times 33 = 11$$

هزینه استهلاک - تولید مردم کشور که مقیم خارج‌اند + جمع کل تولیدات

$$\begin{array}{r} X - X \\ 189 + 11 \\ \hline \text{تولید خالص ملی} \\ = 189 \end{array}$$

← حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

از آن‌جا که هزینه استهلاک ۱۱- و تولید مردم کشور که مقیم خارج‌اند ۱۱+ می‌شود، پس تولید خالص ملی همان ارزش کل تولیدات می‌شود.

**Stop** در کنکور نیازی به ادامه نیست!

**الف** تولید خالص داخلی سرانه؟

$$\begin{array}{r} \text{تولید خالص داخلی} = \text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} \\ 211 - 11 = 222 \end{array}$$

$$\text{حذف گزینه‌های (۲) و (۱)} \rightarrow 8,440 = \frac{211,000,000,000}{25,000,000}$$

$\frac{211}{25} = 8,440$  اشتباه طراح سؤال، صفرها را در نظر نگرفته به عدد  $8/44$  رسیده در حالی که واحد ۲۱۱ میلیارد و ۲۵ میلیون است و پاسخ  $8,440$  می‌شود.

$$\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \text{تولید خالص داخلی (سرانه)}$$